



שלום רב
שלום רב





حقوق تجارت خارجی امور گمرکی و تعهدات ارزی

ویژه قضات، وکلا، کارشناسان، ضابطین قضایی و بازرگانان

جلد اول: حقوق ثبت سفارش، مجوزات و تخصیص ارز

محمد مسعود یوسفی

(وکیل دادگستری، متخصص دعاوی ارزی، گمرکی و جرایم اقتصادی)



-----	سرشناسه:
-----	عنوان و نام پدیدآور:
دادبانان دانا، ۱۴۰۵	مشخصات نشر:
----- ص.	مشخصات ظاهری:
شابک جلد اول: ۸-۳-۱۹۵۵۱-۶۲۲-۹۷۸ و شابک دوره ۱-۲-۱۹۵۵۱-۶۲۲-۹۷۸	شابک:
----- -- فیپا	وضعیت فهرست نویسی:
	یادداشت:
-----	موضوع:
-----	موضوع:
-----	موضوع:
یوسفی، محمد مسعود ---- نویسنده	شناسه افزوده:
شورای گفتگوی دولت و بخش خصوصی	شناسه افزوده:
مرکز نوآوری و شتابدهی صادرات اتاق ایران	شناسه افزوده:
HD --/--	رده بندی کنگره:
---/--	رده بندی دیویی:
-----	شماره کتاب شناسی ملی:



دوره جامع و کاربردی حقوق تجارت خارجی؛ امور گمرکی و تعهدات ارزی (ویژه قضات، وکلا، کارشناسان، ضابطین قضایی و بازرگانان)	نام کتاب:
محمد مسعود یوسفی (وکیل دادگستری، متخصص دعاوی ارزی، گمرکی و جرایم اقتصادی)	نویسندگان:
شورای گفتگوی دولت و بخش خصوصی و مرکز نوآوری و شتابدهی صادرات اتاق ایران	با همکاری:
-----	ویراستار:
۱۰۰۰	شمارگان:
۲،۰۰۰،۰۰۰ تومان	قیمت:
اول؛ تابستان ۱۴۰۵	نوبت چاپ:
دادبانان دانا	انتشارات:

رَجَالٌ لَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ
الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ

مردانی که تجارت و داد و ستد آنان را از یاد خدا و برپا داشتن
نماز و پرداخت زکات باز نمی‌دارد، [و] پیوسته از روزی که دل‌ها و
دیده‌ها در آن زیر و رو می‌شود، می‌ترسند.

سوره نور-آیه ۳۷

تقدیم به فعالین کسب و کار این مرز و بوم، که همواره
این آیه شریفه سرلوحه کسب و کارشان بوده است.

فهرست مطالب



۱۳	مقدمه
۱۵	یادداشت نویسنده
۱۷	روش مطالعه کتاب
۱۸	کتاب را با «نقشه کلان» آغاز کنید
۱۹	این کتاب را بر اساس «نقش حرفه‌ای» خود بخوانید
۲۱	این کتاب را بر اساس «مرحله بروز مسئله» بخوانید
۲۲	کتاب را با «منطق پرونده» بخوانید، نه صرفاً با «منطق فصل»
۲۳	مطالعه این کتاب باید «سندی» باشد، نه صرفاً «مفهومی»
۲۴	مواعد و ترتیب زمانی را در مطالعه نادیده نگیرید
۲۴	فصل‌های پایانی را فرعی نپندارید
۲۵	این کتاب را یک‌بار نخوانید؛ با آن زندگی حرفه‌ای کنید

◆ بخش اول

۲۷	کلیات، اعتبارسنجی و ثبت سفارش (مراحل پیش از واردات)
۲۹	◆ فصل اول: منابع حقوقی، مراجع صلاحیت‌دار، اهلیت تجاری و اعتبارسنجی بازرگان
۳۱	منابع و سلسله مراتب قواعد حاکم بر پیش از واردات
۳۱	قانون مقررات صادرات و واردات و قلمرو آن در مرحله پیش از واردات
۳۸	آیین‌نامه اجرایی قانون و جایگاه آن در تنظیم ضوابط ورود
۴۴	قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز و نقش آن در نظم پیشینی تجارت
۵۰	مصوبات هیأت وزیران و دستورالعمل‌های لازم‌الاتباع بانکی، حمل و نقل و بیمه
۵۴	اصل انتشار عمومی مقررات و نقش سامانه مقررات تجاری در لازم‌الاجرا شدن ضوابط
۶۳	وزارت صنعت، معدن و تجارت به‌عنوان مرجع اصلی مجوز ورود و ثبت سفارش
۶۷	کمیته دائمی مقررات صادرات و واردات: ترکیب، وظایف و حدود صلاحیت
۷۴	بانک مرکزی، گمرک و ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز در مرحله پیش از واردات
۸۰	دستگاه‌های مجوزدهنده تخصصی و قلمرو مداخله آنها

۹۰	موافقت‌های کلی و مجوزهای موردی در نظام مجوزدهی
۹۷	سامانه‌های حاکم بر فرایند پیش از واردات
۹۷	سامانه جامع تجارت: جایگاه، کارکردها و تبادل داده
۱۰۱	سامانه مقررات تجاری و اثر حقوقی ابلاغ الکترونیکی مقررات
۱۰۷	سامانه ارزی و ارتباط آن با فرآیند ثبت سفارش
۱۱۱	پنجره واحد گمرکی و پیوند آن با سامانه جامع تجارت
۱۱۹	منع مطالبه و بازگذاری مکرر اطلاعات و اسناد واحد در سامانه‌ها
۱۲۴	ممنوعیت‌ها، محدودیت‌ها و ضوابط عام ورود
۱۲۴	کالاهای ممنوعه قانونی
۱۳۰	کالاهای ممنوعه توسط دولت
۱۳۵	آثار عدم اعلام قبلی ضوابط فنی و تخصصی
۱۴۰	سکوت اداری دستگاه مجوزدهنده و آثار آن در صدور مجوز موردی
۱۴۵	اصل رعایت حقوق مکاتبه در تغییرات سالانه و موردی مقررات
۱۵۲	کارت بازرگانی و اهلیت تجاری
۱۵۲	لزوم کارت بازرگانی در واردات تجاری و معیار تجاری بودن کالا
۱۵۵	مرجع صدور کارت و نقش اتاق بازرگانی، اتاق تعاون و وزارت صمت
۱۵۹	شرایط صدور کارت برای اشخاص حقیقی ایرانی
۱۶۳	شرایط صدور کارت برای اشخاص حقیقی خارجی و شرط رفتار متقابل
۱۶۶	شرایط صدور کارت برای اشخاص حقوقی و الزامات مدیرعامل یا صاحبان امضای مجاز
۱۷۲	مدت اعتبار کارت، رشته فعالیت خاص و قاعده تک‌کارت بودن
۱۷۶	موارد معافیت از داشتن کارت بازرگانی
۱۸۳	اعتبارسنجی، رتبه‌بندی، تمدید و زوال کارت بازرگانی
۱۸۳	مبنای قانونی سامانه یکپارچه اعتبارسنجی و رتبه‌بندی اعتباری
۱۸۹	شاخص‌های مسئولیت، وضعیت مالی و وضعیت تجاری
۱۹۵	اثر رتبه‌بندی بر سقف اعتباری واردات و کنترل رشته فعالیت
۲۰۰	بازیابی و افزایش سقف اعتباری در موارد مجاز

شرایط تمدید کارت و استمرار اهلیت تجاری	۲۰۵
اثر تعهدات ارزی، بدهی بیمه‌ای و بدهی‌های مؤثر بر تمدید	۲۱۴
ممنوعیت انتقال یا واگذاری کارت و آثار سوءاستفاده از آن	۲۱۹
تعلیق و ابطال کارت به سبب فقدان شرایط یا سوءرفتار تجاری	۲۲۸
مرجع رسیدگی به اختلافات متقاضی با اتاق و وزارت صمت	۲۳۵

❖ فصل دوم: اسناد مقدماتی معامله خارجی، پیش فاکتور و الزامات شناسایی و انطباق

جایگاه حقوقی اسناد مقدماتی در مرحله پیش از واردات	۲۴۱
قرارداد خارجی، پیش فاکتور و اسناد مرتبط با خرید	۲۴۱
کارکرد حقوقی و سامانه‌ای پیش فاکتور در اخذ مجوز و ثبت سفارش	۲۴۷
نسبت میان قرارداد اصلی، پیش فاکتور و اطلاعات ثبت شده در سامانه‌ها	۲۵۰
حدود اثر اسناد مقدماتی در احراز مشروعیت و امکان‌پذیری ورود کالا	۲۵۶
الزامات شناسایی کالا و طرف معامله	۲۶۲
اوصاف لازم برای شناسایی دقیق کالا در اسناد خرید	۲۶۲
انطباق هویت طرف معامله با اطلاعات سامانه‌ای	۲۶۷
شناسه کالا و آثار آن در ورود، اظهار و ترخیص	۲۷۳
شناسه رهگیری و آثار آن در عرضه و توزیع قانونی کالای وارداتی	۲۷۹
پیامدهای حقوقی عدم انطباق اطلاعات اسناد و سامانه‌ها	۲۸۴
الزامات فنی، استاندارد و کنترلی در اسناد خرید	۲۹۳
درج ضوابط استاندارد، بهداشتی، دامپزشکی و قرنطینه‌ای در اسناد خرید	۲۹۳
درج شرایط فنی و مشخصات کنترلی در پیش فاکتور و اوراق ثبت سفارش	۲۹۶
گواهی بازرسی و گواهی‌های کنترل کیفیت به عنوان شرط پرداخت	۳۰۲
الزام بانک و وزارت صمت به رد پیش فاکتور و اسناد غیر منطبق	۳۰۹
آثار حقوقی مغایرت اسناد خرید با ضوابط فنی و مجوزی	۳۱۲
اصلاح اسناد و انطباق داده‌های سامانه‌ای	۳۱۷
حدود اصلاح پیش فاکتور و اسناد خرید	۳۱۷
لزوم تطبیق اصلاحات قراردادی با اطلاعات ثبت سفارش	۳۲۲

اصلاح داده‌های سامانه‌ای در پی اصلاح اسناد پایه	۳۲۶
آثار عدم اصلاح یا عدم انطباق اطلاعات ثبت‌شده با اسناد واقعی	۳۳۲
♦ فصل سوم: مجوزهای ورود، ثبت سفارش، ثبت آماری و حقوق مکتسبه پیش از واردات	۳۴۱
ساختمان حقوقی مجوز ورود و ثبت سفارش	۳۴۳
اصل مراجعه انحصاری به وزارت صمت برای مجوز ورود و ثبت سفارش	۳۴۳
تمایز ثبت سفارش و ثبت آماری و قلمرو هر یک	۳۵۱
جایگاه مجوز ورود در نظام پیش از واردات	۳۵۴
کفایت مجوز ورود و ثبت سفارش برای ترخیص و بقای لزوم گواهی‌های تخصصی	۳۶۰
زمان و شرایط ثبت سفارش	۳۶۳
قاعده تقدم ثبت سفارش یا ثبت آماری بر تخلیه یا ورود کالا	۳۶۳
حمل یکسره و معیار زمانی ورود به قلمرو گمرکی	۳۷۰
استثنائات قانونی و موردی نسبت به ثبت قبل از تخلیه یا ورود	۳۷۳
ثبت سفارش در رویه‌ها و معافیت‌های خاص: مرزنشین، ملوانی، مسافری، پستی، نمونه‌ها و اقلام خاص	۳۷۷
آثار نقض ترتیب زمانی ثبت سفارش در فرایند قانونی ورود	۳۸۴
مجوزهای تخصصی و مهلت‌های دستگاه‌ها	۳۹۰
موافقت کلی سالانه دستگاه‌های مجوزدهنده و اعلام ضوابط در مواعید مقرر	۳۹۰
مجوزهای موردی و حدود درخواست نظر تخصصی	۳۹۷
آثار عدم پاسخ دستگاه تخصصی در مهلت قانونی	۴۰۱
الزامات دستگاه‌های تخصصی در اعلام ضوابط و استثناءها	۴۰۴
ورود کالاهای فاقد سابقه از کشور مبدأ و ضوابط استثنایی آن	۴۱۰
سقف‌ها، کنترل‌های سامانه‌ای و محدودیت‌های کمی	۴۱۵
سقف‌های فصلی منابع ارزی	۴۱۵
سقف‌های ثبت سفارش و ثبت آماری	۴۲۳
توزیع سهمیه میان دستگاه‌ها و اعمال سامانه‌ای سقف‌ها	۴۲۹
ممنوعیت صدور ثبت سفارش مازاد بر سقف‌های مصوب	۴۳۶

- نسبت سقف‌های ثبت سفارش با اعتبارسنجی و رتبه‌بندی بازرگان ۴۴۰
- اصلاح، تمدید و بقای آثار ثبت سفارش ۴۴۵
- اصلاح ثبت سفارش و حدود آن ۴۴۵
- اصلاح ثبت سفارش‌های فاقد واردات بر پایه استعلام سیستمی ۴۵۱
- تمدید ثبت سفارش و استمرار اعتبار آن ۴۵۸
- اثر انقضا، تعلیق یا ابطال کارت بازرگانی بر ثبت سفارش‌های موجود ۴۶۳
- حدود بقای آثار ثبت سفارش در فروض تغییر وضعیت بازرگان ۴۶۷
- حقوق مکتسبه و اعتراضات پیش از واردات ۴۷۳
- حقوق مکتسبه ناشی از ثبت سفارش ۴۷۳
- حقوق مکتسبه ناشی از گشایش اعتبار، بروات اسنادی و حواله ارزی ۴۸۰
- حمایت از ثبت سفارش‌های مقدم بر ممنوعیت، تشدید شرایط ورود یا افزایش سود بازرگانی ۴۸۶
- اعتراض به امتناع از صدور مجوز یا ثبت سفارش ۴۹۲
- اعتراض به عدم پذیرش اصلاح، عدم اعمال استثنای نقض حقوق مکتسبه ۴۹۷
- الزام دستگاه‌های اداری به انجام وظایف قانونی در مرحله پیش از واردات ۵۰۶





حقوق واردات، امور گمرکی و تعهدات ارزی، امروز دیگر سه حوزه جدا از هم نیستند؛ بلکه اجزای یک منظومه به هم پیوسته‌اند که هر تصمیم در یکی از آنها، می‌تواند آثار مستقیم و گاه تعیین‌کننده‌ای بر دیگری بر جای گذارد. واردات کالا بدون فهم درست از ضوابط ثبت سفارش، تخصیص و تأمین ارز، اسناد بانکی، حمل و نقل بین‌المللی، تشریفات گمرکی، طبقه‌بندی تعرفه‌ای، ارزش‌گذاری، مبدأ، مجوزهای تخصصی، مهلت‌های قانونی، رفع تعهد وارداتی و ضمانت‌اجراهای اداری و کیفری، عملاً قابل تحلیل دقیق نیست. از سوی دیگر، بسیاری از اختلافات و دعاوی این حوزه نیز نه صرفاً «گمرکی» هستند، نه فقط «ارزی» و نه محدود به «حقوق تجارت بین‌الملل»؛ بلکه ماهیتی میان‌رشته‌ای دارند و قاضی، وکیل، کارشناس رسمی و مشاور حقوقی ناگزیر است همه این اجزا را در نسبت با یکدیگر ببیند.

تجربه عملی سال‌های اخیر نشان داده است که بخش مهمی از پرونده‌های مهم اقتصادی و تجاری کشور، در نقطه تلاقی همین سه قلمرو شکل می‌گیرند؛ اختلاف در ثبت سفارش، عدم پذیرش منشأ ارز، تأخیر در تأمین یا کارسازی ارز، عدم پذیرش اسناد در رفع تعهد، اختلاف در تعرفه و ارزش، مطالبه مابه‌التفاوت، توقیف یا ضبط کالا، ارجاع پرونده به تعزیرات یا مرجع کیفری، و در نهایت طرح دعوا در محاکم عمومی یا دیوان عدالت اداری. پیچیدگی این پرونده‌ها از آن جهت بیشتر شده که قواعد حاکم بر آنها پراکنده، چندمنبعی، پرتحول و متأثر از سیاست‌های

اقتصادی، تحریم‌ها، سامانه‌های الکترونیکی و رویه‌های اداری هستند. این کتاب با هدف پاسخ به همین نیاز شکل گرفته است: ارائه یک نقشه جامع، منسجم و کاربردی از حقوق واردات، امور گمرکی و تعهدات ارزی، برای کسانی که در مقام رسیدگی، دفاع، کارشناسی، مشاوره یا تصمیم‌سازی با این موضوعات مواجه‌اند. مخاطب اصلی این اثر، وکلا، قضات دادگستری و کارشناسان رسمی دادگستری‌اند؛ هرچند مدیران حقوقی شرکت‌ها، بازرگانان حرفه‌ای، کارکنان بانک‌ها، کارگزاران گمرکی، دانشجویان تحصیلات تکمیلی و پژوهشگران نیز می‌توانند از آن بهره‌مند شوند.

ساختار کتاب به‌گونه‌ای طراحی شده که خواننده، جریان کامل یک پرونده یا فرایند را از آغاز تا پایان دنبال کند: ابتدا مبانی حقوقی و سامانه‌ای مرحله پیش از واردات؛ سپس عملیات بانکی، ابزارهای پرداخت و حمل‌ونقل؛ بعد تشریفات گمرکی و ترخیص؛ آنگاه تخلفات، قاچاق و مراجع رسیدگی؛ و در ادامه، تعهدات ارزی وارداتی و صادراتی، دعاوی بانکی و اداری، مسائل تراستی، آثار تحریم و شیوه‌های تنظیم قرارداد و دفاع در دعوا. این ترتیب، صرفاً آموزشی نیست؛ بلکه بازتابی از سیر واقعی اختلافات در عمل است.

در این اثر کوشش شده است که قواعد قانونی، آیین‌نامه‌ای، بخشنامه‌ای و رویه‌ای، نه به‌صورت منفصل، بلکه در پیوند با مسئله عملی تحلیل شوند. بنابراین، بحث‌ها صرفاً به نقل مقررہ بسنده نمی‌کنند، بلکه پرسش اصلی همواره این است که: هر قاعده در عمل چه اثری بر حقوق و تکالیف اشخاص دارد؟ در چه مرجعی قابل استناد است؟ تعارض آن با قواعد دیگر چگونه حل می‌شود؟ و در مقام دعوا، دفاع، کارشناسی یا صدور رأی، چه نتیجه‌ای به دست می‌دهد؟

اثر حاضر حاصل تلاشی است برای تبدیل انبوه قواعد پراکنده به یک دستگاه تحلیلی منظم؛ دستگاهی که بتواند در پرونده‌های واقعی، مبنای فهم، استدلال و تصمیم قرار گیرد. امید است این کتاب بتواند بخشی از خلأ منابع تخصصی و جامع در این حوزه را جبران کند و به استقرار دقت، انسجام و امنیت حقوقی بیشتر در رسیدگی‌ها و تحلیل‌های مرتبط با تجارت خارجی کشور یاری رساند.



◆ یادداشت نویسنده

این کتاب از دل یک نیاز واقعی و مکرر به وجود آمد؛ نیازی که در سال‌های متمادی و در خلال وکالت، مشاوره، مطالعه پرونده‌ها و مواجهه نزدیک با اختلافات گمرکی و ارزی، بارها خود را نشان داد. در عمل روشن شد که بسیاری از مسائل این حوزه، با اتکا به منابع پراکنده و خوانش‌های جزیره‌ای حل نمی‌شوند. پرونده‌ای که در ظاهر «گمرکی» است، ممکن است بنیان اصلی‌اش در مقررات ارزی یا عملیات بانکی نهفته باشد؛ و اختلافی که در ابتدا «ارزی» به نظر می‌رسد، گاه بدون فهم درست از تشریفات ورود، اسناد حمل، مجوزهای تخصصی، ارزش گمرکی یا حتی قواعد قاچاق، قابل تحلیل نیست.

همین واقعیت، انگیزه اصلی نگارش این اثر شد: تدوین منبعی جامع، نظام‌مند و کاربردی که بتواند حلقه‌های پراکنده میان حقوق واردات، امور گمرکی و تعهدات ارزی را به یکدیگر متصل کند. هدف من صرفاً گردآوری مقررات نبود. این کتاب با این قصد نوشته شد که برای وکیل در مقام طراحی دعوا یا دفاع، برای قاضی در مقام تشخیص ماهیت اختلاف و تطبیق آن با قانون، و برای کارشناس رسمی در مقام تحلیل تخصصی پرونده، یک مرجع قابل اتکا و روشمند فراهم آورد.

گستره کتاب و حجم فعلی آن، نتیجه طبیعی موضوع آن است، نه گرایش به تفصیل بی‌فایده. این حوزه، به‌ویژه در سال‌های اخیر، از جهات مختلف پیچیده‌تر شده است: تحول مداوم سیاست‌های ارزی، تکرر مقررات و دستورالعمل‌ها، وابستگی تصمیم‌ها به سامانه‌های الکترونیکی، تأثیر تحریم‌ها بر شیوه‌های انتقال ارز

و پرداخت، گسترش پرونده‌های تعزیراتی و کیفری، و افزایش نقش کارشناسی تخصصی در دعاوی. از این‌رو، اختصار افراطی در چنین موضوعی اغلب به قیمت حذف پیوندهای تعیین‌کننده و ساده‌سازی نادرست مسئله تمام می‌شود.

در نگارش کتاب، سه اصل برای من اساسی بوده است؛ نخست، جامعیت در عین نظم؛ به این معنا که خواننده بتواند از مرحله پیش از ورود کالا تا پایان دعوای اداری، حقوقی یا کیفری، مسیر تحلیل را در یک مجموعه دنبال کند. دوم، کاربردمحوری؛ یعنی هر بحث تا حد امکان به نحوی طرح شود که در پرونده واقعی، قابلیت استناد، استدلال و استفاده داشته باشد. سوم، پیوند میان متن قانون و واقعیت عمل؛ زیرا در این حوزه، فهم صرف عبارات قانونی بدون توجه به کارکرد اجرایی آنها، غالباً راهگشا نیست.

کوشیده‌ام کتاب، هم برای خواننده‌ای که می‌خواهد موضوعی خاص را به‌طور موضعی بررسی کند مفید باشد، و هم برای خواننده‌ای که می‌خواهد تصویری کلان و منسجم از کل نظام به دست آورد. به همین دلیل، ساختار کتاب هم ترتیبی است و هم مرجع‌گونه: می‌توان آن را از ابتدا تا انتها خواند، و می‌توان در مقام نیاز، مستقیماً به فصل یا مبحث مرتبط مراجعه کرد.

بدیهی است در حوزه‌ای با این وسعت و پویایی، هیچ اثری دعوی کمال ندارد. با این حال، تلاش کرده‌ام این کتاب تا حد امکان روشن، دقیق، مستند، مسئله‌محور و قابل استفاده برای اهل عمل باشد. اگر این اثر بتواند برای یک قاضی در استدلال رأی، برای یک وکیل در طراحی دفاع، برای یک کارشناس رسمی در تنظیم نظریه، و برای یک پژوهشگر در ترسیم نقشه این قلمرو پیچیده مفید واقع شود، مقصود اصلی من حاصل شده است.

این کتاب را با احترام به جامعه حقوقی کشور، به‌ویژه وکلای متخصص، قضات شریف دادگستری و کارشناسان رسمی دادگستری تقدیم می‌کنم؛ کسانی که در خط مقدم مواجهه با دشوارترین مسائل تجارت خارجی، گمرکی و ارزی ایستاده‌اند و بیش از هر کس، به منابعی دقیق، منسجم و عملی نیاز دارند.

محمد مسعود یوسفی

(وکیل دادگستری، متخصص دعاوی ارزی، گمرکی و جرایم اقتصادی)



◆ روش مطالعه کتاب

این کتاب، از آن سنخ آثاری نیست که بتوان آن را صرفاً به مثابه مجموعه‌ای از اطلاعات خواند و سپس کنار نهاد. اثر حاضر، با توجه به گستره موضوعی، تنوع مراجع صالح، تعدد منابع قانونی و مقرراتی، و پیوند وثیق میان حقوق واردات، تشریفات گمرکی، نظام بانکی و تعهدات ارزی، بیش از آنکه «کتابی برای مطالعه» باشد، «نقشه‌ای برای فهم»، «مرجعی برای مراجعه» و «ابزاری برای تحلیل و تصمیم» است. ساختار آن نیز مؤید همین معناست: کتاب از مرحله پیش از واردات و اعتبارسنجی و ثبت سفارش آغاز می‌شود، سپس به عملیات بانکی و ارزی و حمل‌ونقل بین‌المللی می‌رسد، آنگاه تشریفات گمرکی و ترخیص را می‌گشاید، پس از آن تخلفات و قاچاق و مراجع رسیدگی را بررسی می‌کند و در ادامه، به صورت تفصیلی وارد قلمرو تعهدات ارزی، دعاوی بانکی و اداری، پرونده‌های کیفری و تعزیراتی ارزی، عملیات تراسی، تحریم، تنظیم قراردادهای ارزی و نمونه دادخواست‌ها و لوایح می‌شود.

از همین رو، شیوه بهره‌گیری از این اثر باید متناسب با شأن و کارکرد آن باشد. این کتاب را نباید تنها از ابتدا تا انتها، آن هم با ذهنیتی صرفاً آموزشی خواند؛ همان‌گونه که نباید آن را صرفاً در حد یک فرهنگ اصطلاحات یا مجموعه مقررات فروکاست. مطالعه درست این اثر، مستلزم آن است که خواننده جایگاه خود را در منظومه مسائل این حوزه بشناسد: آیا در مقام قضاوت است یا دفاع؟ در مقام کارشناسی است یا مشاوره؟ در پی کشف مبانی نظری است یا حل یک

پرونده خاص؟ در جست‌وجوی فهم کلان نظام حقوقی این حوزه است یا در صدد حل یک تعارض جزئی میان مقررات، سامانه‌ها و رویه‌ها؟ پاسخ به این پرسش، روش خواندن کتاب را تعیین می‌کند.

نخست باید به این نکته بنیادین توجه داشت که موضوع این کتاب، موضوعی «خطی» و «تک‌مرحله‌ای» نیست. در عالم واقع، اختلافات این حوزه معمولاً از یک نقطه آغاز می‌شوند، در نقطه‌ای دیگر بروز می‌یابند، و در مرجعی ثالث مورد رسیدگی قرار می‌گیرند. چه‌بسا منبع اصلی اختلاف در مرحله ثبت سفارش باشد، اما اثر آن در گمرک ظاهر شود؛ یا منشأ مسئله در عملیات ارزی و بانکی باشد، اما دعوا در دیوان عدالت اداری یا محاکم حقوقی یا حتی تعزیرات و دادگاه انقلاب طرح گردد. ساختار کتاب نیز با لحاظ همین واقعیت تنظیم شده است. از این‌رو، خواننده باید همواره بکوشد میان «مبدأ تعهد»، «نقطه ظهور اختلاف»، و «مرجع حل اختلاف» تفکیک کند و هنگام مطالعه، این سه ساحت را از یکدیگر جدا نبیند.

به بیان دیگر، این کتاب را باید با منطق «زنجیره حقوقی و عملیاتی» خواند، نه با منطق مطالعه منفصل فصل‌ها. در بسیاری از پرونده‌ها، فهم صحیح یک برگ از پرونده، جز با شناخت حلقه‌های قبل و بعد آن ممکن نیست. ثبت سفارش بدون فهم ضوابط مجوزدهی، تأمین ارز بدون شناخت منشأ ارز و تعهدات بانک عامل، پروانه گمرکی بدون درک قواعد ارزش و تعرفه و مبدأ، رفع تعهد وارداتی بدون ملاحظه اسناد حمل و تشریفات ترخیص، و تحلیل یک پرونده قاچاق یا تعزیراتی بدون آگاهی از مرز میان تخلف، اختلاف و جرم، ناقص و گاه گمراه‌کننده است. فهرست تفصیلی کتاب نیز آشکارا نشان می‌دهد که هر بخش، مقدمه و زمینه‌ساز بخش بعدی است و در عین حال، بازگشت به بخش‌های پیشین را برای حل مسائل متأخر ضروری می‌سازد.

کتاب را با «نقشه کلان» آغاز کنید

پیشنهاد نخست آن است که هیچ خواننده‌ای، به‌ویژه اگر قصد استفاده حرفه‌ای از این اثر را دارد، مطالعه خود را بی‌درنگ از یک فصل جزئی آغاز نکند.

نخست باید نقشه کلان کتاب را به دست آورد. مقصود از نقشه کلان، فهم معماری اثر است: اینکه مؤلف از چه نقطه‌ای آغاز کرده، چه مناسباتی را در کنار هم نشانده، و چگونه از مرحله پیش از ورود کالا به مرحله رسیدگی قضایی و اداری و سپس به قلمرو دعاوی و ضمانت‌اجراهای ارزی و کیفری رسیده است. در این نگاه کلان، خواننده درمی‌یابد که کتاب بر پنج ستون اصلی استوار شده است: مرحله پیش از واردات، عملیات بانکی و حمل، تشریفات گمرکی، تخلفات و قاچاق، و نهایتاً تعهدات ارزی و دعاوی ناشی از آن؛ و در ادامه نیز به مباحث پیشرفته‌تری چون تراستی، تحریم، قراردادنویسی و نمونه‌های عملی منتهی می‌شود. این آشنایی آغازین، فایده‌ای دوچندان دارد: نخست آنکه مانع از خوانش جزیره‌ای و گسسته می‌شود؛ دوم آنکه به خواننده امکان می‌دهد هر مسئله را در جای طبیعی خود بنشانند. بسیاری از خطاهای تحلیلی در پرونده‌های گمرکی و ارزی از آنجا ناشی می‌شود که پدیده‌ای مربوط به یک مرحله، با معیارهای مرحله‌ای دیگر سنجیده می‌شود. کسی که نقشه کلی اثر را دریافته باشد، بهتر می‌فهمد که هر تکلیف در کجا ایجاد می‌شود، هر تخلف در کجا تحقق می‌یابد، و هر دعوا در کدام مرجع و بر پایه کدام ادله باید طرح یا دفاع شود.

این کتاب را بر اساس «نقش حرفه‌ای» خود بخوانید

مطالعه این اثر برای همه مخاطبان، یکسان نیست. گرچه متن کتاب از حیث جامعیت به گونه‌ای تنظیم شده که برای وکیل، قاضی، کارشناس رسمی، مدیر حقوقی، مشاور بانکی و پژوهشگر قابل استفاده باشد، اما شیوه مراجعه هر یک ناگزیر متفاوت است. خود ساختار کتاب نیز این تفاوت را اقتضا می‌کند؛ زیرا در آن هم مباحث مبنایی و ساختاری وجود دارد، هم مباحث رویه‌ای و سامانه‌ای، هم تحلیل دعاوی و مراجع، و هم نمونه‌های کاربردی نهایی.

۱) اگر قاضی دادگستری هستید

برای قاضی، این کتاب باید پیش از هر چیز، با رویکرد «تشخیص ماهیت حقوقی اختلاف» خوانده شود. در بسیاری از پرونده‌ها، ظاهر دعوا با واقعیت

بخش اول ا
کلیات، اعتبارسنجی و ثبت سفارش
(مراحل پیش از واردات)



فصل اول

منابع حقوقی، مراجع صلاحیت دار،
اهلیت تجاری و اعتبارسنجی بازرگان





◆ فصل اول: منابع حقوقی، مراجع صلاحیت‌دار، اهلیت تجاری و اعتبارسنجی بازرگان

منابع و سلسله‌مراتب قواعد حاکم بر پیش از واردات

قانون مقررات صادرات و واردات و قلمرو آن در مرحله پیش از واردات

قانون مقررات صادرات و واردات مصوب ۴ مهر ۱۳۷۲، با اصلاحات بعدی، در مرحله پیش از واردات قانون پایه و آغازین است. اهمیت این قانون در آن نیست که همه جزئیات تجارت خارجی را به تنهایی تنظیم کرده باشد، بلکه در این است که چهارچوب حقوقی «امکان مشروع ورود» را بنا می‌نهد؛ یعنی روشن می‌کند ورود چه کالاهایی اصولاً در چه ساختاری و از چه مجربایی می‌تواند مجاز شود، کدام مرجع صلاحیت صدور مجوز مقدماتی دارد، واردکننده تجاری چه اهلیتی باید داشته باشد، و تغییر ضوابط ورود با چه ترتیبی معتبر خواهد بود. ماده ۱ این قانون، مقررات صادرات و واردات کالا و انجام خدمات مربوطه را نسبت به کلیه صادرکنندگان، واردکنندگان و اشخاصی که شمول قانون بر آنان نیازمند تصریح است، تابع همین قانون قرار داده است. با این همه، اطلاق ماده ۱ نباید به معنای خودبسندگی مطلق فهم شود؛ زیرا این قانون امروز در کنار قوانین خاص و مؤخر، به‌ویژه قانون امور گمرکی، قوانین مناطق آزاد و ویژه، مقررات ارزی و قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، باید اجرا و تفسیر شود. از همین رو، هرگاه اختلاف بر سر «اصل امکان ورود» و «ایجاد وضعیت حقوقی

مجاز برای ورود» باشد، نقطه شروع تحلیل همین قانون است؛ اما هرگاه نزاع به تشریفات کامل پس از ورود، ارزش و تعرفه، یا عملیات بانکی و ارزی مربوط شود، این قانون دیگر تنها مرجع تعیین‌کننده نیست.

در سلسله‌مراتب منابع، این قانون بر آیین‌نامه اجرایی، جداول ضمیمه، تصویب‌نامه‌های سالانه و موردی، بخشنامه‌ها، دستورالعمل‌ها و قیود سامانه‌ای مقدم است. ماده ۲۳ قانون، ابتکار تهیه آیین‌نامه اجرایی را به وزارت صنعت، معدن و تجارت و تصویب آن را به هیأت وزیران سپرده و ماده ۲۴ نیز همین وزارتخانه را مسئول حسن اجرای قانون و آیین‌نامه‌های اجرایی آن دانسته است. نتیجه این طراحی آن است که آنچه در عمل به نام «کتاب مقررات صادرات و واردات» شناخته می‌شود، منبع مستقلی هم‌عرض قانون نیست؛ اعتبار الزام‌آور آن به میزانی است که بر پایه خود قانون، آیین‌نامه معتبر، جداول مصوب و سایر قوانین خاص نافذ شکل گرفته باشد. بنابراین، جدول، بخشنامه، نامه اداری یا مانع سامانه‌ای، به خودی خود و بی‌نیاز از زنجیره اختیار، نمی‌تواند مفهومی تازه از ممنوعیت، معافیت، استثناء، شرط ورود یا حق مکتسب بیافریند. برای وکیل و قاضی، این نکته در عمل بدین معناست که استناد صرف به «مقرر اجرایی» کافی نیست؛ باید تا خود قانون، یا دست‌کم تا قانون خاص مؤخر، مسیر اختیار و اعتبار آن مقرر قابل بازسازی باشد.

از حیث ماهوی، یکی از مهم‌ترین ظرایف تنقیحی آن است که سه تعریف اولیه ماده ۲ درباره کالای مجاز، کالای مجاز مشروط و کالای ممنوع، از زمان لازم‌الاجرا شدن قانون امور گمرکی در ۲۲ آبان ۱۳۹۰ نسخ شده است. ازاین‌رو، نقل متن اولیه ماده ۲ به عنوان تعریف جاری این سه دسته کالا، امروز از حیث حقوقی دقیق نیست و تعاریف معتبر باید از قانون امور گمرکی اخذ شود. با این حال، تبصره‌های ماده ۲ قانون مقررات صادرات و واردات همچنان نقش اساسی دارند. تبصره ۱ اختیار داده است که دولت بنا به مقتضیات و شرایط خاص زمانی، با رعایت قوانین مربوط، ورود یا صدور برخی کالاها را ممنوع کند و تبصره ۲ تعیین نوع و مشخصات کالاها را به آیین‌نامه اجرایی سپرده است. نتیجه عملی این



ترکیب آن است که هر ممنوعیتی را نباید بی‌درنگ به معنای «ممنوعیت قانونی» به مفهوم اخص دانست. میان کالایی که ورود آن ذاتاً و به موجب قانون ممنوع است و کالایی که در چارچوب صلاحیت تقنینی واگذار شده، به طور موقت یا موردی توسط دولت ممنوع می‌شود، از حیث تحلیل حقوقی، نحوه استناد، آثار شکلی و حتی پیامدهای بعدی باید تفکیک کرد. این تفکیک در مرحله پیش از واردات اهمیت بنیادین دارد؛ زیرا نوع ممنوعیت، دامنه اختیار مرجع اداری، امکان طرح دعوای ابطال مقرر، و حدود حمایت از وضعیت‌های حقوقی موجود را دگرگون می‌کند.

قانون در مرحله پیش از واردات، قلمرو شخصی خود را بر واردات تجاری بنا می‌کند. مطابق ماده ۳، مبادرت به امر واردات و صادرات کالا به صورت تجاری مستلزم داشتن کارت بازرگانی است. بنابراین، این قانون فقط درباره خود کالا سخن نمی‌گوید، بلکه درباره شخصیت و اهلیت واردکننده نیز مداخله مستقیم دارد و میان واردکننده تجاری و اشخاص یا گروه‌هایی که قانونگذار برای آنان وضعیت استثنایی مقرر کرده، تمایز می‌نهد. تبصره ۱ ماده ۳ تشخیص تجاری بودن کالا و قواعد صدور، تمدید و ابطال کارت را به آیین‌نامه اجرایی واگذار کرده و تبصره ۳ همان ماده برخی گروه‌ها، از جمله شرکت‌های تعاونی مرزنشین، ملوانان، پیله‌وران و کارگران ایرانی مقیم خارج دارای کارنامه شغلی مجاز را از داشتن کارت بازرگانی معاف دانسته است. افزون بر این، مواد ۱۰ و ۱۱ قانون نشان می‌دهد که خود قانون نیز در سطح تقنینی، برخی رژیم‌های استثنایی مرزی و بازارچه‌ای را به رسمیت شناخته و تنظیم جزئیات آنها را به آیین‌نامه سپرده است. اثر عملی این احکام در دادرسی و مشاوره روشن است: پیش از هر بحثی درباره ثبت سفارش، مجوز ورود یا شمول ممنوعیت، باید احراز شود که موضوع اصلاً واردات تجاری به مفهوم قانونی است یا در یکی از فروض استثنایی قرار می‌گیرد؛ زیرا خطا در همین نقطه، مبنای دعوا، مرجع صالح، بار اثبات و حتی توصیف حقوقی رفتار را تغییر می‌دهد.

از حیث شکلی و نهادی، ماده ۸ مهم‌ترین ماده قانون در مرحله پیش از واردات است. به موجب این ماده، واردکنندگان کالاهای مختلف، اعم از دولتی و غیردولتی،

فصل دوم

اسناد مقدماتی معامله خارجی، پیش فاکتور
و الزامات شناسایی و انطباق



◆ فصل دوم: اسناد مقدماتی معامله خارجی، پیش فاکتور و الزامات شناسایی و انطباق

جایگاه حقوقی اسناد مقدماتی در مرحله پیش از واردات قرارداد خارجی، پیش فاکتور و اسناد مرتبط با خرید

در مرحله پیش از واردات، سرنوشت حقوقی معامله پیش از آنکه به مجوز و ثبت برسد، در معماری قرارداد خارجی و اسناد خرید رقم می خورد. نخستین خطای تحلیلی آن است که قرارداد خارجی، پیش فاکتور و سایر اسناد خرید به منزله یک سند واحد تلقی شوند. این اسناد از نظر منشأ تعهد، ارزش اثباتی و اثر در برابر اشخاص ثالث و مراجع عمومی یکسان نیستند. قرارداد خارجی، هسته الزام آور رابطه خصوصی میان خریدار و فروشنده است؛ پیش فاکتور، در وضع متعارف، بازتاب مکتوب و عملیاتی پیشنهاد یا توافق اولیه یا میانی فروشنده درباره فروش کالا است؛ و اسناد مرتبط با خرید، شبکه ای از اوراق و داده ها هستند که هویت طرفین، موضوع معامله، شرایط مالی و نحوه اجرای توافق را روشن، تکمیل و قابل استناد می کنند. همین تمایز، مبنای صحیح تحلیل در دعاوی قراردادی، اختلافات بانکی و حتی سنجش سمت و اصالت اسناد در مراحل بعدی تجارت خارجی است.

از دید حقوق ایران، قرارداد خارجی خرید کالا اصولاً تابع قواعد عمومی قراردادهاست. هرگاه اراده انشایی طرفین، اهلیت، موضوع معین و جهت مشروع

فراهم باشد، قرارداد خصوصی نافذ است و پس از انعقاد، برای طرفین و قائم مقام‌های آنان لازم‌الاتباع خواهد بود. در این قلمرو، اصل بر صحت معامله است و فقدان قالب تشریفاتی خاص، به خودی خود، مانع تحقق قرارداد نیست. از همین رو، قرارداد پایه ممکن است در قالب یک قرارداد فروش مفصل، موافقت‌نامه چارچوبی به انضمام سفارش‌های خرید، یا مجموعه‌ای از ایجاب و قبول‌های متوالی شکل گیرد. آنچه اثر حقوقی می‌آفریند، توافق معتبر و قابل احراز طرفین است، نه صرف عنوان برگه یا شکل ظاهری مبادله اسناد.

با این همه، نفوذ خصوصی قرارداد با جواز عمومی ورود کالا یکی نیست. مطابق ماده ۱ و ماده ۸ قانون مقررات صادرات و واردات، نظم حقوقی ورود کالا و خدمات مربوطه در قلمرو این قانون قرار دارد و اخذ مجوز ورود و ثبت سفارش در صلاحیت انحصاری مرجع اداری تعیین شده است. قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز نیز فرایند تجارت خارجی را در بستر سامانه‌های الزام‌آور و نظارت یکپارچه قرار داده است. بنابراین حتی قراردادی که در روابط خصوصی کاملاً معتبر است، به تنهایی حق مکتسب برای ورود کالا برخلاف ممنوعیت‌ها، محدودیت‌ها، مجوزهای لازم یا الزامات آمره ایجاد نمی‌کند. از این رو، حتی درج شرط داوری یا ارجاع به قانون خارجی در قرارداد نیز نمی‌تواند قواعد آمره واردات و نظم عمومی اقتصادی ایران را در برابر مراجع داخلی کنار بزند.

در این میان، پیش‌فاکتور جایگاهی میانی و ویژه دارد. در عمل تجارت خارجی، پیش‌فاکتور غالباً پس از مذاکرات اولیه و بر مبنای خواسته خریدار از سوی فروشنده صادر می‌شود و حاوی متمرکزترین تصویر از شرایط اصلی معامله است: معرفی کالا، مقدار، قیمت، ارز، شرط تحویل، شیوه پرداخت، مهلت عرضه یا حمل، و مشخصات فروشنده. توصیف رسمی سازوکار اعتبار اسنادی در رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری نیز همین ترتیب را نشان می‌دهد که ابتدا قرارداد میان خریدار و فروشنده شکل می‌گیرد و بر اساس آن، پیش‌فاکتور صادر می‌شود و سپس در مسیرهای بعدی مورد استفاده قرار می‌گیرد. از این منظر، پیش‌فاکتور نه صرفاً یک برگه تشریفاتی و فاقد اثر است و نه در همه فروض، خودبه‌خود

جانشین قرارداد نهایی فروش محسوب می‌شود؛ وزن حقوقی آن وابسته به قصد طرفین، شیوه قبول، و رفتار بعدی آنان است.

اگر طرفین یک قرارداد خارجی مستقل و تفصیلی امضا کرده باشند، پیش فاکتور معمولاً نقش سند عملیاتی یا خلاصه اجرایی آن قرارداد را بر عهده دارد. در این فرض، تعهدات اصلی درباره کیفیت، اوصاف فنی، مقدار، قیمت، توزیع ریسک، ضمانت اجراها، شرایط فسخ، مرجع حل اختلاف و اصلاحات بعدی را باید نخست از قرارداد پایه استخراج کرد، نه از یک سند یک طرفه یا مختصرتر. اما در فرض فقدان قرارداد مستقل، پیش فاکتور مورد قبول خریدار، اگر با قرائنی مانند پرداخت پیش پرداخت، درخواست گشایش اعتبار، صدور بیمه نامه، مکاتبات اجرایی، یا تدارک کالا همراه شود، می‌تواند دلیل تحقق قرارداد یا دست کم دلیل قوی بر توافق بر عناصر اساسی آن باشد. در نتیجه، در طرح دعوا یا دفاع، نخست باید روشن کرد که دعوی بر کدام منبع استوار شده است: قرارداد پایه، قبول پیش فاکتور، یا اصلاح بعدی اسناد معامله.

پیش فاکتور باید از فاکتور تجاری نهایی نیز جدا دیده شود. پیش فاکتور به مرحله پیش از اجرا، برنامه ریزی و سازماندهی معامله تعلق دارد، در حالی که فاکتور تجاری معمولاً پس از آماده سازی یا حمل کالا و در مقام سند نهایی مطالبه ثمن یا ارائه اسناد معامله ظاهر می‌شود. یکی از لغزش های رایج در رسیدگی های قضایی و کارشناسی آن است که هر پیش فاکتور، بدون توجه به توالی اسناد، به منزله فاکتور قطعی یا حتی عقد کامل تلقی شود. لغزش معکوس نیز کم خطرتر نیست: بی اعتبار پنداشتن مطلق پیش فاکتور، در حالی که بسیاری از معاملات بین المللی عملاً از رهگذر ایجاب و قبول مستند، نه یک سند تشریفاتی واحد، شکل می گیرند.

سایر اسناد مرتبط با خرید نیز از حیث نیروی الزام آور هم رتبه نیستند. سفارش خرید، معمولاً اراده خریدار برای تحصیل کالا است؛ تأیید سفارش از جانب فروشنده می‌تواند نقش قبول را ایفا کند؛ شرایط عمومی فروش و ضمایم فنی زمانی جزء قرارداد می‌شوند که به طور روشن در اسناد معامله وارد و از سوی

طرف مقابل پذیرفته شوند؛ کاتالوگ، بروشور و برگه مشخصات فنی، اصولاً به خودی خود منشأ تعهد نیستند مگر آنکه به عنوان جزء مورد توافق در متن قرارداد یا پیش فاکتور ادغام شده باشند؛ و اسنادی مانند معرفی نامه سازنده یا گواهی نمایندگی زمانی اهمیت می یابند که فروشنده تولیدکننده نباشد یا سمت او بعداً محل اختلاف قرار گیرد. از حیث اثبات، هرچه این اسناد در یک زنجیره زمانی منسجم، با ارجاع متقابل روشن و بدون جابه جایی توضیح ناپذیر در طرفین، قیمت یا موضوع معامله تنظیم شده باشند، قابلیت استناد آنها بیشتر است. از این رو، شناسایی دقیق طرفین در اسناد خرید صرفاً یک توصیه بازرگانی نیست، بلکه یک ضرورت حقوقی است. نام کامل و دقیق شخص حقوقی یا حقیقی، تابعیت و محل استقرار، شخص امضاکننده و سمت او، و نیز این نکته که فروشنده به عنوان تولیدکننده، تاجر مستقل، نماینده یا واسطه عمل می کند، باید به روشنی معلوم باشد. پیش فاکتور صادره از شخص فاقد سمت، بیش از آنکه سند تعهد باشد، منبع اختلاف بر سر اصالت و انتساب خواهد شد. اهمیت عملی این امر در حقوق گمرکی نیز آشکار است؛ زیرا بند «ش» ماده ۱ قانون امور گمرکی، صاحب کالای تجاری را شخصی می داند که نسخ اصلی اسناد خرید و حمل به نام او صادر شده و در فرض خرید بانکی، اسناد از طرف بانک مهر شده باشد و ترخیصیه نیز به نام او باشد یا به نحو معتبر به وی منتقل شده باشد. بنابراین، اگر پیش فاکتور به نام شرکت «الف» صادر شود، وجه به حساب شرکت «ب» واریز گردد، قرارداد به امضای شخصی فاقد سمت برسد و اسناد حمل به نام شخص «ج» تنظیم شود، نزاع بعدی صرفاً بر سر کیفیت کالا نخواهد بود، بلکه اصل سمت، مالکیت تجاری، اصالت رابطه قراردادی و حق پیگیری دعوا نیز محل تردید قرار می گیرد.

موضوع معامله نیز باید در همین مرحله به اندازه کافی معین باشد. توصیف کالا با عناوین کلی یا نام های تجاری مبهم، در معامله حرفه ای خارجی کافی نیست. قرارداد یا پیش فاکتور باید با توجه به ماهیت کالا، اطلاعاتی به دست دهد که موضوع تعهد را بدون بازسازی حافظه اشخاص بتوان شناسایی کرد: مدل، گرید،

فصل سوم

مجوزهای ورود، ثبت سفارش، ثبت آماری و حقوق مکتسبه پیش از واردات



◆ فصل سوم: مجوزهای ورود، ثبت سفارش، ثبت آماری و حقوق مکاتبه پیش از واردات

ساختار حقوقی مجوز ورود و ثبت سفارش

اصل مراجعه انحصاری به وزارت صمت برای مجوز ورود و ثبت سفارش

هسته سخت نظم حقوقی پیش از واردات در حقوق ایران، تمرکز مرجع مراجعه برای اخذ مجوز ورود و ثبت سفارش است. مطابق ماده ۸ قانون مقررات صادرات و واردات، واردکنندگان کالاهای مختلف، اعم از دولتی و غیردولتی، برای اخذ مجوز ورود و ثبت سفارش باید منحصراً به وزارت صنعت، معدن و تجارت مراجعه کنند. قید «منحصراً» در این ماده، تعبیر تشریفاتی یا توصیه اداری نیست، بلکه قاعده‌ای آمره در باب صلاحیت مرجع مراجعه و درگاه قانونی آغاز واردات تجاری است. اثر این حکم آن است که، جز در حدودی که خود قانون استثنا کرده یا قانون خاص ترتیب دیگری نهاده است، هیچ شخص و هیچ دستگاهی نمی‌تواند مسیری موازی با وزارت صمت برای ایجاد حق اولیه ورود کالا و ثبت آن در نظام رسمی تجارت خارجی برقرار کند. بنابراین، در تحلیل هر اختلاف پیش از واردات، نخستین پرسش این نیست که آیا متقاضی از مرجعی موافقتی اخذ کرده است یا نه؛ بلکه باید روشن شود آیا مجوز ورود و ثبت سفارش از مرجع قانونی مقرر، یعنی وزارت صمت، تحصیل شده است یا خیر. این انحصار را باید درست فهمید. مقصود از آن، انحصار وزارت صمت در «درگاه

عمومی ورود» است، نه انحصار مطلق این وزارتخانه در همه اجزای فرایند واردات. قانون‌گذار با تعیین مرجع واحد، خواسته است نقطه شروع ورود تجاری، پراکنده، چندمرجعی و تابع تصمیم‌های موازی نباشد. از همین رو، موافقت یک دستگاه تخصصی، هرچند در جای خود لازم و مؤثر است، جانشین مجوز ورود یا ثبت سفارش نمی‌شود؛ همان‌گونه که صدور ثبت سفارش نیز جایگزین گواهی‌های فنی، بهداشتی، قرنطینه‌ای، استاندارد یا الزامات ارزی مقرر در قوانین خاص نیست. به تعبیر دقیق‌تر، قانون، «حق مراجعه و اخذ مجوز اصلی» را در وزارت صمت متمرکز کرده، اما «محتوای تخصصی برخی شروط ورود» را، در حدود قانون، برای مراجع ذی‌صلاح باقی گذاشته است. بی‌توجهی به این تفکیک، منشأ بخش قابل توجهی از خطاهای عملی در تنظیم دادخواست‌ها، دفاعیات اداری و حتی تشخیص موضوع کارشناسی است.

تمرکز این صلاحیت در وزارت صمت با سایر اجزای نظام مقرراتی پیش از واردات نیز هماهنگ است. ماده ۴ قانون مقررات صادرات و واردات، تهیه تغییرات کلی آیین‌نامه اجرایی و جداول مقررات صادرات و واردات و نیز تغییرات موردی آنها را، پس از نظرخواهی از دستگاه‌های ذی‌ربط و با لحاظ حقوق مکتسبه، بر عهده همین وزارتخانه نهاده و انتشار عمومی آنها را نیز به آن سپرده است. این حکم نشان می‌دهد که وزارت صمت صرفاً مجری یک عملیات سامانه‌ای یا دفتری نیست؛ بلکه گره‌گاه حقوقی گردآوری ضوابط، تنقیح نیازهای دستگاه‌ها، تبدیل ضابطه پراکنده به قاعده قابل اعمال و ابلاغ آن به فعالان تجاری است. در همین راستا، ماده ۱ آیین‌نامه اجرایی قانون نیز کمیته دائمی مقررات صادرات و واردات را در ساختار این وزارتخانه مستقر کرده و ریاست آن را بر عهده رئیس کل سازمان توسعه تجارت ایران قرار داده است. در نتیجه، تمرکز مرجع مراجعه در وزارت صمت، یک انتخاب صرفاً اجرایی نیست، بلکه بخشی از معماری قانونی حکمرانی تجارت خارجی است.

در خوانش آیین‌نامه اجرایی باید توجه داشت که باقی‌ماندن عنوان «وزارت بازرگانی» در برخی مواد قدیمی، تغییری در مرجع عملی و قانونی امروز ایجاد

نمی‌کند و در ساختار فعلی، همان صلاحیت در وزارت صنعت، معدن و تجارت اعمال می‌شود. از این منظر، ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی قانون مقررات صادرات و واردات، نحوه مداخله دستگاه‌های تخصصی را به گونه‌ای تنظیم کرده که اصل مراجعه انحصاری مخدوش نشود. وزارتخانه‌ها و سازمان‌هایی که ورود برخی کالاها موکول به موافقت آنهاست، مکلف‌اند نظر کلی خود را برای سال بعد در موعد مقرر به وزارت صمت اعلام کنند و اگر موافقت کلی ممکن نباشد، دلایل و ضوابط صدور مجوز موردی را به همان مرجع ارائه دهند. حتی در موارد استثنایی، هرگاه وزارت صمت از دستگاه ذی‌ربط استعلام کند و ظرف پانزده روز پاسخی دریافت نشود، جز در مورد کالاهای موکول به موافقت وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، مجاز است رأساً نسبت به صدور مجوز موردی اقدام کند. این حکم از حیث عملی اهمیت بسیار دارد؛ زیرا نشان می‌دهد قانون‌گذار نخواستار سکوت یا تعلل دستگاه تخصصی، مسیر قانونی ورود را معطل و بالتکلیف کند. پس در دعاوی ناشی از امتناع یا سکوت اداری، موضوع اصلی غالباً فقدان مرجع صلاحیت‌دار نیست، بلکه استنکاف از ایفای وظیفه در درون همان ساختار واحد است.

مواد ۳ و ۴ آیین‌نامه اجرایی نیز همین منطق را تکمیل می‌کنند. هر دستگاهی که ورود یا صدور کالایی را منوط به رعایت ضوابط استاندارد یا اخذ گواهی خاص می‌داند، باید شرایط، مشخصات، مراجع کنترل‌کننده و جزئیات ضابطه را در سامانه مقررات تجاری اعلام کند. افزون بر آن، دستگاه‌های مسئول ضوابط بهداشت انسانی، دامی و نباتی مکلف شده‌اند بدون توجه به موافقت یا مخالفت خود با اصل ورود کالا، ضوابط لازم برای ترخیص و ورود را به وزارت صمت اعلام کنند تا به صورت عام منتشر شود. ضمانت مهم این تکلیف آن است که اگر دستگاه مسئول، ضابطه لازم را اعلام نکرده باشد، نمی‌تواند بعداً به استناد همان ضابطه اعلام‌نشده از ترخیص کالا جلوگیری کند. همچنین تبصره ۱ ماده ۴ آیین‌نامه، برای مراجع صدور مجوزهای لازم، مهلت دو هفته‌ای مقرر کرده است. حاصل این مجموعه آن است که مراجعه انحصاری به وزارت صمت، صرفاً ناظر

به تسلیم درخواست نیست؛ بلکه به معنای آن است که گردش قانونی اطلاعات و ضوابط نیز باید از مسیر واحد، شفاف و از پیش اعلام شده عبور کند. برای وکیل و قاضی، این نکته در جایی تعیین کننده می شود که دستگاهی پس از ورود کالا یا در آستانه ترخیص، به ضابطه های استناد می کند که در زمان لازم اعلام و منتشر نشده بوده است.

ماده ۶ آیین نامه اجرایی، بعد دیگری از این ساختار را آشکار می سازد. در مورد کالاهای مشمول استاندارد اجباری و سایر ضوابط موضوع ماده ۳، واردکننده مکلف است استانداردها و ضوابط مزبور را در قرارداد خرید و اوراق ثبت سفارش قید کند و ارائه برگ بازرسی کالا را شرط پرداخت قرار دهد؛ و وزارت صمت و بانک، حسب مورد، باید از پذیرش ثبت آماری و صدور مجوز ورود و ثبت سفارش نسبت به اسناد غیرمنطبق خودداری کنند. بنابراین، ثبت سفارش در حقوق ایران، صرف یک ثبت شکلی یا آماری نیست؛ بلکه محل تقاطع داده های قراردادی، فنی و کنترلی است. از این رو، اگر پیش فاکتور، قرارداد خارجی یا داده های سامانه ای با ضوابط اعلام شده منطبق نباشد، متقاضی نمی تواند با اخذ موافقتی پراکنده از دستگاهی دیگر، نقص ساختاری ثبت سفارش را جبران شده تلقی کند. در عمل حرفه ای، این موضوع در تنظیم قرارداد خارجی و بررسی پیش فاکتور اهمیت بنیادین دارد؛ زیرا بسیاری از اختلافات بعدی، نه از مرحله ترخیص، بلکه از همان جا آغاز می شود که اسناد خرید، ظرفیت انطباق با نظام ثبت سفارش را ندارند.

اصل مراجعه انحصاری در وضع کنونی، بیش از آنکه معنای کاغذی داشته باشد، معنای سامانه ای دارد. به موجب بند «الف» ماده ۶ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز و ماده ۳ آیین نامه اجرایی مواد ۵ و ۶ آن قانون، وزارت صمت مکلف به ایجاد و بهره برداری از سامانه جامع تجارت به عنوان سامانه نرم افزاری یکپارچه سازی و نظارت بر فرایند تجارت شده است. این سامانه باید متضمن کلیه فرایندهای تجارت داخلی و خارجی، از جمله مجوزهای تجاری، باشد و به نحوی طراحی شود که بازرگان بتواند امور خود را از طریق همان درگاه مشاهده و پیگیری کند و از ورود چندباره اطلاعات یکسان جلوگیری شود. مهم تر از آن، سامانه

جامع تجارت موظف است آخرین وضعیت ضوابط کالایی را به صورت سیستمی و برخط دریافت کند، مجوزهای مورد نیاز را بر اساس شناسه کالا و بدون دخالت عامل انسانی تشخیص دهد، درخواست صدور مجوز را برای دستگاه مجوزدهنده ارسال کند و پاسخ‌های صادره را نیز دریافت و منعکس سازد. پس در نظام فعلی، مراجعه انحصاری به وزارت صمت لزوماً به معنای حضور فیزیکی در یک اداره نیست؛ بلکه به معنای عبور از درگاه قانونی و سیستمی‌ای است که قانون برای تمرکز اطلاعات، مجوزها و ردپای تصمیمات اداری مقرر کرده است. برای دعوا و اثبات نیز نتیجه روشن است: داده سامانه‌ای، زمان ثبت، زمان استعلام، زمان پاسخ، و وضعیت ابلاغ ضابطه، بخشی از ادله اصلی دعوای پیش از واردات است. از همین جا باید حد و مرز این اصل با صلاحیت‌های بانک مرکزی و گمرک نیز روشن شود. ماده ۹ قانون مقررات صادرات و واردات، بانک مرکزی و گمرک ایران را مکلف کرده است آمار ثبت سفارش گشایش‌شده و ترخیص کالا را در مواعد مقرر به وزارت صمت و سایر مراجع ذی‌ربط ارسال کنند. از سوی دیگر، قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز و آیین‌نامه‌های اجرایی آن، در حوزه منشأ ارز، تخصیص اطلاعات ارزی و تبادل داده میان سامانه جامع تجارت، سامانه ارزی و پنجره واحد گمرکی، برای بانک مرکزی و گمرک نقش مستقلی شناخته‌اند. به‌ویژه بر اساس تبصره ۳ ماده ۷ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، کلیه واردکنندگان مکلف‌اند منشأ ارز کالای وارداتی خود را پس از ثبت سفارش و قبل از ترخیص در سامانه مربوط اظهار کنند. بنابراین، تمرکز مرجع مجوز ورود و ثبت سفارش در وزارت صمت به این معنا نیست که این وزارتخانه بتواند نقش بانک مرکزی در تنظیم و تأیید سازوکارهای ارزی یا نقش گمرک در کنترل و تشریفات گمرکی را تصاحب کند. هر جا اختلافی در عمل پیش می‌آید، باید میان «فقدان یا امتناع از صدور مجوز ورود و ثبت سفارش» از یک سو، و «فقدان تأیید یا داده ارزی» و «فقدان تشریفات یا مجوزهای لازم برای ترخیص» از سوی دیگر، تفکیک دقیق انجام شود.

قاعده انحصار، وقتی با تبصره ۱ ماده ۸ قانون مقررات صادرات و واردات خوانده می‌شود، اثر عملی شفاف‌تری پیدا می‌کند. به موجب این تبصره، موافقت با

ماده ۱۵ قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار همه دستگاه‌های اجرایی مرتبط با محیط کسب و کار و ادارات کل استانی آنها را مکلف کرده است به سؤالات فعالان اقتصادی پاسخ دهند و مطالبات و شکایات آنان را بررسی کنند. در کنار این حکم عام، تبصره ۴ ماده ۱۶ قانون دیوان عدالت اداری در دعاوی مربوط به انجام امر اداری یا خودداری از انجام آن، یک پیش‌شرط شکلی مهم مقرر کرده است: ذی‌نفع باید پیش از مراجعه به دیوان، درخواست خود را به دستگاه اجرایی بدهد و دستگاه نیز مکلف است آن را استماع کند، رسید بدهد و ظرف سه ماه پاسخ کتبی ارائه نماید. اگر این پاسخ داده نشود، پس از انقضای مهلت و با رعایت مواعد قانونی، دعوا در دیوان قابل طرح است و مبدأ محاسبه نیز می‌تواند زمان وصول درخواست اثبات‌شده باشد. رویه جدید دیوان نیز نشان می‌دهد که نادیده گرفتن این مرحله می‌تواند به صدور قرار عدم استماع بینجامد. از حیث عملی، این بدین معناست که در دعاوی پیش از واردات، اظهارنامه رسمی یا هر شیوه قابل اثبات دیگر برای مطالبه انجام وظیفه، بخشی از ماهیت دفاعی پرونده است، نه صرفاً مقدمه‌ای تشریفاتی.

مرجع قضایی این الزام نیز باید به‌درستی شناخته شود. رأی شماره ۶۸۴ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری صریحاً بر صلاحیت شعب دیوان در رسیدگی به خواسته الزام دستگاه اداری به انجام وظیفه قانونی تأکید کرده و مبنای آن را رسیدگی به اعتراض اشخاص نسبت به تصمیمات و اقدامات واحدهای دولتی دانسته است. در برابر، رسیدگی به اعتراض نسبت به خود آیین‌نامه‌ها، بخشنامه‌ها و سایر مقررات عام دولتی در صلاحیت مرجع ابطال مقررات در دیوان است. اثر عملی این تفکیک در دعاوی پیش از واردات بسیار مهم است: اگر مانع اصلی، خود مقرر عام و لازم‌الاجرا باشد، راه‌حل صرفاً در درخواست الزام خلاصه نمی‌شود و باید نسبت آن مقرر با قانون بالادستی، حدود اختیار مرجع صادرکننده و امکان ابطال آن سنجیده شود؛ اما اگر مانع، امتناع موردی، سکوت، توقف سامانه‌ای، یا استناد ناروا به مقرره‌ای غیرقابل استناد در پرونده شخصی باشد، دعوای الزام یا اعتراض به تصمیم موردی در شعب دیوان طرح می‌شود. همچنین تعیین طرف

شکایت باید بر مبنای مرجعی باشد که قانوناً مکلف به اقدام است؛ وجود دبیرخانه، بستر فنی سامانه یا انعکاس مکاتبه در یک دستگاه، آن دستگاه را لزوماً به طرف صحیح دعوا تبدیل نمی‌کند.

پیوند این مبحث با «حقوق مکتسبه» از همین جا آغاز می‌شود. در مرحله پیش از واردات، هر وضعیت اداری ناقص یا هر امید تجاری، حق مکتسب ایجاد نمی‌کند. صرف داشتن پیش‌فاکتور، برنامه خرید، مذاکره با فروشنده، یا حتی آغاز تشریفات مقدماتی، مادام که به وضعیت حقوقی معتبر و قابل استناد نینجامیده باشد، بیش از یک انتظار یا امید تجاری نیست. در مرتبه‌ای بالاتر، متقاضی دارای پرونده کامل، بر اساس مقررات معتبر زمان تقدیم درخواست، دست‌کم از حق بر اخذ تصمیم قانونی برخوردار است و دستگاه نمی‌تواند بدون پاسخ روشن، او را در بلا تکلیفی نگه دارد. در مرتبه قوی‌تر، هنگامی که مجوز ورود، ثبت سفارش یا سایر مقدمات مؤثر به‌طور معتبر شکل گرفته و سپس محدودیت یا ممنوعیت تازه وضع می‌شود، موضوع از «حق بر رسیدگی» فراتر می‌رود و به «حق بر ترتیب اثر دادن به وضعیت حقوقی موجود» نزدیک می‌شود. ماده ۴ قانون مقررات صادرات و واردات همین منطق را با الزام وزارت صمت به منظور کردن حقوق مکتسب در تغییرات مقرراتی بیان کرده و هیأت عمومی دیوان عدالت اداری نیز در آرایه‌مانند رأی شماره ۲۷۴۳ و رأی شماره‌های ۹۱۵ و ۹۱۶، نادیده گرفتن وضعیت اشخاصی را که تحت مقررات سابق ثبت سفارش کرده و موافقت مراجع قانونی را اخذ کرده‌اند، ناقض حقوق مکتسب و مغایر قانون دانسته است.

از منظر کاربردی، این تمایز نتیجه دعوا را تغییر می‌دهد. هرچه عناصر تشکیل‌دهنده حق، کامل‌تر و عینی‌تر باشد، خواسته می‌تواند از «الزام به رسیدگی و پاسخ» به «الزام به اعمال آثار ثبت معتبر» یا «الزام به ترتیب اثر دادن به وضعیت پیشین» ارتقا یابد. برعکس، هرچه موضوع بیشتر در قلمرو تشخیص فنی دستگاه تخصصی، کنترل‌های قانونی الزامی، یا محدودیت‌های کمی معتبر قرار گیرد، امکان صدور حکم مستقیم به صدور مجوز کاهش می‌یابد و دعوا بیشتر به الزام به تصمیم‌گیری قانونی، رفع مانع ناموجه، یا ابطال تصمیم منفی موردی نزدیک

می‌شود. به همین دلیل، وکیل حرفه‌ای نباید همه دعاوی پیش از واردات را با یک صورت‌بندی واحد طرح کند. در یک پرونده، خواسته صحیح الزام به پاسخ کتبی و اتخاذ تصمیم است؛ در پرونده دیگر، الزام به اعمال ثبت سفارش موجود و معتبر؛ و در پرونده‌ای دیگر، الزام به رفع مانع سامانه‌ای یا انعکاس نظر مرجع تخصصی. خلط این سطوح، هم در انشای دادخواست و هم در انشای رأی، منشأ خطاهای جدی است.

از حیث اثبات، عنصر زمان در این دعاوی غالباً تعیین‌کننده‌تر از هر امر دیگری است. تاریخ تکمیل پرونده، زمان بارگذاری مدارک، تاریخ دریافت رسید، کد رهگیری سامانه، زمان انتشار مقررہ جدید، تاریخ شروع اثر آن، زمان انقضای سه‌ماهه پاسخ‌گویی دستگاه، و در موارد مرتبط، زمان ایجاد ثبت سفارش یا ثبت آماری، همگی باید به‌دقت احراز شوند. در بسیاری از پرونده‌ها، اختلاف حقیقی نه بر سر وجود قانون، بلکه بر سر تقدم و تأخر این رویدادهاست. برای کارشناس رسمی نیز مأموریت باید دقیق تعریف شود: احراز تکمیل بودن پرونده، بررسی گردش کار سامانه، انطباق داده‌های ثبت‌شده با اسناد پایه، و بازسازی خط زمانی تصمیمات اداری، در قلمرو کارشناسی است؛ اما تشخیص اینکه این اوضاع و احوال به «تکلیف قانونی قابل الزام» می‌انجامد یا خیر، امر قضایی و تفسیری است. همچنین پاسخ شفاهی، راهنمایی تلفنی، یا توقف غیررسمی پرونده، از نظر اثباتی کم‌اثرترین وضعیت است؛ از این‌رو، مطالبه کتبی، رسید رسمی و استخراج داده‌های سامانه‌ای، در این دعاوی نقش ادله اصلی را پیدا می‌کند.

در نهایت، الزام دستگاه‌های اداری در مرحله پیش از واردات، ابزار تضمین انضباط اداری و امنیت حقوقی در آستانه تجارت خارجی است. این نهاد نه برای شکستن ممنوعیت‌های قانونی و سقف‌های معتبر، بلکه برای جلوگیری از آن است که دستگاه اداری با سکوت، تعلل، استناد به قاعده منتشرنشده، عدم تبادل داده، یا بی‌اعتنایی به وضعیت حقوقی پیشین، فرایند واردات را از مدار قانون خارج کند. قاضی در این قلمرو باید روشن کند که آیا با یک اختیار سیاست‌گذاری مواجه است یا با تکلیف اداری مقید؛ وکیل باید ثابت کند که خواسته او متوجه انجام

تکلیف موجود است نه تحصیل امتیاز جدید؛ و کارشناس باید زمان، داده و فرایند را به درستی بازسازی کند، نه آنکه جای مرجع حقوقی را در تشخیص تکلیف بگیرد. هر جا این تفکیک‌ها رعایت شود، دعوای الزام از یک مطالبه شکلی فراتر می‌رود و به مؤثرترین وسیله برای حمایت از مشروعیت اداری، ثبات مقرراتی و حقوق مکتسب واردکننده در مرحله پیش از واردات بدل می‌شود.



שלום רב
שלום רב





حقوق تجارت خارجی امور گمرکی و تعهدات ارزی

ویژه قضات، وکلا، کارشناسان، ضابطین قضایی و بازرگانان

جلد دوم: حقوق حمل و نقل و عملیات بانکی

محمد مسعود یوسفی

(وکیل دادگستری، متخصص دعاوی ارزی، گمرکی و جرایم اقتصادی)



-----	سرشناسه:
-----	عنوان و نام پدیدآور:
دادبانان دانا، ۱۴۰۵	مشخصات نشر:
----- ص.	مشخصات ظاهری:
شابک جلد دوم: ۵-۴-۱۹۵۵۱-۶۲۲-۹۷۸ و شابک دوره ۱-۲-۱۹۵۵۱-۶۲۲-۹۷۸	شابک:
فیپا	وضعیت فهرست نویسی:
-----	یادداشت:
-----	موضوع:
-----	موضوع:
-----	موضوع:
یوسفی، محمد مسعود ---- نویسنده	شناسه افزوده:
شورای گفتگوی دولت و بخش خصوصی	شناسه افزوده:
مرکز نوآوری و شتابدهی صادرات اتاق ایران	شناسه افزوده:
HD --/--	رده بندی کنگره:
---/--	رده بندی دیویی:
-----	شماره کتاب شناسی ملی:



شورای گفتگوی دولت و بخش خصوصی



مرکز نوآوری و شتابدهی صادرات اتاق ایران

دوره جامع و کاربردی حقوق تجارت خارجی؛ امور گمرکی و تعهدات ارزی (ویژه قضات، وکلا، کارشناسان، ضابطین قضایی و بازرگانان)	نام کتاب:
محمد مسعود یوسفی (وکیل دادگستری، متخصص دعاوی ارزی، گمرکی و جرایم اقتصادی)	نویسندگان:
شورای گفتگوی دولت و بخش خصوصی و مرکز نوآوری و شتابدهی صادرات اتاق ایران	با همکاری:
-----	ویراستار:
۱۰۰۰	شمارگان:
۲،۰۰۰،۰۰۰ تومان	قیمت:
اول؛ تابستان ۱۴۰۵	نوبت چاپ:
دادبانان دانا	انتشارات:

رَجَالٌ لَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ
الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ

مردانی که تجارت و داد و ستد آنان را از یاد خدا و برپا داشتن
نماز و پرداخت زکات باز نمی‌دارد، [و] پیوسته از روزی که دل‌ها و
دیده‌ها در آن زیر و رو می‌شود، می‌ترسند.

سوره نور-آیه ۳۷

تقدیم به فعالین کسب‌وکار این مرز و بوم، که همواره
این آیه شریفه سرلوحه کسب‌وکارشان بوده است.

فهرست مطالب



بخش دوم

- ◆ عملیات بانکی، تأمین ارز و حمل و نقل بین‌المللی ۱۹
- ◆ فصل چهارم: نظام حقوقی عملیات بانکی ارزی و تأمین ارز در واردات کالا و خدمت ۲۱
- منابع و نهادهای حاکم بر عملیات ارزی واردات ۲۳
- قانون بانک مرکزی و صلاحیت تنظیم بازار ارز و عملیات بانکی بین‌المللی ۲۳
- قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز و نقش سامانه‌های نظارتی در پیشگیری از تخلف ارزی ۳۱
- مجموعه مقررات ارزی بانک مرکزی به‌عنوان منبع اصلی عملیات بانکی واردات ۳۷
- جایگاه وزارت صمت، بانک مرکزی، بانک عامل، مؤسسه اعتباری ۴۲
- دارای مجوز عملیات ارزی و مرکز مبادله
- نقش سامانه جامع تجارت، سامانه ارزی، سامانه معاملات بازار ۵۰
- ارز تجاری و سامانه‌های نظارتی مرتبط
- مفاهیم پایه و ماهیت حقوقی عملیات ارزی واردات ۵۶
- مفهوم ثبت سفارش، ثبت آماری و ثبت خدمت در عملیات بانکی ۵۶
- مفهوم تخصیص ارز، تأمین ارز، کارسازی ارز، انتقال ارز و برگشت ارز ۶۲
- مفهوم منشأ ارز و اثر آن بر حقوق و تعهدات واردکننده ۶۷
- تفاوت تعهد بانک عامل، تعهد بانک مرکزی و تعهد متقاضی واردات ۷۲
- عدم ایجاد تعهد برای بانک مرکزی صرفاً با اخذ کد تخصیص یا مسدودی ریالی ۷۷
- اشخاص و روابط حقوقی در تأمین ارز ۸۱
- واردکننده به‌عنوان متقاضی خدمت ارزی ۸۱
- بانک عامل و حدود تعهدات قراردادی و مقرراتی آن ۸۶
- بانک مرکزی و نقش تنظیم‌گرانه و نظارتی آن ۹۳
- مؤسسه اعتباری دارای مجوز عملیات ارزی ۱۰۰
- صادرکننده و اگذارکننده ارز و جایگاه و اگذاری ارز حاصل از صادرات ۱۰۹
- فروشنده خارجی، ذی‌نفع ارزی و بانک کارگزار ۱۱۷
- صرافی‌ها، واسطه‌ها و اشخاص ثالث در زنجیره انتقال ارز ۱۲۵

۱۳۳	منابع رسمی تأمین ارز واردات
۱۳۳	منابع بانک مرکزی
۱۳۸	ارز حاصل از صادرات خود
۱۴۶	ارز حاصل از صادرات دیگران
۱۵۱	منابع ارزی واردکننده
۱۵۶	منابع ارزی دیگران
۱۶۱	منابع مؤسسه اعتباری
۱۶۶	تهاتر
۱۷۰	تأمین ارز از طریق مرکز مبادله ارز و طلای ایران
۱۷۴	سپرده‌های ارزی و وجوه ارزی در دسترس
۱۸۱	تفاوت منابع ارزی از حیث منشأ، قابلیت مصرف و آثار رفع تعهد
۱۸۷	ساختار عملی تأمین ارز در واردات کالا و خدمت
۱۸۷	ثبت تقاضای ارزی پس از ثبت سفارش/ثبت آماری/ثبت خدمت
۱۹۶	اخذ تأییدیه کد تخصیص ارز
۲۰۳	انتخاب روش پرداخت و ارتباط آن با نوع تأمین ارز
۲۰۹	تأمین ارز دیداری، مدت‌دار و مرحله‌ای
۲۱۷	تأمین ارز در واردات کالا در برابر واردات خدمت
۲۲۳	تأمین ارز در مناطق آزاد، ویژه اقتصادی و سرزمین اصلی
۲۳۰	نقش نوع پرداخت در مهلت‌ها و اسناد موردنیاز
۲۳۷	مرکز مبادله و بازار ارز تجاری
۲۳۷	جایگاه حقوقی بازار ارز تجاری در ساختار تأمین ارز
۲۴۱	فرایند معامله، اتاق پایاپای و تحقق معامله
۲۴۵	تعهد مؤسسه اعتباری فروشنده در کارسازی ارز ظرف مهلت مقرر
۲۵۰	تعهد مؤسسه اعتباری خریدار در حواله به ذی‌نفع در مهلت مقرر
۲۵۶	ثبت، تأیید، رد و اصلاح عملیات در سامانه
۲۶۲	مبنای تاریخ تأمین ارز

۲۶۶	برگشت عین ارز، حفظ منشأ ارز و عرضه مجدد در مرکز مبادله
۲۷۱	پرداخت معادل ریالی در فرض عدم انتقال یا انقضای مهلت
۲۷۴	کارمزدها، هزینه‌های بانکی و هزینه‌های کارگزاری
۲۸۰	اختلافات ناشی از عدم تحقق معامله، تأخیر در کارسازی یا اختلاف در نرخ مبنا
۲۸۶	مهلت‌های قانونی و مقرراتی در عملیات ارزی واردات
۲۸۶	مهلت واردات کالا از تاریخ تأمین ارز تا ترخیص
۲۹۳	مهلت انتقال ارز از تاریخ تأمین تا کارسازی به حساب ذی‌نفع
۲۹۹	مهلت ارائه اسناد حمل
۳۰۵	مهلت ارائه پروانه ترخیص قطعی یا گواهی ورود
۳۱۲	مهلت‌های مربوط به ثبت وصولی (برات) اسنادی مدت‌دار
۳۱۸	مهلت برگشت ارز در صورت عدم انتقال، عدم ارائه اسناد یا عدم ترخیص
۳۲۲	مهلت‌های خاص در موارد استثنایی، تمدیدها و آثار انقضا
۳۲۹	وثایق، مسدودی ریالی، کارمزدها و آزادسازی تضمین‌ها
۳۲۹	ماهیت حقوقی مسدودی ریالی
۳۳۴	وجه‌الضمان‌ها، تضامین بانکی و وثایق تکمیلی
۳۴۱	کارمزد عملیات بانکی و مبنای محاسبه آن
۳۴۵	هزینه‌های انتقال، کارگزاری و سوئیفت
۳۵۱	آزادسازی کسور و سپرده‌ها در قبال تضمین معتبر
۳۵۶	استرداد وجوه و رفع توقیف یا رفع انسداد
۳۶۴	الزامات شناسایی مشتری، منشأ وجوه و انطباق مقررات مبارزه با پولشویی
۳۶۴	شناسایی اولیه و کامل ارباب رجوع در خدمات پایه بانکی
۳۷۰	احراز نوع و میزان فعالیت مورد انتظار مشتری
۳۷۹	اخذ اطلاعات مربوط به اشخاص حقوقی، مدیران، سهامداران عمده و منابع مالی
۳۸۵	لزوم امتناع از ارائه خدمت در صورت ابهام در اصالت مدارک یا عدم تکمیل اطلاعات
۳۹۲	گزارش‌دهی در صورت ظن به پولشویی یا جرایم مرتبط
۳۹۸	اثر الزامات AML/CFT بر تأمین ارز، حواله و وصولی

٤٠٣	تعارضات، تخلفات و دعاوی بانکی - اداری در تأمین ارز
٤٠٣	اعتراض به عدم تخصیص یا ابطال تخصیص ارز
٤١٣	اعتراض به امتناع از تأمین ارز
٤٢١	دعای الزام به کارسازی ارز
٤٣٠	دعای استرداد وجوه و آزادسازی وثایق
٤٣٨	اختلاف ناشی از برگشت ارز و عرضه مجدد آن
٤٤٤	اختلافات مربوط به منشأ ارز و واگذاری ارز صادراتی
٤٥٠	مسئولیت بانک عامل در تأخیر، عدم انتقال یا ثبت ناصحیح اطلاعات
٤٥٧	پیوند اختلافات ارزی با رفع تعهد وارداتی و ضمانت‌اجراهای بعدی
٤٦٧	♦ فصل پنجم: ابزارهای بانکی پرداخت، وصول و تضمین در تجارت بین‌المللی
٤٦٩	طبقه‌بندی ابزارهای بانکی در تجارت بین‌المللی
٤٦٩	تمایز میان ابزار پرداخت، ابزار وصول و ابزار تضمین
٤٧٤	معیارهای انتخاب ابزار مناسب با توجه به ریسک کشور، ریسک طرف مقابل و محدودیت‌های بانکی
٤٨١	ارتباط ابزار پرداخت با روش تأمین ارز و منبع ارزی
٤٩١	اثر اینکوترمز، ماهیت کالا و ریسک حمل بر انتخاب ابزار بانکی
٤٩٩	اعتبار اسنادی تجاری
٤٩٩	ماهیت حقوقی اعتبار اسنادی
٥٠٦	اصل استقلال اعتبار از قرارداد پایه
٥١١	اصل رسیدگی ظاهری به اسناد
٥١٥	ارکان اعتبار اسنادی (متقاضی، ذی‌نفع، بانک گشاینده، بانک ابلاغ‌کننده، بانک تأییدکننده، بانک معامله‌کننده و بانک بازپرداخت)
٥٢١	انواع اعتبار اسنادی (دیداری، مدت‌دار، تأییدشده، انتقال‌پذیر، اتکایی، گردان، با شرط قرمز و سبز)
٥٢٧	افتتاح، اصلاح، تمدید، کاهش، افزایش و ابطال اعتبار
٥٣٣	اعتبار اسنادی در مقررات داخلی بانک مرکزی
٥٤٧	اعتبار اسنادی در پرتو UCP ٦٠٠

نقش ISBP ۸۲۱ در تفسیر رویه‌های بانکی بررسی اسناد	۵۵۵
اعتبار اسنادی الکترونیکی و قلمرو eUCP ۲,۱	۵۵۹
اسناد موضوع اعتبار اسنادی و ضوابط بررسی آنها	۵۶۷
سیاهه تجاری	۵۶۷
اسناد حمل دریایی، هوایی، جاده‌ای، ریلی و حمل مرکب	۵۷۳
اسناد بیمه	۵۸۶
گواهی مبدأ	۵۹۰
گواهی بازرسی	۵۹۸
فهرست عدل‌بندی، وزن، بسته‌بندی و اسناد فنی	۶۰۵
اسناد شخص ثالث و شرایط پذیرش آنها	۶۱۹
بارنامه شخص ثالث، بارنامه چارتر پارتی و اسناد کهنه	۶۲۴
مغایرت‌های شکلی و ماهوی	۶۳۰
ابلاغ مغایرت و حدود حق رد یا پذیرش اسناد	۶۳۵
وصولی اسنادی و برات اسنادی	۶۴۱
ماهیت حقوقی وصولی اسنادی	۶۴۱
تمایز وصولی دیداری و مدت‌دار	۶۴۷
برات به‌عنوان ابزار حقوق تجارت و جایگاه آن در وصولی بانکی	۶۵۱
اشخاص دخیل (واگذارنده، بانک ارسال‌کننده، بانک وصول‌کننده، محال‌علیه و خریدار)	۶۵۶
ارائه اسناد در قبال پرداخت یا قبولی	۶۶۴
ثبت وصولی اسنادی در مقررات داخلی بانک مرکزی	۶۶۸
نقش URC ۵۲۲ در تنظیم روابط بانکی	۶۷۵
ارائه الکترونیکی اسناد در پرتو eURC ۱,۱	۶۸۱
تمدید، قبولی، سررسید، نکول و آثار آن	۶۸۷
وصولی مدت‌دار و الزامات خاص آن در تأمین ارز و ترخیص	۶۹۳
حواله ارزی و انتقال بانکی وجوه	۶۹۹
ماهیت حقوقی حواله ارزی در تجارت خارجی	۶۹۹

۷۰۳	تفاوت حواله ارزی با اعتبار اسنادی و وصولی اسنادی
۷۰۹	دستور پرداخت، کارسازی، کارگزار و بانک واسط
۷۱۳	صدور، اصلاح، ابطال و برگشت حواله
۷۱۸	مهلت‌های انتقال، ارائه اسناد حمل و آثار عدم انتقال
۷۲۶	هزینه‌های انتقال، کارمزدها و اختلاف در نرخ و زمان انتقال
۷۳۱	ریسک انسداد، عدم کارسازی، اشتباه در مقصد یا ذی‌نفع
۷۳۵	مسئولیت بانک عامل و حدود مسئولیت کارگزار در زنجیره انتقال
۷۴۳	ضمانت‌نامه‌های مستقل و اعتبارات اسنادی تضمینی
۷۴۳	مفهوم ضمانت‌نامه مستقل در تجارت بین‌المللی
۷۴۹	تمایز ضمانت‌نامه مستقل با ضمان سنتی و اعتبار اسنادی تجاری
۷۵۳	ضمانت‌نامه شرکت در مناقصه، پیش‌پرداخت، حسن انجام کار و استرداد کسور
۷۵۹	مطالبه عندالمطالبه و استثنائات آن
۷۶۴	URDG ۷۵۸ و استانداردهای بین‌المللی ضمانت‌نامه
۷۷۰	اعتبارات اسنادی تضمینی و قلمرو ISP۹۸
۷۷۶	تفاوت Demand Guarantee با Standby LC
۷۸۲	تمدید، کاهش، آزادسازی و ابطال تضمین
۷۸۸	تقلب، سوءاستفاده از مطالبه و دستور موقت جلوگیری از پرداخت
۷۹۳	تحریم، قطع رابطه کارگزاری و ریسک‌های بین‌المللی پرداخت
۷۹۳	ریسک تحریم در افتتاح اعتبار، وصولی و حواله
۸۰۱	ریسک عدم همکاری بانک کارگزار
۸۰۷	تعارض تحریم، قرارداد پایه و تعهد بانکی
۸۱۳	تأخیر ناشی از کنترل‌های تطبیق و انطباق تحریمی
۸۱۸	ریسک تبدیل ابزار پرداخت به دعوای قراردادی یا اداری
۸۲۳	شرط تحریم، فورس‌ماژور بانکی و حدود استناد به آن
۸۳۵	اختلافات و دعوای ناشی از ابزارهای پرداخت
۸۳۵	دعوای ناشی از رد اسناد

۸۴۰		دعوای ناشی از پرداخت خلاف دستور
۸۴۵		دعوای ناشی از امتناع از پرداخت یا تأخیر در پرداخت
۸۵۶		دعوای ناشی از مغایرت اسنادی
۸۶۶		مسئولیت بانک گشاینده، بانک ابلاغ‌کننده و بانک تأییدکننده
۸۷۱		اثر نظریات کارشناسی و عرف بانکی
۸۷۸		نقش آراء و نظرهای تفسیری ICC در استنباط قواعد
۸۸۴		صلاحیت محاکم، داوری و روش‌های حل و فصل اختلاف
۸۸۹		♦ فصل ششم: حقوق حمل و نقل بین‌المللی، اسناد حمل، بازرسی و بیمه کالا
۸۹۱		مبانی عمومی حقوق حمل و نقل در تجارت خارجی
۸۹۱		قرارداد حمل به‌عنوان قرارداد تبعی فروش بین‌المللی
۸۹۸		نقش اینکوترمز در توزیع هزینه، ریسک و تکلیف انعقاد قرارداد حمل
۹۰۴		تمایز قرارداد فروش، قرارداد حمل، قرارداد بیمه و قرارداد بازرسی
۹۱۱		اثر انتخاب روش حمل بر پرداخت بانکی، اسناد موردنیاز و ترخیص
۹۲۱		اینکوترمز و آثار آن بر حمل، بیمه و پرداخت
۹۲۱		جایگاه Incoterms ۲۰۲۰ در قراردادهای تجاری
۹۲۷		گروه‌های C، F، E و D و آثار آنها بر حمل
۹۳۴		آثار اینکوترمز بر پرداخت کرایه حمل
۹۴۱		آثار اینکوترمز بر تکلیف بیمه
۹۴۷		آثار اینکوترمز بر نقطه انتقال ریسک
۹۵۱		ارتباط اینکوترمز با مفاد اعتبار اسنادی، حواله و وصولی
۹۵۸		تعارض متن پروفرما، قرارداد فروش و اینکوترمز انتخابی
۹۶۴		حمل دریایی بین‌المللی
۹۶۴		ماهیت قرارداد حمل دریایی
۹۷۱		بارنامه دریایی به‌عنوان سند قرارداد حمل و در مواردی سند کنترل/تصرف بر کالا
۹۷۶		بارنامه دریایی خطی، بارنامه چارتر پارتی و اسناد حمل دریایی شخص ثالث
۹۸۷		تعهدات متصدی حمل، فرستنده و مرسل الیه

۹۹۷		مسئولیت متصدی حمل نسبت به تلف، خسارت، کسری و تأخیر
۱۰۰۵		محدودیت مسئولیت و استثنائات
۱۰۱۴		حمل کانتینری، حمل درب به درب و حمل دریایی در پرتو Rotterdam Rules
۱۰۲۲		جایگاه تطبیقی قواعد لاهه، لاهه - ویزی و هامبورگ در تحلیل حقوقی
۱۰۲۷		حمل جاده‌ای بین‌المللی
۱۰۲۷		قلمرو قرارداد حمل جاده‌ای بین‌المللی
۱۰۳۲		کنوانسیون CMR و شرایط اعمال آن
۱۰۳۶		بارنامه/راهنامه جاده‌ای و آثار اثباتی آن
۱۰۴۴		مسئولیت متصدی حمل جاده‌ای و موارد معافیت
۱۰۵۰		خسارت ناشی از فقدان، تلف، آسیب و تأخیر
۱۰۵۶		حمل جاده‌ای خارجی در مقررات داخلی ایران و لزوم مجوز سازمان راهداری در فروش مقرر
۱۰۶۲		حق توقف، معطلی، دتنشن و هزینه‌های تبعی در حمل زمینی
۱۰۶۸		یادداشت الکترونیکی حمل و افق eCMR
۱۰۷۵		حمل هوایی بین‌المللی
۱۰۷۵		ماهیت قرارداد حمل هوایی کالا
۱۰۷۸		راهنامه هوایی و ارزش اثباتی آن
۱۰۸۵		مسئولیت متصدی حمل هوایی در نظام ورشو و اصلاحات لازم‌الاجرای آن برای ایران
۱۰۹۰		وضعیت حقوقی ایران نسبت به نظام مونترال ۱۹۹۹
۱۰۹۳		خسارت، تأخیر، مفقودی و حدود مسئولیت در حمل هوایی
۱۱۰۰		ارتباط حمل هوایی با اعتبارات اسنادی و اسناد بانکی
۱۱۰۶		مسائل عملی در پروازهای غیرمستقیم، حمل مرکب و حمل توسط شخص غیر از متصدی قراردادی
۱۱۱۱		حمل ریلی و حمل مرکب
۱۱۱۱		جایگاه حمل ریلی در تجارت خارجی ایران
۱۱۱۶		عضویت ایران در SMGS و آثار آن

۱۰۲۴	 پیوند ریلی ایران با نظام OTIF/COTIF و تحلیل تطبیقی CIM
۱۱۳۶	 قرارداد حمل مرکب و تحدید حدود مسؤولیت در حمل چندوجهی
۱۱۴۶	 اسناد حمل مرکب و ارتباط آنها با اعتبار اسنادی و بیمه
۱۱۵۲	 تغییر وسیله حمل، تغییر مسیر و اثر آن بر مسؤولیت و اسناد
۱۱۶۳	 حمل ریلی /جاده‌ای/ دریایی در قالب زنجیره واحد حمل
۱۱۶۹	 اسناد حمل در حقوق داخلی و بین‌المللی
۱۱۶۹	 بارنامه، راه‌نامه، قبض حمل و اسناد چندوجهی
۱۱۷۶	 کارکردهای اثباتی، قراردادی و کنترلی اسناد حمل
۱۱۸۴	 اسناد حمل شخص ثالث و شرایط پذیرش بانکی آنها
۱۱۹۱	 اسناد حمل کهنه، مخدوش و ناقص
۱۱۹۹	 عدم انطباق اسناد حمل با قرارداد فروش یا اعتبار اسنادی
۱۲۰۷	 اسناد حمل الکترونیکی و ارزش حقوقی آنها
۱۲۱۲	 داده‌های الکترونیکی در حقوق ایران
۱۲۱۸	 اسناد قابل انتقال الکترونیکی و مفهوم «کنترل» در MLETR
۱۲۲۶	 تعارض میان سند کاغذی و داده الکترونیکی
۱۲۳۱	 کرایه حمل، هزینه‌های تبعی و دعاوی حمل
۱۲۳۱	 ماهیت حقوقی کرایه حمل
۱۲۳۶	 پرداخت کرایه حمل از طریق اعتبار اسنادی، وصولی یا حواله
۱۲۴۲	 سپاهه کرایه حمل و شرایط پرداخت بانکی آن
۱۲۴۸	 دتنشن، دموراژ، انبارداری و هزینه توقف
۱۲۵۵	 کسر تخلیه، خسارت ناشی از تأخیر و تغییر مقصد
۱۲۶۱	 تفاوت مسؤولیت متصدی حمل و فرواردر
۱۲۶۸	 مبانی مطالبه خسارت از شرکت حمل‌کننده یا عامل آن
۱۲۷۶	 رابطه دعاوی حمل با بیمه و جانشینی بیمه‌گر
۱۲۸۳	 بازرسی کالا در مبدأ و مقصد

۱۲۸۳	ماهیت حقوقی بازرسی کالا در تجارت خارجی
۱۲۸۹	گواهی بازرسی به عنوان سند بانکی و سند کنترل
۱۲۹۵	الزام ارائه گواهی بازرسی در مبدأ در مقررات داخلی
۱۳۰۰	نقش سازمان ملی استاندارد و شرکت های بازرسی مجاز
۱۳۰۶	بازرسی در کالاهای مشمول استاندارد اجباری و غیر اجباری
۱۳۱۲	متن گواهی بازرسی و حدود انطباق آن با ثبت سفارش و اسناد حمل
۱۳۱۶	پرداخت هزینه بازرسی توسط خریدار یا فروشنده
۱۳۲۱	بازرسی در حمل های جزئی، چندمبدایی و چندمرحله ای
۱۳۲۷	آثار فقدان، تأخیر یا مغایرت گواهی بازرسی
۱۳۳۲	بیمه باربری بین المللی
۱۳۳۲	مبانی حقوقی بیمه باربری در حقوق ایران
۱۳۴۱	نفع بیمه ای و اشخاص ذی نفع در بیمه حمل
۱۳۴۷	خطرات تحت پوشش و استثنائات
۱۳۵۵	شرایط A، B و C در بازار بیمه باربری
۱۳۶۰	محاسبه حداقل مبلغ پوشش بیمه با توجه به اینکوترمز و مقررات بانکی
۱۳۶۵	بیمه به ارز و بیمه به ریال
۱۳۷۲	مدت پوشش، آغاز و پایان خطر و تغییر سفر
۱۳۷۸	بیمه جنگ، اعتصاب و خطرات خاص
۱۳۸۳	وظیفه بیمه گذار به تقلیل خسارت
۱۳۸۸	اصل جانشینی بیمه گر
۱۳۹۲	مهلت و تشریفات پرداخت خسارت
۱۴۰۰	مطالبه خسارت، مرور زمان و حل اختلاف در حمل و بیمه
۱۴۰۰	اعلام خسارت به متصدی حمل و بیمه گر
۱۴۰۶	جمع آوری ادله: گواهی کسری، گزارش بازدید، صورت جلسه خسارت، عکس، مکاتبات و نظریه کارشناسی
۱۴۱۴	دعوی خسارت علیه متصدی حمل

۱۴۲۰		دعوای خسارت علیه فرواردر
۱۴۲۷		دعوای خسارت علیه بیمه‌گر
۱۴۳۳		جانشینی بیمه‌گر و رجوع به مسئول حادثه
۱۴۴۲		مرور زمان و مواعد مطالبه در هر رژیم حقوقی
۱۴۵۰		صلاحیت محاکم، داوری و شرط حل اختلاف در قرارداد حمل و بیمه



بخش دوم ا
عملیات بانکی، تامین ارز
و حمل و نقل بین المللی



فصل چهارم

نظام حقوقی عملیات بانکی ارزی و تأمین ارز در واردات کالا و خدمت





◆ فصل چهارم: نظام حقوقی عملیات بانکی ارزی و تأمین ارز در واردات کالا و خدمت

منابع و نهادهای حاکم بر عملیات ارزی واردات

قانون بانک مرکزی و صلاحیت تنظیم بازار ارز و عملیات بانکی بین‌المللی

در بُعد پولی و بانکی واردات، قانون بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۴۰۲/۳/۳۰، که از ۱۴۰۳/۳/۷ لازم‌الاجرا شده، متن پایه‌ای و نقطه آغاز هر تحلیل معتبر است. این قانون، صرفاً یک قانون سازمانی درباره بانک مرکزی نیست، بلکه بازطراحی منبع صلاحیت در حوزه پول، ارز و نظارت بانکی است. به موجب ماده ۶۷، از تاریخ اجرای این قانون، بخش مهمی از قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۳۵۱ نسخ شده و کلیه وظایف و اختیاراتی که قوانین پیشین برای شورای پول و اعتبار مقرر کرده بودند، به هیأت عالی بانک مرکزی منتقل شده است. در عین حال، همان ماده یک حکم انتقالی مهم نیز دارد: دستورالعمل‌های پیشین بانک مرکزی تا جایی که به تشخیص رئیس کل با مفاد قانون جدید معارض نباشند، تا زمان تصویب دستورالعمل‌های جدید همچنان لازم‌الاجرا می‌مانند. از این رو، در پرونده‌های وارداتی، استناد به مقررات ارزی سابق هنوز ممکن است، اما اعتبار آنها دیگر مستقل و خودبسنده نیست و باید در پرتو سازگاری با قانون ۱۴۰۲ و ساختار تازه بانک مرکزی سنجیده شود.

جایگاه این قانون در حقوق واردات باید دقیق و بدون خلط فهم شود. قانون بانک

مرکزی، جانشین قوانین مربوط به ثبت سفارش، مجوز ورود، تشریفات گمرکی یا ضوابط تجاری نیست؛ آن حوزه‌ها تابع منابع خاص خودند. اما از لحظه‌ای که بحث به بازار ارز، نرخ و دامنه مداخله، مجوز فعالیت بازیگران ارزی، ضوابط خدمت‌رسانی بانکی، زیرساخت مبادلات خارجی، یا حدود اثر تصمیمات ارزی بر واردات می‌رسد، قانون تحلیل به این قانون منتقل می‌شود. به تعبیر دقیق‌تر، قانون بانک مرکزی در زنجیره واردات، قانون مرجع در بُعد پولی و بانکی است؛ با این قید که صلاحیت آن، هم در متن خود قانون، مقید به «رعایت قوانین مربوط» است و هم در کنار قوانین خاصی چون قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز خوانده می‌شود. بنابراین، نه می‌توان تمام مسائل ارزی واردات را به حقوق تجارت خارجی فروکاست و نه می‌توان با استناد به قانون بانک مرکزی، احکام قانون خاص را کنار گذاشت.

یکی از نکات بنیادی این قانون برای تحلیل عملیات ارزی واردات، تفکیک مفهومی میان «عملیات بانکی» و «خدمات بانکی» است. مطابق ماده ۱، عملیات بانکی ناظر به دریافت سپرده و اعطای تسهیلات یا ایجاد اعتبار است؛ حال آنکه خدمات بانکی، اقداماتی غیر از عملیات بانکی است، از جمله صدور ضمانت‌نامه و گشایش اعتبار اسنادی که مؤسسه اعتباری در چهارچوب قانون برای مشتری انجام می‌دهد و در قبال آن کارمزد می‌گیرد. این تفکیک، در حقوق واردات صرفاً جنبه اصطلاح‌شناختی ندارد. بسیاری از آنچه در عرف تجاری با عنوان کلی «عملیات ارزی» شناخته می‌شود، از نظر قانون ممکن است خدمت بانکی، عمل صرافی، اقدام نظارتی، یا بخشی از سیاست‌گذاری ارزی باشد. پیامد عملی این تمایز آن است که در تنظیم خواسته، تعیین منبع تعهد، تشخیص حدود مسئولیت بانک یا مؤسسه اعتباری، و حتی در ارجاع امر به کارشناسی، عنوان حقوقی درست عمل مورد نزاع باید از دل قانون استخراج شود، نه از ادبیات شایع بازار. قانون ۱۴۰۲ با افزایش استقلال بانک مرکزی در به‌کارگیری ابزارهای قانونی و تقویت توان نظارت آن بر اشخاص تحت نظارت، جایگاه بانک مرکزی را از یک مرجع صرفاً اجرایی فراتر برده و آن را در متن حکمرانی پولی و ارزی کشور نشانده است. اهداف ماده ۳ (کنترل تورم، ثبات و سلامت شبکه بانکی و سایر

اشخاص تحت نظارت، حمایت از رشد اقتصادی و اشتغال، و کمک به حفظ و ارتقای ارزش پول ملی) نشان می‌دهد که مداخله بانک مرکزی در حوزه ارز، صرفاً واکنش به تقاضای یک واردکننده یا نیاز یک معامله خارجی نیست، بلکه بخشی از سیاست عمومی کلان اقتصادی است. همین رویکرد در ماده ۴ نیز انعکاس یافته است: ایجاد زیرساخت‌های بانکی لازم برای تسهیل مبادلات خارجی، پیگیری انعقاد پیمان‌های پولی دو یا چندجانبه، نگهداری و مدیریت ذخایر بین‌المللی، ایفای نقش نظارتی در قوانین مرتبط با ورود و خروج ارز، و به‌کارگیری ابزارهای سیاست‌های ارزی و پولی، همگی در زمره وظایف و اختیارات قانونی بانک مرکزی قرار گرفته‌اند. بنابراین، هرجا در پرونده وارداتی بحث از امکان یا عدم امکان تأمین ارز، محدودیت‌های مجرای رسمی، یا مشروعیت مداخله تنظیم‌گرانه مطرح باشد، باید آن را در پرتو همین اهداف و وظایف تحلیل کرد، نه صرفاً در چارچوب رابطه خصوصی واردکننده و بانک عامل.

بدین ترتیب، صلاحیت بانک مرکزی در واردات به اعلام چند نرخ یا صدور چند بخشنامه تقلیل‌پذیر نیست. قانون به بانک مرکزی اختیار داده است که با مؤسسات اعتباری خارجی و نهادهای پولی بین‌المللی عملیات بانکی انجام دهد و خدمات بانکی مبادله کند، با بانک‌های مرکزی سایر کشورها همکاری نماید، شعبه یا نمایندگی در داخل یا خارج از کشور دایر کند، و در مدیریت ذخایر ارزی از روش‌هایی مانند افتتاح و نگهداری حساب نزد نهادهای مالی بین‌المللی، بانک‌های مرکزی و مؤسسات اعتباری خارجی بهره گیرد. همچنین، به موجب ماده ۴۸، بانک مرکزی در چهارچوب مقررات مصوب هیأت عالی و بنا به درخواست وزیر امور اقتصادی و دارایی، عهده‌دار انعقاد موافقتنامه‌های پرداخت در اجرای قراردادهای پولی، مالی، بازرگانی و حمل‌ونقل بین دولت و سایر کشورها نیز هست. از منظر حقوق واردات، این مجموعه احکام به روشنی دلالت دارد بر اینکه عملیات بانکی بین‌المللی پشتیبان واردات، بر یک صلاحیت قانونی بالادست استوار است و نه فقط بر روابط پراکنده کارگزاری یا قراردادهای فرعی بین بانک‌ها. از همین‌جا نیز روشن می‌شود که اختلال در روابط کارگزاری یا

محدودیت در مجاری انتقال، هرچند در ظاهر مسئله‌ای عملیاتی است، در باطن به مرزهای صلاحیت قانونی و ظرفیت نهادی بانک مرکزی نیز پیوند می‌خورد. در ساختار جدید قانون، کانون سیاست‌گذاری پولی و ارزی، هیأت عالی بانک مرکزی است. مطابق ماده ۸، تعیین سیاست‌های پولی، ارزی و اعتباری بانک مرکزی و تصویب ابزارهای موردنیاز اجرای این سیاست‌ها بر عهده هیأت عالی است و به موجب ماده ۹، اجرای کلیه وظایف و به‌کارگیری اختیارات بانک مرکزی در چهارچوب مصوبات هیأت عالی بر عهده هیأت عامل قرار دارد. ماده ۱۰ نیز تصمیمات معطوف به سیاست‌گذاری پولی و ارزی دارای اثر جدی بر فضای کسب‌وکار را به «نشست ویژه سیاست‌گذاری پولی و ارزی» پیوند زده و ماده ۱۱ اصل را بر غیرمحرمانه بودن مذاکرات و مصوبات هیأت عالی و انتشار عمومی آنها گذاشته است. اثر عملی این معماری حقوقی در دعاوی وارداتی بسیار مهم است: هرگاه واردکننده، بانک عامل یا مرجع رسیدگی با یک بخشنامه، نامه اداری، پیام سامانه‌ای یا رویه شعبه‌ای مواجه می‌شود، صرف انتساب آن به بانک مرکزی برای ایجاد تکلیف کافی نیست. باید احراز شود که این الزام در سلسله‌مراتب قانونی، بر خود قانون و بر مصوبه معتبر هیأت عالی یا بر دستورالعملی استوار است که در حدود اختیار قانونی صادر شده باشد. در غیر این صورت، عرف اداری، دستور داخلی یا برداشت اجرایی، به‌تنهایی منبع تحمیل تکلیف آمره بر متعاملان نخواهد بود.

ماده ۴۴ قانون بانک مرکزی، مبنای اصلی فهم حقوقی بازار ارز در نظام کنونی ایران است. این ماده نظام ارزی کشور را «شناور مدیریت‌شده» اعلام می‌کند و بانک مرکزی را مکلف می‌سازد که بازار ارز را به‌گونه‌ای مدیریت کند که با حفظ ارزش پول ملی، نوسانات نرخ ارز کاهش یابد. همچنین، بانک مرکزی مجاز است برای تحقق سیاست‌های ارزی خود، در بازار ارز مداخله کند و به خرید یا فروش ارز یا اوراق مالی مبتنی بر ارز بپردازد و خرید و فروش ارز، طلا و اوراق مالی مبتنی بر آنها را به نرخ بازار مورد تأیید خود یا در فاصله‌ای که هیأت عالی تعیین می‌کند انجام دهد. اهمیت این مبنا در متن منقح کنونی قانون

دوچندان شده است؛ زیرا تبصره ۱ الحاقی ماده ۵۸ نیز محاسبه و اعلام برابری پول‌های خارجی نسبت به ریال و نرخ خرید و فروش ارز توسط بانک مرکزی را صریحاً در چهارچوب نظام ارزی موضوع ماده ۴۴ و با رعایت ذخایر ارزی و تعهدات قانونی کشور قرار داده است. از این‌رو، در وضع فعلی، اصل صلاحیت بانک مرکزی برای اعلام نرخ‌های خرید و فروش ارز و تنظیم برابری ارزی، مبنایی صریح‌تر و روشن‌تر در خود قانون دارد.

نتیجه مستقیم این ساختار برای واردات آن است که، به‌طور اصولی، صرف وجود نیاز تجاری، اخذ مجوز ورود، یا حتی انعقاد قرارداد خارجی، برای واردکننده حق مکتسب نسبت به یک نرخ ثابت، یک مجرای خاص بانکی، یا یک شیوه معین مداخله ارزی ایجاد نمی‌کند؛ زیرا نرخ و نحوه مداخله در بازار ارز تابع سیاست عمومی مستقر در نظام شناور مدیریت شده است. در عین حال، از همین قانون نیز نباید نتیجه گرفت که هر مداخله مقرراتی یا هر اقدام سامانه‌ای بانک مرکزی، خودبه‌خود تعهد قراردادی به انتقال ارز یا پرداخت به ذی‌نفع خارجی ایجاد می‌کند. جایگاه بانک مرکزی در این سطح، پیش از هر چیز، جایگاه تنظیم‌گر و ناظر است. تشخیص اینکه در یک پرونده مشخص تعهد به انتقال، پرداخت، استرداد یا جبران خسارت بر عهده کدام شخص است، نیازمند رجوع به منبع تعهد خاص است؛ خواه آن منبع قرارداد بانکی باشد، خواه دستورالعمل معتبر، خواه حکم قانونی. خلط میان «صلاحیت تنظیم بازار» و «تعهد قراردادی به اجرا» از مهم‌ترین خطاهای تحلیلی در پرونده‌های ارزی واردات است.

قانون بانک مرکزی از رهگذر مفهوم «اشخاص تحت نظارت» و الزامات مجوزدهی، دایره صلاحیت خود را به بازیگران زنجیره عملیات ارزی واردات نیز گسترش می‌دهد. مطابق ماده ۱، مؤسسات اعتباری، صرافی‌ها و سایر اشخاصی که به انجام عملیات یا ارائه خدمات بانکی و ابزارهای پرداخت اشتغال دارند، در قلمرو اشخاص تحت نظارت قرار می‌گیرند و ماده ۳۷ تصریح می‌کند که انجام هرگونه عملیات بانکی، ارائه انواع خدمات بانکی، صرافی، ایجاد و ثبت اشخاص تحت نظارت، ایجاد شعبه و نمایندگی و هر نوع فعالیت در نظام پرداخت، صرفاً با

مجوز بانک مرکزی و در چهارچوب مقررات مصوب هیأت عالی مجاز است. این حکم برای واردات فقط یک ضابطه اداری نیست. اگر زنجیره انتقال ارز یا تأمین مالی واردات از مسیر اشخاص فاقد مجوز عبور کند، مسئله صرفاً افزایش ریسک تجاری نیست؛ بلکه مشروعیت حقوقی عملیات، قابلیت شناسایی آن در مجاری رسمی، و در مواردی وصف انتظامی یا کیفری رفتار نیز محل تردید قرار می‌گیرد. برای وکیل و قاضی، احراز مجوزدار بودن شخص دخیل، بخشی از احراز مشروعیت خود عملیات است؛ و برای کارشناس رسمی، این موضوع در تعیین استاندارد رفتار متعارف و سنجش انتساب تقصیر نقش بنیادین دارد.

فصل روابط بانک مرکزی با دولت و نهادهای پولی بین‌المللی نیز نشان می‌دهد که عملیات ارزی واردات را نمی‌توان از سطح حکمرانی عمومی جدا کرد. رئیس کل بانک مرکزی نماینده جمهوری اسلامی ایران در صندوق بین‌المللی پول و سایر نهادهای پولی بین‌المللی است و بانک مرکزی در چهارچوب مقررات مصوب هیأت عالی، در اجرای موافقتنامه‌های پرداخت و برخی تعهدات مالی و بازرگانی بین‌الدولی نقش می‌گیرد. با این همه، قانون به‌صراحت مرز این نقش را نیز روشن کرده است: اجرای وظایف مزبور نباید موجب ایجاد تعهدات مالی برای بانک مرکزی شود و اطلاع بانک مرکزی از بدهی‌ها و تعهدات خارجی دولت یا اشخاص، به‌هیچ‌وجه به معنای تضمین یا بازپرداخت آنها توسط بانک مرکزی نیست. این تصریح برای دعاوی وارداتی اهمیت مستقیم دارد؛ زیرا در بسیاری از اختلافات، صرف دخالت نظارتی یا حضور بانک مرکزی در سطح مقرراتی، نادرست با مفهوم «ضمانت پرداخت» یا «تعهد مستقیم به ایفای ارز» خلط می‌شود. حال آنکه قانون، چنین هم‌سان‌سازی‌ای را نمی‌پذیرد و جایگاه بانک مرکزی را از حیث اصل، تنظیم‌گرانه و حاکمیتی نگاه می‌دارد.

رویه هیأت عمومی دیوان عدالت اداری نیز همین تصویر را تأیید می‌کند که اختیار بانک مرکزی در قلمرو ارز، وسیع اما مقید است. رأی شماره ۲۲۶ مورخ ۱۳۶۹/۱۰/۱۱ با ابطال بخشی از دستورالعمل اداره ارز بانک مرکزی که دریافت تمام هزینه‌های بندری را به ارز خارجی الزام می‌کرد، نشان داد که بانک مرکزی نمی‌تواند به بهانه

فصل پنجم

ابزارهای بانکی پرداخت، وصول و
تضمین در تجارت بین المللی



◆ فصل پنجم: ابزارهای بانکی پرداخت، وصول و تضمین در تجارت بین المللی

طبقه‌بندی ابزارهای بانکی در تجارت بین‌المللی تمایز میان ابزار پرداخت، ابزار وصول و ابزار تضمین

در تجارت بین‌المللی، خلط میان ابزار پرداخت، ابزار وصول و ابزار تضمین از مهم‌ترین منشأهای اشتباه در تنظیم قرارداد، انجام عملیات بانکی، ارزیابی مسئولیت بانک و صورت‌بندی دعواست. معیار تمایز این سه خانواده، عنوان ظاهری فرم بانکی نیست، بلکه کارکرد اصلی ابزار، منبع و شدت تعهد بانک یا مؤسسه اعتباری، نقش اسناد در ایجاد حق مطالبه و نسبت ابزار با قرارداد پایه است. در نظام حقوقی ایران نیز این تفکیک به صورت آشکار دیده می‌شود: قانون بانک مرکزی، گشایش اعتبار اسنادی و صدور ضمانت‌نامه را در شمار خدمات بانکی می‌شناسد و مجموعه مقررات ارزی بانک مرکزی، مسیرهای بانکی واردات را جداگانه به گشایش اعتبار اسنادی، ثبت وصولی اسنادی یا برات اسنادی، و پرداخت وجه از طریق حواله ارزی تقسیم می‌کند. همین تفکیک مقرراتی نشان می‌دهد که سخن از سه نهاد هم‌سنخ با آثار یکسان نیست، بلکه از سه منطق حقوقی متفاوت سخن می‌گوییم که هر یک آثار خاص خود را در تعهدات بانکی و دعوای ناشی از آن دارند.

ابزار پرداخت، ابزاری است که غرض اصلی آن ایفای مستقیم ثمن یا دین ارزی

ناشی از معامله خارجی به سود فروشنده یا ذی نفع است. در این خانواده، حواله ارزی بانکی و اعتبار اسنادی تجاری هر دو وسیله پرداخت به شمار می آیند، اما قدرت و کیفیت تعهد بانکی در آنها یکسان نیست. حواله ارزی در شکل متعارف خود، دستور انتقال وجه به ذی نفع معین است؛ یعنی بانک، به درخواست مشتری، مبلغی را از طریق زنجیره کارگزاری به مقصد منتقل می کند. از همین رو، تا زمانی که بانک فقط ناقل وجه باشد و تعهد اعتباری مستقلی در برابر فروشنده نپذیرد، نباید آثار حقوقی اعتبار اسنادی یا ضمانت نامه مستقل بر حواله بار شود. در تحلیل رسمی نیز حواله ارزی در وضعیت عادی، دستور پرداختی تلقی شده که بدون ایجاد تعهد خاص در قبال فروشنده، صرفاً اجرای انتقال وجه را بر عهده می گیرد.

اعتبار اسنادی تجاری نیز ابزار پرداخت است، اما نه پرداختی ساده و برهنه، بلکه پرداختی مستند به اسناد و مبتنی بر تعهد بانکی. به موجب مجموعه مقررات ارزی بانک مرکزی، گشایش و اصلاح اعتبار اسنادی با لحاظ UCP ۶۰۰ صورت می گیرد و بانک گشاینده مکلف است اسناد ارائه شده را ظرف مهلت بانکی مقرر بررسی کند. در منطق اعتبار اسنادی، کانون رابطه از «دستور انتقال پول» به «تعهد بانک در برابر ارائه اسناد منطبق» منتقل می شود. به همین جهت، بانک در اینجا صرفاً مجرای انتقال وجه نیست، بلکه اعتبار خود را تا حدی جانشین اعتبار خریدار می کند و اختلاف اصلی نیز غالباً نه بر سر کیفیت واقعی کالا یا اجرای قرارداد پایه، بلکه بر سر انطباق یا عدم انطباق اسناد با شرایط اعتبار شکل می گیرد. بنابراین اعتبار اسنادی تجاری، هرچند در خانواده ابزار پرداخت قرار دارد، از حیث منبع تعهد بانکی و نحوه رسیدگی به اختلاف، مرتبه ای کاملاً متفاوت از حواله ساده دارد.

ابزار وصول، بر خلاف ابزار پرداخت، اساساً برای آن طراحی شده است که اسناد تجاری و حمل تحت کنترل بانکی به خریدار ارائه شود تا ثمن از طریق پرداخت دیداری یا قبولی مدت دار وصول گردد. در حقوق تجارت ایران، برات دارای ارکان شکلی و ساختار حقوقی معین است؛ اما در تجارت خارجی، هنگامی

که برات همراه با اسناد تجاری و حمل در شبکه بانکی گردش می‌کند، صورت عملی آن «وصولی اسنادی» است. مجموعه مقررات ارزی بانک مرکزی نیز ثبت وصولی اسنادی را جدا از اعتبار اسنادی و حواله ارزی تنظیم کرده و تبعیت آن را از URC ۵۲۲ پذیرفته است. از این رو، هرچند وصولی اسنادی در نهایت به اخذ پول می‌انجامد، از حیث طبقه‌بندی حقوقی نباید با ابزار پرداخت یکی انگاشته شود؛ زیرا در اینجا بانک، اصولاً مأمور ارائه اسناد و اداره فرایند وصول است و نه متعهد اصلی پرداخت به معنایی که در اعتبار اسنادی مشاهده می‌شود.

نقطه تمایز سرنوشت‌ساز وصولی اسنادی با ابزار پرداخت در این است که حق فروشنده بر پول، در حالت عادی هنوز به پرداخت یا قبولی خریدار متکی است و بانک تنها نظم وصول را اداره می‌کند. URC ۵۲۲ بر نقش «دستور وصول»، وضعیت D/P و D/A و این نکته که بانک‌ها اسناد را برای کشف دستورها بررسی نمی‌کنند، تأکید می‌گذارد؛ مقررات ارزی بانک مرکزی نیز تصریح دارد که پرداخت وجه به ذی‌نفع در وصولی اسنادی صرفاً پس از پذیرش اسناد حمل ارائه‌شده و به میزان وجه اسناد ممکن است. مهم‌تر آنکه اگر اسناد فقط در قبال پذیره‌نویسی خریدار آزاد شود و بانک تعهدی برای پرداخت در سررسید نپذیرد، مؤسسه اعتباری اصولاً تعهد پرداخت ندارد؛ اما هرگاه تحویل اسناد بر پایه تعهد بانک برای پرداخت در سررسید انجام شود، اخذ وثایق لازم پیش از تحویل اسناد الزامی است. پس وصولی اسنادی یک عنوان یکنواخت و ساده نیست؛ ممکن است در صورت عادی، صرفاً ابزار وصول باشد، اما با ورود تعهد بانکی برای پرداخت در سررسید، عنصر اعتباری یا تضمینی به آن افزوده شود و آثار دعوایی آن نیز به تبع تغییر کند.

ابزار تضمین، بر خلاف دو خانواده پیشین، اصولاً برای انتقال مستقیم ثمن طراحی نشده است، بلکه کارکرد اصلی آن پوشش ریسک نکول یا عدم ایفاء تعهدی دیگر است. در این خانواده، بانک یا ضامن تعهدی تأمینی می‌پذیرد که معمولاً با مطالبه ذی‌نفع و تحقق شرایط مقرر در متن تضمین فعال می‌شود. استانداردهای اصلی این حوزه در تجارت بین‌المللی، URDG ۷۵۸ برای ضمانت‌نامه‌های

عندالمطالبه و ISP^{۹۸} برای اعتبارات اسنادی تضمینی است؛ هر دو بر استقلال سازوکار تضمینی و تمرکز بر مطالبه و اسناد منطبق، نه بر خود کالا، خدمت یا اجرای واقعی قرارداد پایه، تأکید دارند. در برخی مقررات رسمی داخلی نیز ضمانت نامه به صورت سندی غیرقابل برگشت و عندالمطالبه تعریف شده که برای ایفای تعهدات متعهد صادر می شود. از این منظر، ابزار تضمین هرچند در نهایت به پرداخت وجه می انجامد، پرداخت آن «ثمن معامله» به معنای متعارف نیست، بلکه جبران یا پوشش خطر ناشی از عدم اجرای تعهد اصلی است. از همین جا روشن می شود که ابزار تضمین معمولاً جانشین ابزار پرداخت نیست، بلکه در کنار آن قرار می گیرد. ممکن است ثمن با اعتبار اسنادی، وصولی یا حواله پرداخت شود، ولی برای تضمین حسن انجام خدمت، استرداد پیش پرداخت یا آزادسازی کسور، ضمانت نامه مستقلی نیز اخذ شود. مجموعه مقررات ارزی بانک مرکزی نیز در بخش خدمات، مستقل از اینکه روش پرداخت اعتبار اسنادی، وصولی یا حواله باشد، پیش بینی ضمانت نامه حسن انجام کار را پذیرفته است. نتیجه عملی آن است که ابزار پرداخت و ابزار وصول بیشتر ناظر به جریان انتقال یا تحصیل پول اند، اما ابزار تضمین ناظر به پوشش خطر عدم اجرا یا بازپرداخت است. بنابراین اگر هدف اصلی رابطه بانکی، جابه جایی پول در برابر اسناد یا دستور پرداخت باشد، در قلمرو پرداخت یا وصول قرار داریم؛ و اگر هدف اصلی، ایجاد پشتوانه ای برای نقض احتمالی تعهد باشد، در قلمرو تضمین قرار گرفته ایم.

این تمایزها کاملاً تابع نام سند نیست. اعتباری که عنوان «اعتبار اسنادی» دارد، اگر تجاری و ناظر به پرداخت ثمن در برابر ارائه اسناد حمل و تجاری باشد، در خانواده ابزار پرداخت قرار می گیرد؛ اما Standby LC، علی رغم شباهت شکلی به اعتبار اسنادی، در منطق حقوقی و بانکی ابزاری تضمینی است و به همین جهت تحت قواعد اختصاصی ISP^{۹۸} تحلیل می شود. به همین قیاس، حواله ای که در وضع متعارف صرفاً دستور انتقال وجه است، ممکن است در ساختارهای غیرمتعارف به تعهد پرداخت بر ذمه شخص ثالث نزدیک شود؛ و وصولی مدت دار

نیز اگر همراه با تعهد بانک برای پرداخت در سررسید باشد، از حالت وصول صرف فاصله می‌گیرد. در نتیجه، معیار درست، خواندن متن تعهد، دستور بانکی، شرایط ارائه اسناد و نحوه آزادسازی اسناد است، نه اکتفا به عنوان چاپ‌شده بر روی فرم یا عنوان عرفی که طرفین به کار می‌برند.

اثر عملی این طبقه‌بندی در دعوا بسیار عمیق است. در اختلاف ناشی از حواله ارزی، دعوا غالباً حول دستور پرداخت، کارسازی، اشتباه در مشخصات ذی‌نفع، تأخیر در انتقال، عدم واریز یا استرداد وجه شکل می‌گیرد و اصل بر آن است که بانک، مادام که تعهد مستقل ویژه‌ای نپذیرفته، ضامن پرداخت ثمن به معنای اعتباری آن نیست. در اعتبار اسنادی، محور دعوا انطباق اسناد، مهلت بررسی، اعلام به‌موقع مغایرت و حدود استقلال تعهد بانک از قرارداد پایه است. در وصولی اسنادی، پرسش اصلی این است که اسناد در قبال چه چیزی باید آزاد می‌شد: پرداخت، قبولی خریدار، یا تعهد بانک؛ و آیا بانک از حدود دستور وصول تجاوز کرده است یا خیر. در ابزار تضمین، مرکز ثقل دعوا متن ضمانت‌نامه یا Standby، شرایط مطالبه، مهلت اعتبار، انطباق مطالبه و حدود امکان استناد به ایرادات قرارداد پایه است. بنابراین وکیل، قاضی و کارشناس رسمی پیش از هر اظهارنظر درباره «عدم ایفای تعهد بانکی» باید نخست خانواده ابزار را احراز کنند؛ زیرا بدون این تفکیک، هم تعیین خواننده صحیح دشوار می‌شود و هم بار اثبات، معیار تقصیر بانکی و شیوه محاسبه خسارت دچار خلط می‌گردد.

در حوزه ابزار تضمین، هرچند منطق استانداردهای بین‌المللی و پاره‌ای از آراء قضایی به استقلال ضمانت‌نامه بانکی و قابلیت مطالبه آن بر پایه متن تضمین گرایش دارد، رویه قضایی داخلی کاملاً یکدست نیست و در برخی آراء، ضمانت‌نامه به قرارداد پایه و اثبات تخلف متعهد پیوند خورده است. این ناهمگونی یک نتیجه عملی روشن دارد: در تنظیم قرارداد و متن ضمانت‌نامه باید حدود استقلال، اسناد لازم برای مطالبه، مدت اعتبار، شرایط تمدید، نحوه اعلام مطالبه و رابطه یا عدم رابطه با قرارداد پایه با نهایت دقت تصریح شود؛ زیرا در مقام رسیدگی، همین متن است که تعیین می‌کند دعوا بر مبنای تعهد مستقل بررسی خواهد

شد یا بر مبنای احراز تخلف در رابطه پایه. برای وکیل و قاضی، این نکته به ویژه در پرونده هایی که طرف دعوا بانک صادرکننده، ذی نفع و متعهد اصلی هر سه درگیرند، اهمیت مضاعف دارد؛ و برای کارشناس رسمی نیز بدین معناست که نمی توان با یک قالب تحلیلی واحد، هم ضمانت نامه مستقل، هم وصولی اسنادی و هم اعتبار تجاری را ارزیابی کرد.

در حقوق واردات، این تمایز صرفاً نظری یا آموزشی نیست. مجموعه مقررات ارزی بانک مرکزی، نوع ابزار را در ثبت عملیات، تفکیک پرداخت دیداری و مدت دار، اسناد مورد نیاز، مهلت های ارائه اسناد، نگهداری ارز تأمین شده تا زمان پرداخت، برگشت ارز انتقال نیافته و لزوم یا عدم لزوم اخذ وثایق مؤثر می داند. از این رو، طبقه بندی صحیح ابزار بانکی مستقیماً بر وضعیت رفع تعهد وارداتی، تشخیص مسئولیت بانک عامل، امکان مطالبه خسارت، آزادسازی تضامین و حتی بر نحوه نگارش خواسته در دعوای حقوقی یا اداری اثر می گذارد. خلاصه آنکه هرگاه بانک مأمور انتقال وجه باشد با ابزار پرداخت، هرگاه مأمور گردش اسناد برای اخذ پرداخت یا قبولی باشد با ابزار وصول، و هرگاه متعهد به پوشش خطر نکول یا عدم اجرا باشد با ابزار تضمین روبه رو هستیم. هر خلطی میان این سه، در پرونده های ارزی و بانکی، به خطا در تشخیص منشأ تعهد، شخص مسئول، نوع دلیل لازم و نتیجه رسیدگی می انجامد.

معیارهای انتخاب ابزار مناسب با توجه به ریسک کشور،

ریسک طرف مقابل و محدودیت های بانکی

در نظام حقوقی واردات ایران، انتخاب ابزار بانکی صرفاً انتخاب میان چند شیوه فنی پرداخت نیست، بلکه تصمیمی حقوقی درباره توزیع ریسک و امکان اجرای قانونی معامله است. چارچوب رسمی عملیات ارزی، واردات کالا را اساساً از مسیر گشایش اعتبار اسنادی، ثبت وصولی اسنادی و حواله ارزی سامان می دهد و هرجا این ابزارها به تنهایی برای مهار خطر کافی نباشند، تضمین های بانکی را به عنوان لایه تکمیلی به خدمت می گیرد. این تصمیم در قلمرو قواعد آمره ارزی و صلاحیت تنظیم گرانه بانک مرکزی اتخاذ می شود؛ نهادی که قانون، مدیریت

بازار ارز، نظارت بر ورود و خروج ارز و تنظیم عملیات بانکی با مؤسسات اعتباری خارجی را در حوزه وظایف و اختیارات او قرار داده است. از همین رو، ابزار مناسب آن ابزاری نیست که فقط در متن قرارداد خوش ساخت تر به نظر برسد، بلکه ابزاری است که هم در شبکه بانکی قابل اجرا باشد، هم در فرایند رفع تعهد ارزی و رسیدگی های بعدی قابل دفاع بماند، و هم طرفین را به مجرای غیرمجاز انتقال ارز سوق ندهد؛ زیرا در منطق قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، عدول از ضوابط مقرر یا فقدان مجوز لازم بانکی در خرید، فروش یا حواله ارز، بی اثر حقوقی تلقی نمی شود و ضمانت اجرای خاص خود را دارد. افزون بر این، مجموعه مقررات ارزی بانک مرکزی تصریح می کند که اخذ کد تخصیص ارز و حتی پرداخت یا مسدود کردن وجه ریالی نزد مؤسسه اعتباری، به خودی خود برای بانک مرکزی تعهد تأمین ارز ایجاد نمی کند؛ پس از همان آغاز باید میان «انتخاب ابزار بانکی» و «قطعیت دسترسی به ارز و امکان اجرای انتقال» تفکیک روشن برقرار کرد.

ریسک کشور در این بحث، صرفاً وصفی سیاسی یا رسانه ای درباره کشور فروشنده نیست. در عمل حقوق بانکی ایران، این ریسک از مسیر امکان یا عدم امکان کار با شبکه بانکی آن کشور، استمرار رابطه کارگزاری، قابلیت راستی آزمایی هویت ذی نفع و منشأ وجوه، احتمال توقف عملیات در کنترل های انطباق، و قرار داشتن طرف معامله یا محل اقامت قانونی او در قلمروهای پرخطر بروز می کند. آیین نامه اجرایی ماده ۱۴ الحاقی قانون مبارزه با پولشویی، مؤسسات مالی را مکلف کرده است پیش از ارائه هر خدمت، خطر تعامل کاری را با لحاظ ارباب رجوع، منطقه و خود خدمت ارزیابی و طبقه بندی کنند؛ همان آیین نامه مقرر می دارد که اگر خطر خدمت، محصول یا کانال ارائه از سطح قابل قبول فراتر باشد یا شناسایی مقتضی ممکن نشود، ارائه خدمت باید متوقف بماند. در روابط با خطر بالا نیز اخذ تأیید مدیریت ارشد و پایش مستمر تراکنش ها لازم است. افزون بر این، در منطق همین مقررات، کشورهایی که نظام های ضد پولشویی کافی ندارند، سطح بالای فساد مالی دارند یا در معرض فعالیت های

تروریستی‌اند، در شمار حوزه‌های پرخطر قرار می‌گیرند. بنابراین، نخستین معیار در انتخاب ابزار بانکی، سنجش «بانک‌پذیری» کشور و مسیر انتقال است: آیا این کشور، این بانک کارگزار، این ذی‌نفع و این کانال پرداخت اساساً برای بانک عامل ایرانی قابل پذیرش است یا نه. هر تصمیمی که این پرسش مقدم را نادیده بگیرد، ولو از حیث بازرگانی معقول به نظر برسد، از حیث حقوقی بر زمینی سست بنا شده است.

هرگاه ریسک کشور و ریسک مسیر بانکی پایین باشد و شبکه کارگزاری فعال و پایدار در دسترس قرار گیرد، اعتبار اسنادی برای معاملات با ارزش بالا، فروشندگان تازه، یا خریدهایی که طرفین نیازمند تعهد مستندمحور بانکی‌اند، غالباً ابزار مناسب‌تری است. مجموعه مقررات ارزی بانک مرکزی اعتبار اسنادی را در پرتو آخرین نسخه UCP ۶۰۰ پذیرفته و برای بررسی اسناد نیز مهلت پنج روز بانکی مقرر کرده است؛ بدین معنا که در این ابزار، بانک صرفاً ناقل پیام نیست، بلکه انضباط اسنادی بر معامله تحمیل می‌کند و ریسک عدم پرداخت یا اختلاف بر سر اسناد را تا اندازه مهمی مهار می‌سازد. در مقابل، هرگاه کشور یا مسیر بانکی دچار شکنندگی، قطع و وصل رابطه کارگزاری، یا کنترل‌های انطباقی طولانی و نامطمئن باشد، ابزارهای مبتنی بر گردش منظم اسناد بانکی نیز از حیث اجرا دشوار یا پرهزینه می‌شوند. در چنین وضعی، حواله ارزی ممکن است تنها مسیر عملی باقی‌مانده باشد، اما نباید با اعتبار اسنادی هم‌ارز پنداشته شود؛ خودِ مقررات ارزی نیز انجام حواله برای واردات کالا را اصولاً در فرضی مجاز می‌داند که بهره‌مندی از اعتبار اسنادی یا وصولی اسنادی ممکن نباشد. این نکته از حیث تحلیل حقوقی مهم است، زیرا نشان می‌دهد حواله در بسیاری از پرونده‌ها ابزار جایگزین شرایط محدودشده است، نه شکل ساده‌شده همان حمایتی که اعتبار اسنادی فراهم می‌کند.

ریسک طرف مقابل بیش از هر جا در دو وضعیت آشکار می‌شود: نخست، جایی که فروشنده برای تولید، تخصیص یا رزرو کالا پیش‌پرداخت می‌خواهد؛ دوم، جایی که کیفیت و انطباق کالا را نمی‌توان صرفاً از ظاهر اسناد با اطمینان کافی سنجید.



שלום רב
שלום רב





حقوق تجارت خارجی امور گمرکی و تعهدات ارزی

ویژه قضات، وکلا، کارشناسان، ضابطین قضایی و بازرگانان

جلد سوم : حقوق گمرکی و قاچاق کالا

محمد مسعود یوسفی

(وکیل دادگستری، متخصص دعاوی ارزی، گمرکی و جرایم اقتصادی)



-----	سرشناسه:
-----	عنوان و نام پدیدآور:
دادبانان دانا، ۱۴۰۵	مشخصات نشر:
----- ص.	مشخصات ظاهری:
شابک جلد سوم: ۹۷۸-۶۲۲-۱۹۵۵۱-۵-۲ و شابک دوره ۱-۲-۱۹۵۵۱-۶۲۲-۹۷۸	شابک:
فیپا	وضعیت فهرست نویسی:
-----	یادداشت:
-----	موضوع:
-----	موضوع:
-----	موضوع:
یوسفی، محمد مسعود ---- نویسنده	شناسه افزوده:
شورای گفتگوی دولت و بخش خصوصی	شناسه افزوده:
مرکز نوآوری و شتابدهی صادرات اتاق ایران	شناسه افزوده:
HD --/--	رده بندی کنگره:
---/--	رده بندی دیویی:
-----	شماره کتاب شناسی ملی:



شورای گفتگوی دولت و بخش خصوصی



مرکز نوآوری و شتابدهی صادرات اتاق ایران

دوره جامع و کاربردی حقوق تجارت خارجی؛ امور گمرکی و تعهدات ارزی (ویژه قضات، وکلا، کارشناسان، ضابطین قضایی و بازرگانان)	نام کتاب:
محمد مسعود یوسفی (وکیل دادگستری، متخصص دعاوی ارزی، گمرکی و جرایم اقتصادی)	نویسندگان:
شورای گفتگوی دولت و بخش خصوصی و مرکز نوآوری و شتابدهی	با همکاری:
صادرات اتاق ایران	
-----	ویراستار:
۱۰۰۰	شمارگان:
۲،۰۰۰،۰۰۰ تومان	قیمت:
اول؛ تابستان ۱۴۰۵	نوبت چاپ:
دادبانان دانا	انتشارات:

رَجَالٌ لَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ
الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ

مردانی که تجارت و داد و ستد آنان را از یاد خدا و برپا داشتن
نماز و پرداخت زکات باز نمی‌دارد، [و] پیوسته از روزی که دل‌ها و
دیده‌ها در آن زیر و رو می‌شود، می‌ترسند.

سوره نور- آیه ۳۷

تقدیم به فعالین کسب و کار این مرز و بوم، که همواره
این آیه شریفه سرلوحه کسب و کارشان بوده است.

فهرست مطالب



بخش سوم

تشریفات گمرکی و ترخیص کالا	۲۳
فصل هفتم: ورود کالا، نگهداری، اظهار و رسیدگی گمرکی	۲۵
مفاهیم پایه و قلمرو تشریفات گمرکی	۲۷
مفهوم اماکن گمرکی، مرجع تحویل گیرنده، ترخیص، ترخیصیه و تشریفات گمرکی	۲۷
اظهار کالا، اظهارکننده، روز اظهار و آثار ثبت اظهارنامه	۳۲
اصل انجام تشریفات در اولین گمرک مجاز و اعلام گمرکهای مجاز	۳۸
اظهار الکترونیکی و جایگاه گواهی رقومی در شناسایی اظهارکننده	۴۰
ورود وسیله نقلیه، اظهارنامه اجمالی، مانیفست و تخلیه کالا	۴۶
ورود وسایل نقلیه از راهها، اسکله‌ها و فرودگاههای مجاز	۴۶
تکالیف شرکت حمل و نقل و نمایندگی مجاز آن در بدو ورود	۵۰
اظهارنامه اجمالی، فهرست کل بار (مانیفست)، بارنامه و راهنما	۵۳
اصلاح و تکمیل اظهارنامه اجمالی و مانیفست و حدود پذیرش آن	۶۰
تخلیه کالا با موافقت گمرک و هماهنگی با مرجع تحویل گیرنده	۶۹
صورت مجلس اختلاف در تحویل قطعی محموله	۷۳
حمل یکسره و تمایز آن از تخلیه و تحویل در اماکن گمرکی	۷۸
کانتینرهای چندمحموله‌ای (LCL)، بارنامه‌های تفکیکی و قبض انبار تفکیکی	۸۶
فقدان اسناد در بدو ورود و اجازه تخلیه تحت نظارت	۹۴
بازرسی آذوقه، لوازم مصرفی، اسلحه و کالاهای ممنوع‌الورود موجود در وسیله نقلیه	۹۸
اماکن گمرکی، انبارها، قبض انبار و مسئولیت نگهداری کالا	۱۰۵
انبارهای گمرکی، انبارهای اختصاصی و انبارها و سردخانه‌های عمومی رسمی	۱۰۵
شرایط تحویل کالا به انبار و اسناد لازم برای پذیرش	۱۱۳
ثبت در دفاتر، صدور قبض انبار و آثار حقوقی آن	۱۱۹
مسئولیت مرجع تحویل گیرنده و الزامات بیمه‌ای آن	۱۲۴

- انتقال کالای گمرک نشده به انبارها و سردخانه‌های عمومی رسمی غیرگمرکی ۱۳۲
- تأسیس واحدهای گمرکی اختصاصی و استقرار مأموران گمرک ۱۳۶
- وضعیت خاص کالاهای خطرناک، فاسدشدنی یا نیازمند تجهیزات ویژه ۱۴۰
- خسارت، فقدان، فساد و قوه قاهره در دوره نگهداری ۱۴۵
- مواعد توقف کالا، متروکه، ضبطی و واگذاری به گمرک ۱۵۳
- مهلت مجاز نگهداری کالا در اماکن گمرکی و تمدید آن ۱۵۳
- مبنای محاسبه مهلت در فرض انتقال میان چند انبار ۱۵۷
- مهلت خاص خروج کالا پس از صدور سند ترخیص یا فروش ۱۶۰
- عدم متروکه شدن کالا در مدت انتظار برای اعلام نظر قطعی گمرک ۱۶۵
- درج تاریخ متروکه شدن در ظهر قبض انبار ۱۶۸
- اعمال فوری مقررات متروکه نسبت به کالای فاسدشدنی یا پرهزینه ۱۷۳
- فروش کالای متروکه، ضبطی و واگذاری به گمرک توسط سازمان جمع‌آوری و فروش اموال تملیکی ۱۷۸
- حق صاحب کالا برای انجام تشریفات قطعی و ترخیص پیش از فروش کالا ۱۸۸
- گمرک الکترونیکی، پنجره واحد و کنترل‌های مشترک ۱۹۳
- به‌کارگیری فناوری اطلاعات، پرتونگاری و تجهیزات نوین ۱۹۳ در تشریفات و کنترل‌های گمرکی
- پنجره واحد فیزیکی و استقرار نمایندگان دستگاه‌های کنترل‌کننده ۱۹۹
- ارائه الکترونیکی مجوزها، گواهی‌ها، معافیت‌ها و ممنوعیت‌ها ۲۰۶
- شناسایی هویت شخصی و تجاری متعاملان از طریق پایگاه‌های رسمی ۲۱۳
- هماهنگی با کنترل‌های پزشکی، دامپزشکی، گیاهی، استاندارد و کیفیت ۲۱۸
- واگذاری برخی کنترل‌ها به گمرک یا انجام آنها در محل دیگر به تشخیص گمرک ۲۲۴
- اظهار کالا، اشخاص مجاز به اظهار و اسناد ضمیمه اظهارنامه ۲۲۹
- اصل لزوم تسلیم اظهارنامه برای انجام تشریفات گمرکی ۲۲۹
- موارد معافیت از تسلیم اظهارنامه و موارد ترخیص با پته یا فرم‌های خاص ۲۳۴
- اظهار قبل از ورود کالا و حدود آن ۲۳۹

صاحب کالا، نماینده قانونی، کارمند شخص حقوقی و کارگزار گمرکی	۲۴۶
حدود وکالت نامه رسمی و معرفی نامه در فرایند ترخیص	۲۵۲
اسناد خرید، حمل، ترخیصیه، قبض انبار، مجوزها و گواهی های لازم	۲۵۷
اسناد بانکی، گواهی مبدأ و فهرست عدلبندی	۲۶۲
موارد استثنایی پذیرش اظهارنامه با نقص برخی اسناد	۲۶۸
مسئولیت صحت مندرجات اظهارنامه و اسناد تسلیمی	۲۷۳
رسیدگی اظهارنامه، ارزیابی و کنترل های مبتنی بر خطر	۲۷۸
پذیرش اظهارنامه، ثبت، مهر و موم اسناد و آثار تخصیص شماره ثبت	۲۷۸
ارجاع اظهارنامه به سرویس ارزیابی و تعیین ارزیاب و کارشناس	۲۸۳
ارزیابی از حیث نوع، جنس، تعداد، وزن، ارزش، کشور سازنده، تعرفه و مجوزهای لازم	۲۸۸
مدیریت خطر، بازرسی های منظم یا اتفاقی و سایر روش های کنترل	۲۹۳
حضور صاحب کالا یا نماینده او در واری و ارزیابی	۳۰۰
نمونه برداری، کشف تخلف و درج نتایج در اظهارنامه	۳۰۸
بازبینی مجدد توسط رئیس گمرک یا مأمور دیگر	۳۱۳
ارزیابی در خارج از اماکن گمرکی در موارد استثنایی	۳۱۹
نتایج ارزیابی، صورت مجلس ها و زمینه های اختلاف پیش از ترخیص	۳۲۳
انعکاس نتیجه ارزیابی در اظهارنامه و اعلام وجوه متعلقه	۳۲۳
تنظیم صورت مجلس تخلف در اختلافات زیان بار به دولت	۳۲۷
اصلاح اظهار در اختلافات فاقد زیان مالی دولت	۳۳۲
اظهار به زیان خود و حق استرداد اضافه پرداختی	۳۳۶
تغییر عنوان اظهارنامه و حدود پذیرش آن	۳۴۲
ممنوعیت تغییر عنوان در موارد مشمول قاچاق	۳۴۹
کالاهای مورد نیاز فوری و مجوز خروج استثنایی با تکمیل تشریفات ظرف هفت روز اداری	۳۵۴
مبانی اختلاف پیش از پرداخت و ترخیص در موضوعات تعرفه، ارزش، وزن و سایر مشخصات کالا	۳۶۱

۳۶۹	◆ فصل هشتم: نظام حقوقی تعرفه، مبدأ، ارزش گمرکی، محاسبه و وصول حقوق ورودی و انواع ترخیص
۳۷۱	مبانی حقوق ورودی، هزینه‌های انجام خدمات و زمان مؤثر در شمول مقررات مالی
۳۷۱	مفهوم حقوق ورودی و اجزای آن
۳۷۷	تمایز حقوق ورودی از هزینه‌های انجام خدمات
۳۸۱	وصول وجوه به پول رایج ملی
۳۸۸	مسئولیت صاحب کالا در پرداخت حقوق ورودی، هزینه‌ها و جرایم
۳۹۳	وثیقه بودن کالا برای مطالبات گمرک
۴۰۰	عدم شمول افزایش حقوق ورودی نسبت به کالای موجود در اماکن گمرکی و نسبت به کالای ترخیص شده
۴۰۹	سامانه هماهنگ شده، یادداشت‌های توضیحی و مبانی طبقه‌بندی تعرفه‌ای
۴۰۹	جایگاه حقوقی اصلاحات سامانه هماهنگ شده و لزوم انتشار آن
۴۱۴	اثر اصلاحات سامانه بر مأخذ حقوق ورودی نسبت به کالای موجود در گمرک یا دارای گشایش اعتبار/بارنامه قبلی
۴۱۹	نقش متن سامانه و یادداشت‌های توضیحی در رفع ابهام از عبارات جدول تعرفه
۴۲۶	رابطه طبقه‌بندی تعرفه‌ای با محدودیت‌های مقداری، ممنوعیت‌ها و تعرفه‌های ترجیحی
۴۳۲	جایگاه تشخیص گمرک در تعیین تعرفه و حدود آثار آن
۴۳۸	استعلام تعرفه پیش از اظهار و پیش از سفارش خارجی
۴۳۸	استعلام تعرفه پیش از تنظیم اظهارنامه با ارائه اسناد مالکیت
۴۴۴	استعلام تعرفه و شرایط ورود پیش از سفارش کالا با ارسال نمونه و پروفرما
۴۴۹	مدت زمان رسیدن کالا برای اثر الزام‌آور استعلام
۴۵۲	نقش کمیسیون رسیدگی به اختلافات گمرکی در الزام‌آور شدن نظر تعرفه‌ای
۴۶۰	اثر تغییر تعرفه توسط خود گمرک و محدود شدن آن به اخذ مابه‌التفاوت بدون جریمه در فرض مقرر قانونی
۴۶۳	قواعد مبدأ، گواهی مبدأ و آثار آن در ترخیص
۴۶۳	مفهوم کشور مبدأ و نقش آن در اهداف تعرفه‌ای، محدودیت‌های مقداری و ضوابط تجاری

کالای تماماً تولیدشده در یک کشور	۴۶۹
ضابطه تغییر اساسی در فرض دخالت دو یا چند کشور در تولید کالا	۴۷۲
گواهی مبدأ، اظهارنامه مبدأ و اظهارنامه مبدأ گواهی شده	۴۷۷
گواهی مبدأ صادره از کشور ثالث بر پایه گواهی کشور مبدأ	۴۸۵
تردید در گواهی اسنادی مبدأ و استعمال از مقام صلاحیت دار	۴۸۹
موارد لزوم و عدم لزوم ارائه گواهی مبدأ در فرایند اظهار	۴۹۶
ارزش گمرکی کالای ورودی بر مبنای ارزش معاملاتی	۵۰۰
ارزش خرید در مبدأ به اضافه بیمه و حمل و سایر هزینه‌ها تا اولین دفتر گمرکی	۵۰۰
نرخ ارز مؤثر در روز اظهار	۵۰۴
اقدام قابل افزودن به ارزش اظهارشده مانند حقوق مالکیت معنوی، طراحی و مهندسی، ظروف و تجهیزات تأمین شده توسط خریدار و عواید فروش مجدد	۵۰۸
اقدام غیرقابل الحاق مانند هزینه‌های پس از ورود، سود متداول ناشی از تأمین مالی، حق تکثیر داخلی و برخی هزینه‌های داده و نرم افزار	۵۱۴
فروش بین اشخاص مرتبط و شرایط عدم پذیرش ارزش اسنادی	۵۲۰
حق واردکننده برای اطلاع از مبنای ایراد گمرک و پاسخ به آن	۵۲۵
روش‌های جانشین تعیین ارزش گمرکی و مسائل خاص ارزش گذاری	۵۳۰
تعیین ارزش بر مبنای کالای مثل	۵۳۰
تعیین ارزش بر مبنای کالای مشابه	۵۳۶
ارزش تفریقی بر پایه فروش داخلی همان کالا یا کالای مثل / مشابه	۵۴۱
ارزش محاسباتی بر پایه عناصر متشکله تولید	۵۴۷
روش انعطافی بر مبنای مدارک و اطلاعات موجود	۵۵۶
لزوم رعایت ترتیب قانونی روش‌ها و امکان جابه‌جایی روش سوم و چهارم به درخواست واردکننده	۵۶۴
استفاده از منابع اطلاعاتی بین‌المللی برای کالاهای بورسی یا دارای نوسان دائم قیمت	۵۶۹
استفاده از خدمات شرکت‌های بازرسی و فنی بین‌المللی در بررسی تکمیلی ارزش	۵۷۶
وزن، تعداد، مقدار و سایر مبانی محاسبه وجوه متعلقه	۵۸۲
مبنای حقوق ورودی در موارد وصول بر اساس وزن	۵۸۲

وزن ناخالص، کسر اوزان تقریبی ظروف و لفاف‌ها و استثنای آن	۵۸۵
تعیین وزن در کالاهای فله بر اساس روش‌های متداول بین‌المللی	۵۹۱
نقش تعداد، نوع بسته‌بندی، مقدار و سایر اوصاف در ارزیابی و تعیین وجوه متعلقه	۵۹۶
آثار کشف مغایرت در نوع، تعداد، وزن و مقدار کالا پیش از ترخیص	۶۰۲
وصول حقوق ورودی، تضمین، سپرده و انواع ترخیص در مرحله نهایی	۶۰۷
اخذ فوری هزینه‌های انجام خدمات و اخذ یا تأمین حقوق ورودی	۶۰۷
میزان تضمین برای کالاهای مجاز و سایر کالاها	۶۱۲
انواع تضمین قابل پذیرش: وجه نقد، ضمانت‌نامه بانکی، بیمه‌نامه معتبر و سایر تضمین‌های مصرح	۶۱۸
پیش‌دریافت حقوق ورودی اظهاری هم‌زمان با اظهار کالا	۶۲۱
ترخیص قطعی با تعهد یا ضمانت‌نامه بانکی در فرض پرداخت مؤخر	۶۲۶
ترخیص با سپرده یا ضمانت در موارد اختلاف میان گمرک و اظهارکننده	۶۳۰
وضعیت کالاهای آسیب‌دیده، ضایع یا فاسد در زمان ترخیص	۶۳۷
صدور پروانه و خروج کالا از اماکن گمرکی پس از انجام کامل تشریفات	۶۴۲
اعتراضات فنی و مالی، استرداد، رفع تضمین و اسناد نهایی ترخیص	۶۴۷
اعتراض به ارزش تعیین‌شده توسط گمرک و مهلت آن	۶۴۷
اعتراض به جریمه یا میزان آن و ارجاع به مراجع رسیدگی به اختلافات گمرکی	۶۵۲
معافیت از انبارداری در فرض انتظار برای نظر قطعی گمرک یا ممانعت ناروا از ترخیص	۶۵۹
استرداد اضافه‌پرداختی در فرض اظهار به زیان خود	۶۶۴
رفع یا استرداد سپرده و تضمین پس از تعیین تکلیف نهایی	۶۷۰
پروانه ورود گمرکی، پته گمرکی، قبض سپرده موجب ترخیص و سایر اسناد نهایی	۶۷۷
اسناد مثبت گمرکی موضوع ماده ۱۱۷ و ارزش اثباتی آنها پس از ترخیص	۶۸۵

◆ بخش چهارم

تخلفات، قاچاق و مراجع رسیدگی	۶۸۹
------------------------------	-----

◆ فصل نهم: تخلفات گمرکی، جریمه‌های انتظامی و مراجع اختصاصی رسیدگی	۶۹۱
---	-----

۶۹۳	مفاهیم، تمایزات و مبانی حاکم بر تخلفات گمرکی
۶۹۳	تخلف گمرکی در برابر اختلاف گمرکی
۶۹۷	تخلف غیر قاچاقی در برابر قاچاق گمرکی
۷۰۲	جریمه انتظامی در برابر ضبط و تعقیب کیفری
۷۰۶	نقش رئیس گمرک، گمرک ایران و مراجع اختصاصی رسیدگی
۷۱۲	اصل قانونی بودن جریمه‌های گمرکی و منع تفسیر موسع
۷۱۸	تخلفات مربوط به اسناد حمل، تخلیه و تحویل کالا
۷۱۸	اضافه تخلیه
۷۲۲	کسر تخلیه
۷۲۷	عدم تطبیق اظهارنامه اجمالی، فهرست کل بار و بارنامه
۷۳۳	مهلت ارائه اسناد و مدارک توجیهی از سوی شرکت حمل و نقل
۷۳۸	اصلاح اظهارنامه اجمالی در فرض احراز فقدان سوءنیت
۷۴۶	مسئولیت شرکت حمل و نقل و نمایندگی رسمی آن در پرداخت جریمه
۷۵۲	تخلفات مربوط به کالای ممنوع‌الورود و آثار آن پیش و پس از ترخیص
۷۵۲	اظهار صادقانه کالای ممنوع‌الورود
۷۵۷	خودداری گمرک از ترخیص و اخطار عبور خارجی یا مرجوع کردن کالا
۷۶۱	ضبط کالای ممنوع‌الورود در صورت عدم اقدام در مهلت مقرر
۷۶۵	اعتراض به ضبط در دادگاه صالح
۷۷۱	وضعیت کالای ممنوع‌الورود که به جای کالای مجاز ترخیص شده است
۷۷۴	توقیف کالای در اختیار صاحب کالا و استرداد حقوق ورودی دریافتی
۷۸۰	وصول مابه‌التفاوت در فرض عدم دسترسی به کالای ترخیص شده
۷۸۵	تخلفات مالی و جریمه‌های انتظامی در واردات و صادرات
۷۸۵	کم‌اظهاری یا مغایرت موجب زیان مالی دولت در کالای ورودی
۷۹۰	اخذ مابه‌التفاوت و جریمه ماده ۱۰۸ قانون امور گمرکی
۷۹۵	حداقل جریمه در مغایرت‌های سنگین
۸۰۲	اظهار خلاف واقع بدون زیان مالی دولت

۸۰۸	اصلاح اظهارنامه با اجازه کتبی رئیس گمرک
۸۱۲	جریمه‌های مرتبط با کالای صادراتی
۸۱۶	بیش‌اظهاری یا کم‌اظهاری ارزش صادراتی برای تحصیل تسهیلات و مزایای غیرقانونی
۸۲۱	تخلفات مربوط به مهلت‌های رویه‌های غیرقطعی
۸۲۱	تأخیر در خروج کالای عبوری
۸۲۷	تأخیر در خروج کالای ورود موقت
۸۳۳	تأخیر در خروج کالای ورود موقت برای پردازش
۸۴۰	تأخیر در خروج کالای مرجوعی
۸۴۷	تأخیر در تحویل کالای عبور داخلی به گمرک مقصد
۸۵۳	تأخیر وسایل نقلیه دارای جواز عبور بین‌المللی
۸۵۶	قوه قهریه و استثنائات عدم شمول جریمه
۸۶۳	نسبت جریمه تأخیر با ضبط تضمین یا گزارش قاچاق
۸۶۷	اصول تعیین، وصول و اعتراض به جریمه‌های انتظامی
۸۶۷	اختیار رئیس گمرک در تعیین جریمه
۸۷۱	معیارهای قانونی تعیین میزان جریمه
۸۷۶	درج دلایل، اوضاع و احوال و مستندات در صورت‌مجلس تخلف
۸۸۳	صدور رسید رسمی و الزامات وصول جریمه
۸۸۷	تودیع یا تأمین جریمه پیش از ترخیص
۸۹۳	اعتراض به اصل جریمه
۸۹۹	اعتراض به میزان جریمه
۹۰۴	صلاحیت کمیسیون رسیدگی به اختلافات گمرکی
۹۰۴	اختلاف در تشخیص تعرفه
۹۱۰	اختلاف در ارزش کالا
۹۱۴	اختلاف در جریمه‌های غیرقاچاقی
۹۱۸	اختلاف در قوه قهریه

اختلاف در مقررات گمرکی	۹۲۳
خروج موضوعات قاچاق از صلاحیت کمیسیون	۹۲۸
ترکیب، شرایط عضویت و ساختار کمیسیون بدوی	۹۳۲
اعضای کمیسیون از گمرک، وزارت صمت، وزارت اقتصاد و اتاق‌ها	۹۳۲
شرایط تخصصی و سابقه اعضا	۹۳۷
عضو علی‌البدل	۹۴۱
رئیس و نایب‌رئیس کمیسیون	۹۴۴
نصاب رسمیت و اعتبار آراء	۹۴۸
لزوم تصریح مستندات و نظر اقلیت در رأی	۹۵۱
تشریفات طرح و رسیدگی در کمیسیون بدوی	۹۵۷
اظهارنظر مقدماتی واحدهای ستادی گمرک	۹۵۷
احاله پرونده از سوی رئیس کل گمرک	۹۶۴
سپرده نیم‌درصدی حق رسیدگی	۹۶۷
ابلاغ وقت رسیدگی	۹۷۱
حضور مؤدی یا نماینده قانونی	۹۷۴
مطالعه پرونده در محل کمیسیون	۹۷۷
اختیار اخذ توضیح، تحقیق، معاینه و کارشناسی	۹۸۱
رأی مشورتی کمیسیون در استعلام تعرفه	۹۸۵
ابلاغ رأی و آثار آن	۹۸۹
کمیسیون تجدیدنظر اختلافات گمرکی	۹۹۲
نصاب ارجاع پرونده به کمیسیون تجدیدنظر	۹۹۲
ترکیب کمیسیون تجدیدنظر	۹۹۵
شرایط تخصصی و سابقه اعضا	۱۰۰۰
سپرده یک‌درصدی حق رسیدگی	۱۰۰۶
نصاب رسمیت و اکثریت لازم برای رأی	۱۰۱۰
ممنوعیت حضور عضو بدوی در تجدیدنظر همان پرونده	۱۰۱۳

۱۰۱۸		قطعی و لازم‌الاجراء بودن رأی تجدیدنظر
۱۰۲۳		شکایت شکلی از رأی تجدیدنظر در دیوان عدالت اداری
۱۰۲۷		اختلافات ناشی از حسابرسی پس از ترخیص
۱۰۲۷		هدف و قلمرو حسابرسی پس از ترخیص
۱۰۳۳		تکلیف نگهداری دفاتر، اسناد و سوابق برای سه سال
۱۰۳۸		ابلاغ برنامه حسابرسی و حقوق طرف حسابرسی‌شونده
۱۰۴۴		گزارش پایانی حسابرسی و ابلاغ آن
۱۰۴۹		اعتراض به گزارش پایانی حسابرسی
۱۰۵۴		مهلت سی‌روزه اعتراض اولیه
۱۰۵۹		مهلت ده‌روزه درخواست ارجاع به کمیسیون پس از ابلاغ ثانوی
۱۰۶۳		لزوم تأمین مبلغ مطالبه‌شده در فرض تأخیر
۱۰۶۹		وصول جریمه‌های قطعی ناشی از حسابرسی
۱۰۷۳		آثار و محدودیت‌های آراء کمیسیون‌های گمرکی
۱۰۷۳		عدم تعمیم آراء کمیسیون‌ها به پرونده‌های مشابه
۱۰۷۷		امکان استناد ستاد گمرک به آراء منطبق بدوی و تجدیدنظر در موارد وحدت موضوع
۱۰۸۲		استرداد یا ضبط سپرده‌های حق رسیدگی
۱۰۸۵		ابلاغ، اجرا و بایگانی آراء
۱۰۹۱		فصل دهم: قاچاق گمرکی و قاچاق کالا و ارز، کشف، توقیف، مجازات و مراجع رسیدگی
۱۰۹۳		مفاهیم و تمایزات بنیادین
۱۰۹۳		قاچاق گمرکی در قانون امور گمرکی
۱۰۹۹		قاچاق کالا و ارز در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز
۱۱۰۶		جرم قاچاق در برابر تخلف قاچاقی
۱۱۱۱		نسبت قانون امور گمرکی با قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز
۱۱۱۷		نسبت این قوانین با قانون مجازات اسلامی و قانون آیین دادرسی کیفری
۱۱۲۳		ارکان، اوصاف و عوامل تشدیدکننده قاچاق

عنصر قانونی قاچاق	۱۱۲۳
عنصر مادی قاچاق	۱۱۲۸
عنصر روانی و سوء نیت	۱۱۳۶
قاچاق سازمان یافته	۱۱۴۱
قاچاق حرفه‌ای	۱۱۴۶
قاچاق کالاهاى ممنوع	۱۱۵۰
شروع به قاچاق	۱۱۵۷
معاونت در قاچاق	۱۱۶۴
دستور دهنده، سفارش دهنده و مالک واقعی	۱۱۷۱
تعلق کالا یا عواید قاچاق به شخص ثالث	۱۱۷۷
مصادیق قاچاق گمرکی در قانون امور گمرکی	۱۱۸۱
ورود یا خروج کالا از مسیر غیر مجاز	۱۱۸۱
ورود یا خروج کالا بدون انجام تشریفات گمرکی	۱۱۸۵
عدم خروج یا عدم تحویل کالای رویه‌های غیر قطعی در مهلت مقرر با وصف عمدی	۱۱۹۱
ارائه اسناد خلاف واقع درباره خروج یا تحویل کالا	۱۲۰۰
بیرون بردن کالای تجاری از اماکن گمرکی بدون اظهار یا بدون پرداخت یا تأمین حقوق ورودی	۱۲۰۶
تعویض یا برداشت از کالای عبور خارجی	۱۲۱۱
اظهار کالای ممنوع تحت عنوان کالای مجاز یا مجاز مشروط	۱۲۱۷
وجود کالای اضافی همراه کالای اظهار شده	۱۲۲۲
عدم بازگشت کالای خروج موقت یا کران‌بری ممنوع یا مشروط	۱۲۲۶
اظهار کالای کم حقوق‌تر با اسناد خلاف واقع	۱۲۳۴
اظهار کالا با استفاده از معافیت یا مجوز جعلی	۱۲۳۸
انتقال غیر مجاز کالای معاف	۱۲۴۳
مصادیق خاص قاچاق و جرائم مرتبط در بستر تجارت خارجی	۱۲۴۸
حمل کالای قاچاق	۱۲۴۸

۱۲۵۸	نگهداری کالای قاچاق
۱۲۶۶	عرضه و فروش کالای قاچاق
۱۲۷۱	استفاده مکرر از اسناد اصیل گمرکی
۱۲۷۸	صادرات صوری
۱۲۸۴	اجاره، خرید، فروش یا واگذاری کارت بازرگانی
۱۲۸۸	بهربرداری از منافع کارت بازرگانی دیگری
۱۲۹۳	مقاومت یا مقابله با مأموران کاشف
۱۲۹۸	قاچاق توسط مأموران دستگاه‌های کاشف یا وصول درآمدهای دولت
۱۳۰۳	خودداری عامدانه مأموران از تعقیب مرتکبان
۱۳۱۰	دستگاه‌های کاشف، ضابطان و اشخاص مؤثر در کشف و تعقیب
۱۳۱۰	دستگاه‌های کاشف موضوع قانون
۱۳۱۷	گمرک جمهوری اسلامی ایران در محدوده اماکن گمرکی
۱۳۲۲	یگان حفاظت گمرک‌های کشور
۱۳۲۶	ضابطان عام و خاص دادگستری
۱۳۳۴	دستگاه مأمور وصول درآمدهای دولت
۱۳۳۹	نقش وزارت اطلاعات و نیروی انتظامی در شبکه‌های سازمان‌یافته
۱۳۴۴	جایگاه سازمان جمع‌آوری و فروش اموال تملیکی
۱۳۴۹	جایگاه بانک مرکزی در پرونده‌های ارزی
۱۳۵۴	کشف، بازرسی، توقیف و تشکیل پرونده
۱۳۵۴	قرائن و امارات مؤثر در اعلام موضوع به مقام قضایی
۱۳۶۱	توقیف و پلمب کالا، ارز، وسیله حمل و محل نگهداری
۱۳۶۷	تنظیم صورت‌جلسه کشف و لزوم امضای متهم
۱۳۷۵	ارسال فوری پرونده به مرجع صالح
۱۳۷۹	بازرسی انبارها، اماکن و مستغلات با مجوز مرجع صالح
۱۳۸۶	بازرسی اماکن عمومی بدون نیاز به مجوز
۱۳۹۰	توقف و بازرسی وسایل نقلیه بر پایه ظن قوی

۱۳۹۵	مصادیق و شرایط تشخیص ظن قوی
۱۴۰۳	رسیدگی غیابی در فرض مجهول‌المالک یا متواری بودن صاحب کالا
۱۴۰۹	توقیف وثیقه و قرار تأمین در پرونده‌های باارزش
۱۴۱۶	صلاحیت مراجع رسیدگی و رفع اختلاف صلاحیت
۱۴۱۶	صلاحیت دادسرا و دادگاه انقلاب
۱۴۲۱	صلاحیت سازمان تعزیرات حکومتی
۱۴۲۵	رسیدگی به پرونده‌های دارای متهمان متعدد
۱۴۳۰	قرار عدم صلاحیت در تعزیرات و ارسال مستقیم به مرجع قضایی
۱۴۳۸	ارسال مستقیم پرونده از مرجع قضایی به تعزیرات در فرض عکس
۱۴۴۲	مهلت یک‌ماهه رسیدگی در مراجع صالح
۱۴۴۵	استثنائات و موارد نیازمند تحقیقات بیشتر
۱۴۵۱	رسیدگی در شعب ویژه تعزیرات حکومتی
۱۴۵۱	اختیارات شعب تعزیرات در حدود صلاحیت قانونی
۱۴۵۶	استعلام نظر کارشناسی مشورتی از گمرک، بانک مرکزی و سایر سازمان‌های مأمور وصول
۱۴۶۱	تشخیص ایرانی یا خارجی بودن کالای مکشوفه
۱۴۶۵	رد یا پذیرش مستدل نظرهای کارشناسی مشورتی
۱۴۷۱	ممنوعیت ارجاع کارشناسی موضوع ماده ۴۷ به کارشناس رسمی دادگستری
۱۴۷۵	نظارت قضایی بر شعب تجدیدنظر ویژه تعزیرات
۱۴۸۰	تجدیدنظرخواهی از آراء بدوی تعزیرات
۱۴۸۵	قطعی بودن برخی آراء کم‌ارزش
۱۴۹۰	عدم قابلیت اعتراض آراء تعزیرات در دیوان عدالت اداری و سایر مراجع قضایی
۱۴۹۴	تقاضای تجدیدنظر فوق‌العاده از سوی رئیس سازمان تعزیرات
۱۴۹۸	اعاده دادرسی شرع بین در دیوان عالی کشور
۱۵۰۵	رسیدگی در دادسرا و دادگاه انقلاب
۱۵۰۵	پرونده‌های سازمان‌یافته، حرفه‌ای و کالاهای ممنوع

- پرونده‌های مستلزم حبس یا انفصال از خدمات دولتی ۱۵۰۹
- توقیف و شناسایی اموال متهم برای تأمین جزای نقدی احتمالی ۱۵۱۴
- رسیدگی توأمان به جرائم مرتبط مانند رشوه، ارتشاء، جعل و استفاده از سند مجعول ۱۵۲۰
- حقوق دادستان، ستاد، ضابط و دستگاه مأمور وصول در اعتراض یا تجدیدنظرخواهی ۱۵۲۶
- اجرای قواعد آیین دادرسی کیفری در موارد سکوت قانون خاص ۱۵۳۳
- ادله، اسناد و فن دفاع در پرونده‌های قاچاق ۱۵۳۸
- جایگاه نظریه کارشناسی مشورتی ۱۵۳۸
- اسناد مثبت گمرکی و حدود استناد به آنها ۱۵۴۲
- مهلت ده‌روزه ارائه اصل اسناد مثبت گمرکی ۱۵۴۸
- تمدید مهلت با عذر موجه ۱۵۵۲
- اسناد مثبت الکترونیکی و ملاک بودن داده سامانه‌ای ۱۵۵۶
- دفاع مبتنی بر فقدان سوءنیت ۱۵۶۲
- دفاع مبتنی بر قوه قاهره ۱۵۶۸
- دفاع مبتنی بر تعلق کالا به غیر و فقدان دخالت مالک ۱۵۷۸
- دفاع مبتنی بر اصالت، انطباق و سبق تحصیل اسناد گمرکی ۱۵۸۵
- اموال ناشی از قاچاق و تعیین تکلیف آنها ۱۵۹۰
- تحويل کالای مکشوفه و اموال توقیفی به سازمان جمع‌آوری و فروش اموال تملیکی ۱۵۹۰
- استثنای کالاهای ممنوع از قاعده تحويل عادی ۱۵۹۵
- کالاهای بلاصاحب، مجهول‌المالک یا متعلق به متواری ۱۶۰۰
- تحويل ارز مکشوفه به حساب تعیین‌شده از سوی بانک مرکزی ۱۶۰۳
- کالاهای سریع‌الفساد، سریع‌الاشتعال و کالاهای در معرض افت کمی و کیفی ۱۶۰۷
- فروش، حراج، مزایده و کاهش قیمت ۱۶۱۱
- امحاء کالاهای فاقد هرگونه قابلیت مصرف ۱۶۱۹
- واگذاری کالاهای خاص به دستگاه‌های تخصصی ۱۶۲۵
- استرداد عین، مثل یا قیمت کالا در فرض برائت ۱۶۳۲
- ادعای مالکیت شخص ثالث پیش از قطعیت رأی ۱۶۳۶

۱۶۴۰	ادعای مالکیت پس از قطعیت رأی
۱۶۴۴	مطالبه خسارت مدنی در فرض عدم وجود کالا
۱۶۴۸	مجازات‌های اصلی، تکمیلی و تبعی و نحوه اجرای آنها
۱۶۴۸	جزای نقدی
۱۶۵۴	ضبط کالا یا ارز قاچاق
۱۶۶۰	پرداخت معادل ارزش در فرض فقدان عین
۱۶۶۷	حبس و شلاق در موارد مقرر
۱۶۷۳	انفصال از خدمات دولتی
۱۶۷۹	تعلیق یا ابطال کارت بازرگانی و سایر مجوزها
۱۶۸۴	تعطیلی موقت یا دائم محل کسب و پیشه
۱۶۸۹	محرومیت از اشتغال به حرفه یا حرف خاص
۱۶۹۶	محرومیت از تأسیس شرکت یا عضویت در هیأت‌مدیره
۱۷۰۱	ممنوع‌الخروجی
۱۷۰۶	ضمانت‌اجراهای خاص شرکت‌ها و مؤسسات حمل‌ونقل
۱۷۱۳	ضبط وسیله نقلیه در موارد مقرر
۱۷۱۹	وصول جزای نقدی از وثیقه یا فروش اموال
۱۷۲۴	تبدیل جزای نقدی به حبس
۱۷۳۰	احکام ویژه وثیقه و آزادی وثیقه‌گذار



بخش سوم |
تشریفات گمرکی
و ترخیص کالا



فصل هفتم

ورود کالا، نگهداری، اظهار و رسیدگی گمرکی





◆ فصل هفتم: ورود کالا، نگهداری، اظهار و رسیدگی گمرکی

مفاهیم پایه و قلمرو تشریفات گمرکی

مفهوم اماکن گمرکی، مرجع تحویل گیرنده، ترخیص، ترخیصیه و تشریفات گمرکی

در نظام قانون امور گمرکی، این مفاهیم واژگان هم معنا نیستند، بلکه حلقه‌های متمایز یک زنجیره حقوقی واحد را تشکیل می‌دهند. نقطه عزیمت، «تشریفات گمرکی» است. قانون، تشریفات گمرکی را همه عملیات انجام شده در اجرای مقررات گمرکی می‌داند و در کنار آن، «مقررات گمرکی» را منحصر به متن قانون نمی‌شمارد، بلکه آیین‌نامه‌های اجرایی، دستورالعمل‌ها و بخشنامه‌هایی را نیز که نظارت یا اجرای آنها به گمرک سپرده شده، در همین قلمرو قرار می‌دهد. نتیجه عملی این تعریف آن است که تشریفات گمرکی صرفاً به تنظیم اظهارنامه، ارزیابی یا پرداخت حقوق ورودی فروکاسته نمی‌شود؛ هر اقدامی که در مسیر اعمال نظم گمرکی بر کالا و وسیله نقلیه صورت می‌گیرد، در صورت اتکا به مقررات معتبر، جزئی از تشریفات گمرکی است. از همین رو، برای وکیل، قاضی و کارشناس، تحلیل هر اختلاف گمرکی باید از تشخیص مرحله‌ای آغاز شود که کالا در آن مرحله قرار دارد و اینکه کدام تکلیف مقرراتی هنوز انجام نشده یا نادرست انجام شده است.

«اماکن گمرکی» نیز مفهومی صرفاً جغرافیایی یا مالکیتی نیست، بلکه وصفی کارکردی و نظارتی دارد. قانون، انبارها، باراندازها، اسکله‌ها، فرودگاه‌ها، ایستگاه‌های

راه‌آهن، محوطه‌ها و هر محل یا مکانی را که تحت نظارت گمرک و برای انباشتن و نگهداری کالا به‌منظور انجام تشریفات گمرکی به‌کار می‌رود، در شمار اماکن گمرکی قرار داده است؛ خواه این محل در قالب انبار گمرکی، انبار اختصاصی یا سردخانه عمومی رسمی اداره شود. بنابراین، معیار اصلی، مالکیت محل نیست، بلکه قرار گرفتن آن تحت نظارت گمرک و تخصیص آن به فرآیند قانونی نگهداری و کنترل کالا است. این مفهوم باید از «قلمرو گمرکی» تفکیک شود. قلمرو گمرکی، فضای حقوقی اعمال قانون امور گمرکی است، حال آنکه اماکن گمرکی، نقاط عملیاتی مشخصی هستند که کالا برای طی تشریفات در آنها متمرکز می‌شود. همچنین باید توجه داشت که «کالای گمرک‌نشده» هر کالایی است که تحت نظارت و کنترل گمرک قرار دارد اما تشریفات آن به‌طور کامل انجام نشده است؛ چنین کالایی غالباً در اماکن گمرکی توقف دارد، اما قانون مواردی مانند حمل یکسره و عبور داخلی را نیز می‌شناسد که در آنها کالا تحت نظارت گمرک است بی‌آنکه الزاماً در معنای متعارف، در انبار گمرکی تحویل و متوقف شده باشد. در مناطق آزاد تجاری - صنعتی و مناطق ویژه اقتصادی نیز اصل بر آن است که جز در مواردی که قانون امور گمرکی تصریح کرده، نحوه ورود و صدور، تحویل و تحول و نگهداری تابع قوانین خاص همان مناطق است؛ ازاین‌رو تسری خودکار قواعد سرزمین اصلی به آن مناطق خطاست.

در کنار این مفهوم، «مرجع تحویل‌گیرنده» قرار دارد که قانون آن را شخص حقوقی دارای مسئولیت قانونی یا قراردادی متکی به قانون برای تحویل گرفتن و نگهداری کالاهای مربوط به عموم اشخاص در اماکن گمرکی تعریف کرده است؛ با این تصریح که سازمان جمع‌آوری و فروش اموال تملیکی داخل در این عنوان نیست. همین تعریف نشان می‌دهد که مرجع تحویل‌گیرنده را نباید با خود گمرک یا با شرکت حمل‌ونقل یکی پنداشت. گمرک مرجع حاکمیتی کنترل و اعمال مقررات است؛ شرکت حمل‌ونقل متصدی رساندن کالا و تسلیم اسناد ورود است؛ اما مرجع تحویل‌گیرنده، حلقه میانی قانونی تحویل، نگهداری و تسلیم فیزیکی کالا در اماکن گمرکی است. در عمل، بسیاری از دعاوی به‌سبب خلط این سه نقش از مسیر

صحیح خارج می‌شود. اگر اختلاف ناظر به ورود کالا، مانیفست، اضافه یا کسر تخلیه پیش از تحویل باشد، قانون مسئولیت غالباً در قلمرو شرکت حمل و نقل و مرحله حمل و تخلیه جست‌وجو می‌شود؛ اما اگر بحث بر سر نگهداری، سلامت کالا، تحویل فیزیکی، یا تکالیف ناشی از توقف در انبار باشد، اصل بر آن است که مرجع تحویل‌گیرنده طرف تحلیل و در موارد مقتضی طرف دعوا یا موضوع کارشناسی باشد، نه صرفاً گمرک.

جایگاه مرجع تحویل‌گیرنده صرفاً شکلی نیست، بلکه قانون برای آن مجموعه‌ای از تکالیف ماهوی قرار داده است. اداره انبارهای گمرکی، رعایت مفاد قانون، حفظ و نگهداری کالا از هنگام تحویل گرفتن تا زمان تحویل دادن، بیمه کردن کالای موجود در انبارهای گمرکی در برابر خطرات ناشی از آتش‌سوزی، اشتعال و انفجار، و پاسخ‌گویی در قبال تلف یا آسیب کالا در مدت توقف، به‌جز در موارد قوه قاهره، عیب ذاتی کالا یا بدی بسته‌بندی، از مهم‌ترین آثار این جایگاه است. بنابراین، در پرونده‌های مطالبه خسارت، نخستین پرسش باید این باشد که خسارت در کدام مرحله از زنجیره ورود و تحت مسئولیت کدام بازیگر رخ داده است. این تفکیک برای تنظیم خواسته، تعیین خوانده، ارزیابی تقصیر و تدوین نظریه کارشناسی تعیین‌کننده است. خطای رایج آن است که هر آسیبی که کالا در محدوده بندر، فرودگاه یا انبار می‌بیند، بی‌درنگ به حساب «گمرک» گذاشته شود؛ حال آنکه قانون، مسئولیت نگهداری را قاعده‌تاً بر دوش مرجع تحویل‌گیرنده نهاده و گمرک را در جایگاه ناظر و مرجع اعمال حاکمیت نگاه داشته است.

«ترخیص» در معنای قانونی، خروج کالا از اماکن گمرکی پس از انجام تشریفات گمرکی مربوط است. از این تعریف دو نتیجه مهم به دست می‌آید. نخست آنکه ترخیص، خود تشریفات نیست، بلکه نقطه فرجام آنهاست؛ پس صرف ورود کالا، صدور قبض انبار، ثبت اظهارنامه، ارزیابی، یا حتی پرداخت وجوه، مادام که کالا از اماکن گمرکی خارج نشده و مقدمات قانونی کامل نشده، به معنای ترخیص نیست. دوم آنکه ترخیص لزوماً مترادف «ورود قطعی» نیست. قانون، در مبحث مرجوعی نیز از امکان اظهار و ترخیص کالا برای اعاده به خارج از کشور سخن

می‌گوید. به تعبیر دیگر، ترخیص مفهوم عام خروج قانونی کالا از اماکن گمرکی تحت یک رویه مجاز است، در حالی که ورود قطعی فقط یکی از رویه‌هایی است که ممکن است به ترخیص بینجامد. این نکته با تقسیم‌بندی ماده ۴۷ قانون روشن‌تر می‌شود: عملیات منتهی به صدور پروانه گمرکی در رویه‌های ورود قطعی، ورود موقت، ورود موقت برای پردازش، مرجوعی و عبور خارجی، «تشریفات قطعی گمرکی» شمرده شده و عبور داخلی «تشریفات غیرقطعی گمرکی» تلقی شده است. پس وصف «قطعی» در این اصطلاح، وصف تشریفات نسبت به همان اظهارنامه و همان رویه است، نه مترادف با مصرف داخلی یا ورود نهایی کالا به بازار کشور. این تمایز در تفسیر قراردادها، لوایح، آرای قضایی و نظریه‌های کارشناسی اهمیتی بنیادین دارد؛ زیرا بسیاری از اشتباهات از آنجا ناشی می‌شود که هر جا واژه ترخیص یا تشریفات قطعی دیده می‌شود، بی‌درنگ به ورود قطعی برای مصرف داخلی حمل می‌گردد.

در برابر «ترخیص»، «ترخیصیه» قرار دارد که از حیث مرجع صدور، کارکرد و اثر، نهادی کاملاً متفاوت است. قانون امور گمرکی، ترخیصیه را سندی می‌داند که به موجب آن شرکت حمل و نقل، اعم از کریر یا فورواردر، پس از احراز هویت، بلامانع بودن انجام تشریفات گمرکی توسط گیرنده کالا را به گمرک اعلام می‌کند. بنابراین ترخیصیه نه خود ترخیص است، نه پروانه گمرکی است و نه مجوز ورود یا مجوز ترخیص به معنای اداری آن. ترخیصیه در واقع اعلام موضع متصدی حمل نسبت به ذی‌نفعی است که می‌تواند تشریفات را پیگیری کند. اهمیت این سند در آیین‌نامه اجرایی نیز به‌خوبی منعکس شده است؛ زیرا در زمره اسناد اصلی الصاقی به اظهارنامه کالای ورودی آمده و حتی در فرض پذیرش استثنایی اظهارنامه با نقص بعضی اسناد نیز فقدان ترخیصیه از موارد اغماض‌پذیر شمرده نشده است. از این رو، در عمل، ترخیصیه حلقه لازم برای آغاز یا ادامه معتبر تشریفات اظهار در کالاهای ورودی است، اما داشتن آن هرگز به‌تنهایی به معنای استحقاق خروج کالا از اماکن گمرکی نیست. همچنین نباید آن را با «مجاز ترخیص» در ادبیات قانون مقررات صادرات و واردات خلط کرد؛ زیرا آن مجوز،



وصفی اداری برای موافقت با ورود از سوی وزارت صنعت، معدن و تجارت دارد، حال آنکه ترخیصیه سندی حملی - اجرایی از سوی شرکت حمل و نقل است. خلط این دو، در بسیاری از مکاتبات اداری و حتی برخی لوایح، منشأ استدلال نادرست می شود.

نسبت ترخیصیه با «صاحب کالای تجاری» نیز نشان می دهد که این سند، هرچند مهم است، به تنهایی منشأ سمت گمرکی کامل نیست. قانون، صاحب کالای تجاری را شخصی می داند که اسناد اصلی خرید و حمل به نام او صادر شده باشد و ترخیصیه نیز به نام او باشد، یا آنکه اسناد مزبور به نام وی ظهنویسی و صحت امضای واگذارکننده از سوی مقام صلاحیت دار گواهی شده باشد. از این تعریف برمی آید که سمت گمرکی لازم برای پیگیری تشریفات، از انطباق مجموعه ای از اسناد پدید می آید، نه از یک برگ منفرد. در نتیجه، کسی که صرفاً قرارداد خصوصی خرید دارد اما اسناد حمل و ترخیصیه هنوز به نام او تنظیم یا به او واگذار نشده، ممکن است ذی نفع اقتصادی کالا باشد، اما لزوماً صاحب کالا در مفهوم گمرکی نیست. این تفکیک در دعاوی الزام به تحویل اسناد، اعتراض به امتناع از پذیرش اظهار، و اختلافات ناشی از فروش حواله ای کالا اهمیت جدی دارد. وکیل باید پیش از هر اقدام، زنجیره اسناد را از حیث نام ذی نفع، ظهنویسی ها، و قابلیت انتساب به موکل خود بازسازی کند؛ وگرنه دعوا ممکن است پیش از ورود به ماهیت، در سطح احراز سمت متوقف شود.

با این ملاحظات، تشریفات گمرکی باید به صورت یک فرآیند ممتد دیده شود، نه یک عمل منفرد. این فرآیند در کالاهای ورودی از همان زمان ورود وسیله نقلیه به قلمرو گمرکی و تسلیم اظهارنامه اجمالی و فهرست کل بار آغاز می شود، با موافقت گمرک برای تخلیه و تحویل یا در موارد استثنایی با حمل یکسره و عبور داخلی ادامه می یابد، در مرحله اظهار و رسیدگی و کنترل و ارزیابی صورت حقوقی منسجم پیدا می کند، و سرانجام با صدور سند نهایی و خروج کالا از اماکن گمرکی پایان می پذیرد. چون قانون، بخشی از این عملیات را به «اشخاص ذی ربط» نیز منتسب کرده است، توقف در تشریفات همیشه معلول عمل یا

تصمیم گمرک نیست؛ گاه منشأ وقفه در ترخیصیه، در اسناد حمل، در مجوزهای تخصصی، در وضعیت صاحب کالا، در نگهداری و تحویل، یا در فرآیندهای بانکی و اداری خارج از گمرک نهفته است. تشخیص این نقطه توقف، برای تنظیم دادخواست الزام، خواسته ابطال تصمیم اداری، مطالبه خسارت، دفاع در پرونده انتظامی یا کیفری، و حتی برای تدوین نظریه کارشناسی، اهمیتی بیش از پرداختن زود هنگام به نتیجه دارد.

رویه قضایی دیوان عدالت اداری نیز مؤید همین تمایز بنیادی است که «موجود بودن کالا در اماکن گمرکی» وضعیتی حقوقی مستقل از «ترخیص» دارد و نمی‌توان آثار مترتب بر زمان ورود کالا به اماکن گمرکی را با آثار زمان ترخیص خلط کرد. این نکته، اگرچه در آن آراء در بستر اختلافات مالی و مقرراتی طرح شده، از حیث مفهومی نیز راهگشاست: ورود کالا به اماکن گمرکی، کالا را وارد مرحله‌ای از نظارت و حمایت و تکلیف می‌کند که با ترخیص پایان می‌یابد، نه اینکه همان لحظه، کالای آزادشده در بازار داخلی تلقی شود. بر همین مبنا، خطای رایج در عمل حرفه‌ای آن است که اماکن گمرکی به یک «انبار ساده»، مرجع تحویل‌گیرنده به یک «متصدی انبار»، ترخیصیه به یک «برگ ترخیص» و ترخیص به هر نوع «اجازه اقدام» فروکاسته شود. منطق قانون دقیق‌تر از این ساده‌سازی‌هاست: اماکن گمرکی، بستر نظارت و توقف قانونی‌اند؛ مرجع تحویل‌گیرنده، متولی قانونی تحویل و نگهداری است؛ ترخیصیه، اعلام بلامانع بودن پیگیری تشریفات از سوی متصدی حمل است؛ و ترخیص، خروج قانونی کالا از اماکن گمرکی پس از انجام تشریفات مربوط. هر تحلیلی که این ترتیب را به هم بزند، در تعیین سمت، تشخیص مسؤول، صورت‌بندی خواسته و ارزیابی دلیل، به خطا خواهد رفت.

اظهار کالا، اظهارکننده، روز اظهار و آثار ثبت اظهارنامه

در حقوق گمرکی ایران، «اظهار کالا» را باید از دو مفهوم نزدیک اما متفاوت جدا کرد: «اظهارنامه اجمالی» و «ترخیص». اظهارنامه اجمالی سند شرکت حمل‌ونقل است و فقط فهرست کلی محمولات وسیله نقلیه را در بدو ورود یا خروج اعلام می‌کند؛ نه از سوی صاحب کالا صادر می‌شود، نه رویه گمرکی مورد نظر او را



تعیین می‌کند و نه «روز اظهار» به معنای مقرر در قانون را پدید می‌آورد. در مقابل، مطابق بندهای «الف» و «ب» ماده (۱) قانون امور گمرکی، اظهار کالا اعلامی است که صاحب کالا یا نماینده قانونی او به وسیله آن رویه گمرکی مورد نظر خود را درباره کالا مشخص و اطلاعات لازم برای اجرای مقررات گمرکی را ارائه می‌کند. ترخیص نیز مفهومی متأخر است و به موجب همان ماده، فقط خروج کالا از اماکن گمرکی پس از انجام تشریفات گمرکی است. از این رو، خلط اظهار با مانیفست یا ترخیص، یکی از خطاهای رایج در تحلیل پرونده‌های گمرکی است؛ زیرا هر یک زمان، مرجع، کارکرد و آثار متفاوت دارند.

اهمیت اظهار از آنجاست که تشریفات ورودی اصولاً با آن آغاز می‌شود. هرچند قانون در تعریف عام، اظهار را «بیانیه کتبی یا شفاهی» می‌داند، ماده (۳۹) قانون امور گمرکی در قلمرو تشریفات عادی، قاعده را بر انجام تشریفات با تسلیم اظهارنامه از سوی صاحب کالا یا نماینده قانونی او قرار داده و فقط در مواد (۴۰) و (۴۱) موارد استثنایی را از تسلیم اظهارنامه معاف کرده است. در نتیجه، اظهار در مفهوم عملی و حرفه‌ای خود یک «عمل تشریفاتی سبب‌ساز» است: از یک سو رویه گمرکی را تعیین می‌کند و از سوی دیگر مبنای اعمال کنترل‌های بعدی، مطالبه مجوزها، سنجش انطباق اسناد، و رسیدگی مالی و فنی قرار می‌گیرد. به همین اعتبار، اظهار از «ارزیابی» نیز متمایز است؛ ارزیابی مرحله پس از پذیرش و ثبت اظهارنامه است، نه جزء مقوم خود اظهار. برای وکیل و قاضی، این تفکیک اهمیت اساسی دارد؛ زیرا بسیاری از ایرادهای مربوط به زمان تحقق حق، شروع مواعد، یا مشروعیت اقدامات گمرک، فقط با تعیین دقیق این نقطه آغازین قابل تحلیل است.

قانون، «اظهارکننده» را صاحب کالا یا نماینده قانونی او می‌شناسد و در اظهار الکترونیکی نیز شخصی را که به استناد گواهی رقومی تأییدشده از مراکز مجاز، اظهار را ثبت می‌کند، در همین جایگاه قرار می‌دهد. بنابراین در دعوایی که انتساب اظهار سامانه‌ای محل نزاع است، نقطه آغاز بررسی، احراز هویت دارنده گواهی رقومی و حدود نمایندگی اوست، نه صرفاً نام کاربری یا پیگیری‌های اداری

بعدی. با این حال، تبصره (۲) ماده (۳۹) قانون امور گمرکی مسئولیت صحت مندرجات اظهارنامه و اسناد تسلیمی را بر عهده صاحب کالا نهاده و تبصره (۲) ماده (۵) همان قانون نیز پرداخت حقوق ورودی، هزینه‌های انجام خدمات و جریمه‌های متعلق به ترخیص را متوجه او می‌داند. نتیجه عملی آن است که از دید گمرک، ورود نماینده یا کارگزار در فرایند اظهار، به خودی خود مسئولیت ماهوی صاحب کالا را زایل نمی‌کند. از همین رو، در تنظیم دفاع یا اعتراض، تکیه صرف بر خطای کارگزار یا نماینده، بدون پاسخ دادن به مسئولیت اصلی صاحب کالا نسبت به محتوا و آثار اظهار، معمولاً دفاعی کامل و کافی محسوب نمی‌شود. از حیث دقت در تنظیم اظهار، قانون و آیین‌نامه یک سازوکار پیشینی مهم در اختیار صاحب کالا گذاشته‌اند: امکان رؤیت کالا، توزین بسته‌ها، گشودن محتویات، نمونه‌برداری، خشک‌کردن کالا و حتی تعویض لفاف، پیش از تسلیم اظهارنامه و تحت نظارت گمرک. این امکان، یک امتیاز تشریفاتی بی‌اثر نیست؛ بلکه ابزار پیشگیری از اختلافات بعدی در تعرفه، نوع، جنس، مقدار و اوصاف کالا است. در روال متعارف نیز آیین‌نامه مقرر کرده است که صاحب کالا یا نماینده قانونی او پس از اطمینان از موجود بودن کالا، اظهارنامه را بر پایه اسناد مربوط تکمیل و تسلیم کند. واحد پذیرش، پیش از ثبت، کامل بودن اطلاعات و اسناد، نداشتن بدهی قطعی، صحت محاسبات، فقدان قلم‌خوردگی، احراز مالکیت، ارتباط اسناد با کالا و نیز مدارک نمایندگی را بررسی می‌کند و در صورت نقص، اظهارنامه را برای رفع نقص به اظهارکننده بازمی‌گرداند. پس تا وقتی این مرحله با پذیرش و ثبت عبور نکرده است، هنوز نباید کالا را از حیث حقوقی «اظهارشده» تلقی کرد. این نکته در عمل برای تشخیص زمان شروع آثار قانونی اظهار و نیز برای دفاع در برابر استناد به پیش‌نویس‌ها، بارگذاری‌های ناقص یا مکاتبات مقدماتی، کاملاً تعیین‌کننده است.

بند «ر» ماده (۱) قانون امور گمرکی، «روز اظهار» را زمانی می‌داند که اظهارنامه امضاشده، همراه اسناد مربوط، به صورت دستی یا رایانه‌ای به گمرک ارائه و شماره دفتر ثبت اظهارنامه به آن اختصاص یابد. آیین‌نامه اجرایی نیز همین معنا



را با دقت بیشتری اجرا کرده است: واحد پذیرش پس از اطمینان از کامل بودن اسناد و مندرجات، مشخصات اظهارنامه را در دفتر ثبت یا رایانه وارد و شماره ثبت را با قید تاریخ در متن اظهارنامه درج می‌کند. بنابراین روز اظهار نه تاریخ ورود کالا به اماکن گمرکی است، نه تاریخ صدور قبض انبار، نه زمان صرف درج اولیه اطلاعات در سامانه، و نه روز امضای پروانه؛ بلکه تاریخی است که اظهارنامه از مرحله تهیه و رفع نقص عبور کرده و به ثبت رسمی می‌رسد. برای وکلا و کارشناسان، این تفکیک در پرونده‌هایی که اختلاف بر سر تغییر سال مالی، تغییر نرخ ارز، یا تعارض میان مقررات سابق و لاحق دارند، اهمیت بنیادین دارد؛ زیرا کوچک‌ترین خلط میان این تاریخ‌ها می‌تواند نتیجه دعوا را تغییر دهد.

اثر نخست ثبت اظهارنامه آن است که کالا از نظر حقوقی «اظهارشده» تلقی می‌شود. آیین‌نامه تصریح دارد که با تخصیص شماره ثبت و درج آن در متن اظهارنامه، کالا اظهارشده شناخته می‌شود و اظهارنامه تحت همان شماره ثبت‌شده شناسایی می‌گردد. از این لحظه، اسناد به اظهارنامه ضمیمه و مهر و موم می‌شود، پرونده وارد گردش رسمی می‌گردد و اظهارنامه به سرویس ارزیابی ارسال می‌شود. همچنین تصریح شده است که از این پس اظهارنامه نباید از اختیار مأموران گمرک خارج شود. این حکم، فقط یک دستور اداری داخلی نیست؛ اثر اثباتی مهمی نیز دارد. در بسیاری از اختلافات، ملاک اصلی، همان پرونده ثبت‌شده و اسناد ضمیمه و ممهور آن است، نه اوراق پراکنده‌ای که بعداً ارائه می‌شود یا توضیحاتی که پس از آغاز رسیدگی مطرح می‌گردد. از حیث حرفه‌ای، هر ادعایی درباره تغییر مندرجات، الحاق یا حذف سند، یا اختلاف میان نسخه‌های موجود، باید با رجوع به همین پرونده ثبت‌شده سنجیده شود.

اثر دوم ثبت اظهارنامه، پایان یافتن اختیار آزاد اظهارکننده در اصلاح یا تغییر مندرجات است. آیین‌نامه به صراحت مقرر کرده است که پیش از این مرحله، صاحب کالا حق هرگونه اصلاح یا تغییر در اظهارنامه را دارد؛ مفهوم مخالف این حکم آن است که پس از ثبت، این اختیار آزاد از میان می‌رود. البته این به معنای انسداد مطلق راه اصلاح نیست. قانون و آیین‌نامه در موارد خاص راه‌های

محدود و ضابطه‌مند اصلاح را باز گذاشته‌اند: تغییر عنوان اظهارنامه با شرایط ماده (۴۶) قانون، اصلاح اختلافات فاقد زیان مالی دولت با رعایت ماده (۶۸) آیین‌نامه، و استرداد اضافه‌پرداختی در فرض «اظهار به زیان خود» موضوع ماده (۶۹) آیین‌نامه. اما تفاوت اساسی در اینجاست که پس از ثبت، اصلاح دیگر حق نامقید اظهارکننده نیست؛ بلکه امری استثنایی، مستند و تابع تشخیص قانونی گمرک. این نکته در عمل باید از همان آغاز پرونده دیده شود: کسی که بدون اطمینان کافی اظهار می‌کند، پس از ثبت، دیگر در موقعیت پیشین برای بازنویسی آزاد مفاد اظهارنامه قرار ندارد.

ثبت اظهارنامه علاوه بر آثار ماهوی، آثار مهم ابلاغی و آیینی نیز ایجاد می‌کند. ماده (۱۰۲) قانون امور گمرکی مقرر می‌دارد که ابلاغ هر نوع صورتمجلس ضبط، توقیف کالا، کشف تخلف یا قاچاق به شخصی که به وکالت از طرف صاحب کالا اظهارنامه را تسلیم کرده و صورتمجلس در نتیجه رسیدگی به همان اظهارنامه تنظیم شده است، به منزله ابلاغ به صاحب کالا است. ماده (۱۳۷) نیز گمرک را مکلف کرده مطالبه‌نامه کسر دریافتی را به صاحب کالا و در صورت عدم دسترسی، به وکیل یا نماینده او به نشانی مندرج در اظهارنامه ابلاغ کند و تصریح نموده که ابلاغ به نماینده، ولو نمایندگی او محدود به ترخیص کالا باشد، قاطع مرور زمان شش‌ماهه است. افزون بر این، ماده (۱۵۲) اقامتگاه صاحب کالا یا نماینده قانونی او را همان نشانی مندرج در اظهارنامه یا تقاضانامه می‌شناسد مگر آنکه فوراً تغییر نشانی اعلام شود. در نتیجه، اظهارنامه فقط سند اعلام مشخصات کالا نیست؛ سند تعیین نشانی قانونی، مسیر ابلاغ و حتی حفظ یا قطع مواعد نیز هست. برای وکیل دادگستری، بی‌اعتنایی به نشانی مندرج در اظهارنامه یا بی‌توجهی به حدود نمایندگی اعلام‌شده، می‌تواند به از دست رفتن مهلت‌های اعتراض یا دفاع بینجامد.

«روز اظهار» یک تاریخ صرفاً اداری هم نیست؛ در پاره‌ای از آثار مالی، تاریخ معیار است. ماده (۱۴) قانون امور گمرکی ارزش گمرکی کالای ورودی را بر اساس بهای خرید به‌اضافه هزینه‌های تا اولین دفتر گمرکی و بر مبنای برابری نرخ ارز اعلام‌شده توسط بانک مرکزی در روز اظهار تعیین می‌کند. پس میان روز اظهار و



שלום רב
שלום רב





حقوق تجارت خارجی امور گمرکی و تعهدات ارزی

ویژه قضات، وکلا، کارشناسان، ضابطین قضایی و بازرگانان

جلد چهارم: حقوق تعهدات ارزی (تعهدات ارزی وارداتی و مابه التفاوت نرخ ارز)

محمد مسعود یوسفی

(وکیل دادگستری، متخصص دعاوی ارزی، گمرکی و جرایم اقتصادی)



-----	سرشناسه:
-----	عنوان و نام پدیدآور:
دادبانان دانا، ۱۴۰۵	مشخصات نشر:
----- ص.	مشخصات ظاهری:
شابک جلد چهارم: ۹-۶-۱۹۵۵۱-۶۲۲-۹۷۸ و شابک دوره ۱-۲-۱۹۵۵۱-۶۲۲-۹۷۸	شابک:
فیپا	وضعیت فهرست نویسی:
-----	یادداشت:
-----	موضوع:
-----	موضوع:
-----	موضوع:
یوسفی، محمد مسعود ---- نویسنده	شناسه افزوده:
شورای گفتگوی دولت و بخش خصوصی	شناسه افزوده:
مرکز نوآوری و شتابدهی صادرات اتاق ایران	شناسه افزوده:
HD --/--	رده بندی کنگره:
---/--	رده بندی دیویی:
-----	شماره کتاب شناسی ملی:



شورای گفتگوی دولت و بخش خصوصی



مرکز نوآوری و شتابدهی صادرات اتاق ایران

دوره جامع و کاربردی حقوق تجارت خارجی؛ امور گمرکی و تعهدات ارزی (ویژه قضات، وکلا، کارشناسان، ضابطین قضایی و بازرگانان)	نام کتاب:
محمد مسعود یوسفی (وکیل دادگستری، متخصص دعاوی ارزی، گمرکی و جرایم اقتصادی)	نویسندگان:
شورای گفتگوی دولت و بخش خصوصی و مرکز نوآوری و شتابدهی صادرات اتاق ایران	با همکاری:
-----	ویراستار:
۱۰۰۰	شمارگان:
۲،۰۰۰،۰۰۰ تومان	قیمت:
اول؛ تابستان ۱۴۰۵	نوبت چاپ:
دادبانان دانا	انتشارات:

رَجَالٌ لَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ
الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ

مردانی که تجارت و داد و ستد آنان را از یاد خدا و برپا داشتن
نماز و پرداخت زکات باز نمی‌دارد، [و] پیوسته از روزی که دل‌ها و
دیده‌ها در آن زیر و رو می‌شود، می‌ترسند.

سوره نور-آیه ۳۷

**تقدیم به فعالین کسب‌وکار این مرز و بوم، که همواره
این آیه شریفه سرلوحه کسب‌وکارشان بوده است.**

فهرست مطالب



بخش پنجم

◆ تعهدات ارزی و دعاوی بانکی	۱۷
◆ فصل یازدهم: مفهوم ارز و جایگاه آن در نظام حقوقی ایران	۱۹
مفهوم شناسی ارز	۲۱
مفهوم لغوی ارز	۲۱
مفهوم اقتصادی ارز	۲۳
مفهوم حقوقی ارز	۲۷
تمایز ارز از پول ملی	۳۰
تمایز ارز از اسکناس خارجی و دارایی ارزی	۳۴
انواع ارز	۳۷
ارز نقدی و حواله‌ای	۳۷
ارز بانکی و غیربانکی	۴۱
ارز رسمی، ترجیحی، سامانه‌ای، توافقی و بازار آزاد	۴۴
ارز حاصل از صادرات	۵۰
ارز با منشأ داخلی و خارجی	۵۵
جایگاه ارز در نظام اقتصادی و حقوق عمومی	۵۹
ارز به عنوان ابزار مبادله بین‌المللی	۵۹
ارز به عنوان موضوع سیاست‌گذاری عمومی	۶۴
ارز و نظم عمومی اقتصادی	۶۷
نقش دولت و بانک مرکزی در تنظیم بازار ارز	۷۱
◆ فصل دوازدهم: منابع و اصول حاکم بر حقوق ارزی	۷۹
منابع حقوق ارزی	۸۱
قوانین اصلی	۸۱
آیین‌نامه‌ها و تصویب‌نامه‌ها	۸۶

۹۴	بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌های بانک مرکزی
۱۰۰	رویه قضایی و آرای دیوان عدالت اداری
۱۰۵	عرف بانکی و تجاری
۱۱۰	اصول حاکم بر حقوق ارزی
۱۱۰	اصل حاکمیت قانون
۱۱۶	اصل حاکمیت اراده و حدود آن
۱۲۰	اصل لزوم قراردادهای
۱۲۶	اصل نظارت دولت بر جریان ارز
۱۳۱	اصل شفافیت منشأ ارز
۱۳۹	اصل بازگشت ارز
۱۴۴	اصل مصرف ارز در محل تخصیص
۱۵۱	اصل تبعیت از مقررات آمره پولی و بانکی
۱۵۷	چالش‌های بنیادین
۱۵۷	تعارض قرارداد خصوصی با مقررات آمره
۱۶۴	تعارض حقوق مکتسبه با سیاست‌های جدید ارزی
۱۷۰	تعارض ثبات قراردادی با نوسانات شدید ارزی
۱۷۴	مسئله امنیت حقوقی و اعتماد مشروع
۱۸۱	♦ فصل سیزدهم: مفهوم، اقسام و ماهیت تعهدات ارزی
۱۸۳	تعریف و ارکان تعهد ارزی
۱۸۳	مفهوم تعهد ارزی
۱۸۷	متعهد، متعهدله و موضوع تعهد
۱۹۳	منشأ تعهد ارزی
۱۹۹	تعهد ارزی به‌عنوان تعهد اصلی یا تبعی
۲۰۳	اقسام تعهدات ارزی
۲۰۳	تعهدات ارزی قراردادی

۲۰۸	تعهدات ارزی قانونی و مقرراتی
۲۱۴	تعهدات ناشی از ثبت سفارش و تخصیص ارز
۲۱۹	تعهدات ناشی از صادرات
۲۲۳	تعهدات ناشی از تسهیلات، ضمانت‌نامه‌ها و اعتبارات اسنادی
۲۳۰	ماهیت حقوقی تعهد ارزی
۲۳۰	تعهد به پرداخت ارز یا تعهد به تأمین ارز
۲۳۶	تعهد به عین ارز یا معادل ریالی
۲۳۹	تعهد ارزی به عنوان دین پولی یا مال مثلی
۲۴۶	تعهد به وسیله یا تعهد به نتیجه
۲۵۲	آثار نوسانات نرخ ارز بر ماهیت تعهد
۲۵۹	❖ فصل چهاردهم: شیوه‌های جابه‌جایی ارز در نظام رسمی
۲۶۱	روش‌های بانکی و تجاری انتقال ارز
۲۶۱	اعتبار اسنادی
۲۶۶	برات اسنادی و وصولی اسنادی
۲۷۲	حواله ارزی
۲۷۹	فروش اسکناس
۲۸۶	تهاتر و روش‌های جایگزین
۲۹۵	تحلیل حقوقی هر روش
۲۹۵	مبنای تعهد در اعتبار اسنادی
۲۹۹	مبنای تعهد در برات و وصولی
۳۰۵	مبنای تعهد در حواله
۳۰۹	آثار اثباتی و دعوایی هر روش
۳۱۷	ریسک‌های بانکی و حقوقی هر روش
۳۲۴	اختلافات ناشی از ابزارهای جابه‌جایی ارز
۳۲۴	اختلاف در کارسازی

اختلاف در وصول	۳۳۲
اختلاف در انطباق اسناد	۳۴۱
اختلاف در کارمزد و هزینه انتقال	۳۵۰
اختلاف در زمان انتقال و آثار تأخیر	۳۵۹
♦ فصل پانزدهم: مرکز مبادله ارز و طلای ایران	۳۷۱
جایگاه حقوقی مرکز مبادله	۳۷۳
مبنای مقرراتی مرکز مبادله	۳۷۳
نسبت مرکز مبادله با بانک مرکزی	۳۷۸
نقش مرکز مبادله در بازار ارز تجاری	۳۸۱
بازیگران مرکز مبادله	۳۸۶
متقاضی خرید	۳۸۶
متقاضی فروش	۳۹۰
مؤسسات اعتباری	۳۹۶
صادرکنندگان	۴۰۲
واردکنندگان	۴۰۷
فرایند معامله در مرکز مبادله	۴۱۳
ثبت مجوز خرید	۴۱۳
ثبت مجوز فروش	۴۱۸
معامله مستقیم	۴۲۳
معامله غیر مستقیم	۴۳۱
کارسازی ارز	۴۳۷
تأیید دریافت ارز	۴۴۲
اثر معامله بر رفع تعهد صادرکننده و واردکننده	۴۴۶
دعاوی و اختلافات مرکز مبادله	۴۵۴
اختلاف در تحقق معامله	۴۵۴

اختلاف در کارسازی	۴۵۹
اختلاف در تأیید دریافت ارز	۴۶۶
اختلاف در نقش و مسئولیت مؤسسه اعتباری	۴۷۲
اختلاف در رفع تعهد ناشی از مرکز مبادله	۴۷۹
♦ فصل شانزدهم: ساختار حقوقی واردات و تخصیص ارز	۴۸۹
ساختار حقوقی واردات	۴۹۱
ثبت سفارش	۴۹۱
ثبت آماری	۴۹۶
ثبت خدمت	۵۰۲
مجوزهای قانونی	۵۰۷
نقش وزارت صمت، گمرک، بانک عامل و بانک مرکزی	۵۱۱
منشأ و محل تأمین ارز واردات	۵۱۷
منابع بانک مرکزی	۵۱۷
ارز حاصل از صادرات خود	۵۲۴
ارز حاصل از صادرات دیگران	۵۲۹
منابع ارزی واردکننده	۵۳۶
منابع ارزی دیگران	۵۴۴
تهاتر	۵۵۰
مرکز مبادله	۵۵۴
آثار حقوقی تأمین ارز	۵۶۰
کد تخصیص ارز	۵۶۰
تعهدات ناشی از تأمین ارز	۵۶۴
نقش منشأ ارز در دعاوی	۵۷۰
آثار تأمین ارز بر رفع تعهد	۵۷۷

۵۸۳	◆ فصل هفدهم: تعهدات ارزی وارداتی و رفع تعهد وارداتی
۵۸۵	ماهیت تعهدات وارداتی
۵۸۵	تعهد به مصرف ارز در محل تخصیص
۵۹۲	تعهد به ورود کالا
۵۹۸	تعهد به انجام خدمت
۶۰۴	تعهد به ارائه اسناد
۶۰۹	تعهد به رفع تعهد نزد بانک عامل
۶۱۵	رفع تعهد وارداتی
۶۱۵	مبنای حقوقی رفع تعهد
۶۲۰	رفع تعهد از طریق پروانه گمرکی
۶۲۸	رفع تعهد با اسناد جایگزین
۶۳۳	رفع تعهد در واردات خدمت
۶۳۸	رفع تعهد در پرونده‌های خاص
۶۴۴	رفع تعهد در مرکز مبادله
۶۴۹	اختلافات رایج در رفع تعهد وارداتی
۶۴۹	عدم انطباق اسناد
۶۵۵	کسر تخلیه
۶۶۰	متروکه
۶۶۸	اختلاف در ارزش
۶۷۳	تأخیر در ترخیص
۶۷۹	عدم پذیرش اسناد توسط بانک عامل
۶۸۵	◆ فصل هجدهم: مهلت‌ها، تمدیدها و آثار انقضای مهلت در واردات
۶۸۷	مهلت‌های قانونی و مقرراتی
۶۸۷	مهلت واردات
۶۹۵	مهلت ارائه اسناد

۷۰۱	مهلت رفع تعهد
۷۰۴	مهلت پرداخت مابه‌التفاوت
۷۰۹	تمدید مهلت
۷۰۹	مبنای تمدید
۷۱۵	مرجع تمدید
۷۱۹	تمدیدهای عمومی
۷۲۶	تمدیدهای موردی
۷۲۶	آثار حقوقی تمدید
۷۳۲	آثار انقضای مهلت
۷۳۲	لغو تطبیق
۷۳۶	عدم رفع تعهد
۷۴۰	فعال‌شدن مطالبه مابه‌التفاوت
۷۴۵	منع تخصیص و تأمین ارز آتی
۷۴۹	ارجاع به تعزیرات یا مرجع کیفری
۷۵۵	❖ فصل نوزدهم: گروه کالایی و آثار آن در واردات و ارز
۷۵۷	مفهوم گروه کالایی
۷۵۷	تعریف گروه یا اولویت کالایی
۷۵۹	تمایز گروه کالایی از کد تعرفه
۷۶۳	تمایز گروه کالایی از نرخ ارز
۷۶۶	آثار حقوقی گروه کالایی
۷۷۲	تعیین و تغییر گروه کالایی
۷۷۲	ضوابط تعیین گروه کالایی
۷۷۷	ضوابط تغییر گروه کالایی
۷۸۳	مرجع صالح برای تغییر گروه
۷۸۸	فرایند تغییر گروه

۷۹۳	اعمال سامانه‌ای تغییر گروه
۸۰۰	دعای مرتبط با گروه کالایی
۸۰۰	اعتراض به اصل تغییر گروه
۸۰۸	دعای اصلاح ثبت سفارش
۸۱۴	دعای اصلاح گواهی ثبت آماری
۸۲۳	دعای آثار مالی تغییر گروه
۸۳۵	دعای الزام به اعمال گروه صحیح
۸۴۳	♦ فصل بیستم: مابه‌التفاوت نرخ ارز در واردات
۸۴۵	مفهوم و ماهیت مابه‌التفاوت
۸۴۵	تعریف مابه‌التفاوت نرخ ارز
۸۴۸	ماهیت حقوقی مابه‌التفاوت
۸۵۲	مابه‌التفاوت به‌عنوان درآمد عمومی یا ضمانت اجرای تنظیم‌گرانه
۸۵۵	موارد پرداخت مابه‌التفاوت
۸۵۵	ارز ترجیحی و ارز مرجع
۸۵۹	تأخیر در ترخیص
۸۶۴	فروش مجدد ارز در مرکز مبادله
۸۶۸	عدم رعایت قیمت‌گذاری و توزیع
۸۷۶	مابه‌التفاوت علی‌الحساب و قطعی
۸۸۲	معافیت‌ها و روش‌های معافیت
۸۸۲	معافیت ناشی از تسویه قبلی
۸۸۷	معافیت ناشی از منشأ ارز شخصی
۸۹۳	معافیت ناشی از قراردادهای خاص
۸۹۷	معافیت‌های بخشی و موضوعی
۹۰۲	معافیت ناشی از تمدید مهلت
۹۰۶	اخذ تأییدیه سازمان حمایت یا دستگاه تخصصی

۹۱۱	 دعاوی مربوط به مابه‌التفاوت
۹۱۱	 دعاوی اعتراض به اصل مطالبه
۹۱۶	 دعاوی اعتراض به میزان محاسبه
۹۲۲	 دعاوی رفع تعهد و آزادسازی وثایق
۹۲۸	 دعاوی ابطال بخشنامه یا مقررہ
۹۳۴	 دعاوی خسارت ناشی از مطالبه غیرقانونی
۹۴۱	 ♦ فصل بیست و یکم: دعاوی حقوقی وارداتی
۹۴۳	 دعاوی قراردادی و بانکی
۹۴۳	 دعاوی الزام به کارسازی ارز
۹۴۸	 دعاوی استرداد وجوه
۹۵۳	 دعاوی مطالبه خسارت
۹۶۲	 دعاوی علیه صرافی و واسطه
۹۶۹	 دعاوی علیه بانک عامل
۹۷۹	 دعاوی اداری وارداتی
۹۷۹	 اعتراض به عدم پذیرش رفع تعهد
۹۸۵	 اعتراض به مطالبه مابه‌التفاوت
۹۹۱	 اعتراض به گروه کالایی
۹۹۵	 اعتراض به عدم اعمال اصلاح ثبت سفارش
۱۰۰۰	 اعتراض به امتناع از آزادسازی وثایق
۱۰۰۸	 ادله و خواسته‌ها در دعاوی وارداتی
۱۰۰۸	 خواسته‌نویسی
۱۰۱۷	 بهای خواسته
۱۰۲۱	 اسناد بانکی
۱۰۲۹	 اسناد گمرکی
۱۰۳۷	 داده‌های سامانه‌ای
۱۰۴۵	 کارشناسی

۱۰۵۵	◆ فصل بیست و دوم: تخلفات، تعزیرات و جرایم وارداتی
۱۰۵۷	تخلفات وارداتی
۱۰۵۷	عدم مصرف ارز در محل تخصیص
۱۰۶۴	عدم ارائه اسناد لازم
۱۰۷۲	عدم رفع تعهد
۱۰۸۰	استفاده از کارت یا ساختار غیر مجاز
۱۰۸۶	مغایرت اسناد و کالا
۱۰۹۳	تعزیرات وارداتی
۱۰۹۳	مبنای تعزیراتی
۱۰۹۹	آثار لغو تطبیق
۱۱۰۳	شکایت وفق ماده ۱۰ قانون تعزیرات
۱۱۰۹	صلاحیت سازمان تعزیرات
۱۱۱۳	دفاعیات تعزیراتی
۱۱۲۲	جرایم وارداتی
۱۱۲۲	قاچاق ارز در بستر واردات
۱۱۲۸	اسناد خلاف واقع
۱۱۳۶	بیش اظهاری و صوری سازی
۱۱۴۳	عدم رفع تعهد وارداتی و وصف کیفری
۱۱۵۰	مرز تخلف اداری و جرم
۱۱۵۸	فن دفاع در پرونده های وارداتی



بخش پنجم ا
تعهدات ارزی
و دعاوی بانکی



فصل یازدهم

مفهوم ارزش و جایگاه آن در نظام حقوقی ایران



◆ فصل یازدهم: مفهوم ارز و جایگاه آن در نظام حقوقی ایران

مفهوم‌شناسی ارز

مفهوم لغوی ارز

ارز، در زبان فارسیِ حقوقی و بازرگانی امروز ایران، در معنای متعارف خود به پول خارجی گفته می‌شود؛ یعنی پولی که در کشور دیگری عنوان پول رایج دارد و در روابط مالی، بانکی و تجاری می‌تواند موضوع خرید، فروش، انتقال، نگهداری و تسویه باشد. از این حیث، هرگاه در ادبیات واردات از تأمین ارز، انتقال ارز، رفع تعهد ارزی یا قاچاق ارز سخن گفته می‌شود، مراد صرفاً «ارزش» به معنای عام یا «قیمت» یک کالا نیست، بلکه موضوعی معین از جنس پول بیگانه است که در برابر پول رسمی ایران قرار می‌گیرد. همین استعمال رایج است که در قوانین و مقررات، صورت‌بندی فنی‌تری یافته است.

سیر استعمال تقنینی این واژه نیز همین معنا را تأیید می‌کند. در متون قدیم‌تر، به‌جای «ارز» بیشتر از تعبیر «اسعار خارجی» استفاده شده است. قانون راجع به معاملات اسعار خارجی مصوب ۱۳۱۴ از «خرید، فروش، واگذاری و هر نوع معامله مربوط به اسعار خارجی» سخن می‌گوید و نقود خارجی فلزی یا کاغذی را اسعار می‌شمرد. چند دهه بعد، قانون راجع به واگذاری معاملات ارزی به بانک ملی ایران مصوب ۱۳۳۶ واژه «ارز» را در همان قلمرو به کار می‌گیرد و آن را منحصر به اسکناس نمی‌داند، بلکه از ارز «اعم از اسکناس و چک و حواله و

غیره «یاد می‌کند. در مقررات متأخر نیز این پیوستگی زبانی باقی مانده و حتی تعبیر «ارزهای» اسعار (خارجی) به‌صراحت به کار رفته است. بنابراین، «ارز» در زبان حقوقی امروز ایران را باید ترجمان نوتر و رایج‌تر همان «اسعار خارجی» در ادبیات تقنینی قدیم دانست.

در نتیجه، از نظر لغوی کاربردی، ارز مفهومی فراتر از اسکناس فیزیکی دارد، هرچند هسته اصلی آن همچنان پول رایج خارجی است. تعریف قانونی جدید نیز دقیقاً بر همین هسته عرفی بنا شده و ارز را شامل اسکناس، مسکوکات، حوالجات ارزی و اسناد مکتوب یا الکترونیکی قابل استفاده در مبادلات مالی می‌داند. با این همه، در نگارش حقوقی باید از یک تسامح رایج پرهیز کرد: «ارز» غیر از «نرخ ارز» است. آنچه موضوع تعهد، معامله یا دعواست، خود ارز است؛ اما نرخ ارز صرفاً شاخص برابری یا مبنای محاسبه و تسعیر آن در برابر ریال به شمار می‌رود. قانون فعلی بانک مرکزی نیز وقتی از «برابری پول‌های خارجی نسبت به ریال» و «نرخ خرید و فروش ارز» سخن می‌گوید، همین تفکیک را مفروض گرفته است. اهمیت این دقت زبانی در عمل حرفه‌ای کمتر از اهمیت آن در بحث نظری نیست. در قرارداد، دادخواست، لایحه و نظریه کارشناسی، باید میان «ارز» به عنوان موضوع اصلی تعهد یا دعوا، «ابزار ارزی» مانند اسکناس، حواله، حساب یا سند الکترونیکی به عنوان صورت تحقق آن، و «نرخ ارز» به عنوان مبنای تقویم یا تسعیر، تفکیک روشن برقرار شود. خلط این سه لایه، هم در پرونده‌های وارداتی و بانکی سبب ابهام در موضوع تعهد می‌شود و هم در دادرسی، خواسته را مخدوش می‌کند. برای نمونه، در دعاوی مطالبه پول خارجی، مبلغ ریالی‌ای که برای تقویم بهای خواسته درج می‌شود، بدل از خواسته نیست؛ خواسته همچنان همان ارز مورد مطالبه است و دادگاه نیز باید مطابق همان موضوع حکم دهد. از همین رو، از منظر این فصل، مفهوم لغوی ارز را باید «پول رایج خارجی در معنای قابل دادوستد و انتقال در روابط مالی» دانست؛ مفهومی پایه که شرح اقتصادی، حقوقی و اقسام آن در مباحث بعدی خواهد آمد.



مفهوم اقتصادی ارز

ارز در مفهوم اقتصادی، محصول طبیعی تکثر واحدهای پولی در جهان است. تا زمانی که هر اقتصاد ملی پول خاص خود را دارد، هر رابطه مالی فرامرزی ناگزیر از ابزاری است که قدرت خرید را از قلمرو یک پول ملی به قلمرو پولی دیگر منتقل کند. این ابزار همان ارز است. از این منظر، ارز نه صرفاً نام چند پول مشهور مانند دلار و یورو، بلکه صورت خاصی از قدرت خرید برون مرزی است که به اشخاص امکان می‌دهد ثمن کالا، بهای خدمات، هزینه حمل و بیمه، اقساط تسهیلات، کارمزد بانکی یا هر دین خارجی را در محیطی خارج از نظام پول ملی خود ایفا کنند.

بنابراین، ارز پیش از آنکه یک عنوان حقوقی باشد، یک واقعیت اقتصادی است: پول غیرملی پذیرفته شده یا طلبی که بی‌درنگ به چنین پولی قابل وصول باشد. در تجارت خارجی، بازرگان معمولاً به دنبال تحویل چند برگ اسکناس نیست؛ او می‌خواهد به فروشنده خارجی امکان وصول ثمن را بدهد. واردکننده‌ای که برای پرداخت بهای کالا یورو یا دلار تأمین می‌کند، در حقیقت قدرت پرداخت در قلمرو پولی طرف خارجی را تحصیل می‌کند، نه صرفاً چند قطعه اسکناس. همین نکته، کلید فهم بخش مهمی از اختلافات بانکی و ارزی است؛ زیرا موضوع اقتصادی تعهد ارزی در بسیاری از موارد «دسترسی به قدرت خرید خارجی» است، نه «تحویل فیزیکی پول خارجی».

مفهوم اقتصادی ارز همواره نسبی است و بدون تعیین پول مرجع فهم نمی‌شود. آنچه برای اقتصاد ایران ارز شمرده می‌شود، از منظر اقتصادی همان پولی است که بیرون از واحد پول ملی ایران قرار دارد. این برداشت با ساختار حقوقی کنونی نیز سازگار است؛ زیرا مطابق ماده ۵۸ قانون بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، واحد پول کشور ریال است و تبصره ۱ همان ماده، برابری پول‌های خارجی نسبت به ریال و نرخ خرید و فروش ارز را به سازوکار قانونی بانک مرکزی پیوند می‌زند. در نتیجه، ارز در تحلیل اقتصادی ایران، هر نوع قدرت خریدی است که در قالب پولی غیر از ریال عمل می‌کند؛ خواه این قدرت خرید در

قالب وجه نقد، خواه در قالب مانده حساب، حواله یا طلب قابل انتقال باشد. از همین جا روشن می‌شود که ارز را نباید با اسکناس خارجی خلط کرد. اسکناس فقط یکی از مظاهر مادی ارز است و در اقتصاد معاصر، بخش عمده گردش ارزی اصلاً با جابه‌جایی فیزیکی اسکناس انجام نمی‌شود. سپرده‌های ارزی، حواله‌ها، مانده حساب‌ها، دستورهای پرداخت و مطالبات نزدیک به نقد که به پول خارجی قابل وصول‌اند، همه از حیث اقتصادی بخشی از واقعیت ارزی را تشکیل می‌دهند. اینکه بند «پ» ماده ۱ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، ارز را اعم از اسکناس، مسکوکات، حوالجات ارزی و سایر اسناد مکتوب یا الکترونیکی دارای کارکرد در مبادلات مالی دانسته، در واقع بازتاب همین فهم اقتصادی است؛ فهمی که ارز را به برگ اسکناس فرو نمی‌کاهد و دامنه آن را تا اشکال بانکی و الکترونیکی انتقال ارزش گسترش می‌دهد.

ارز در اقتصاد، چهار کارکرد کلاسیک پول را در سطح برون‌مرزی بر عهده می‌گیرد. نخست، وسیله مبادله است؛ زیرا پرداخت‌های بین‌المللی بدون وجود واحدی که فروشنده یا طلبکار خارجی آن را بپذیرد، عملی نمی‌شود. دوم، واحد سنجش و قیمت‌گذاری است؛ زیرا در قراردادهای وارداتی و خدمات بین‌المللی، ثمن، کرایه حمل، حق بیمه، کارمزد بانکی و هزینه‌های جانبی غالباً به ارز بیان می‌شود تا طرفین بر مبنای مشترکی از ارزش توافق کنند. سوم، ذخیره ارزش است؛ زیرا بنگاه یا شخص، ارز را برای حفظ قدرت خرید، پوشش ریسک کاهش ارزش پول داخلی یا نگهداری نقدینگی قابل مصرف در خارج تحصیل و نگهداری می‌کند. چهارم، ابزار انتقال سرمایه و تسویه دیون است؛ یعنی وسیله‌ای برای جابه‌جایی ارزش میان دو حوزه پولی. هرچه یک پول خارجی نقدشونده‌تر، مقبول‌تر و قابل انتقال‌تر باشد، کارکرد ارزی آن در عمل قوی‌تر است و به همین سبب، همه پول‌های خارجی از حیث کارکرد اقتصادی، وزن و نقش یکسانی ندارند.

در تحلیل اقتصادی، میان «ارز» و «نرخ ارز» نیز باید تفکیک کامل برقرار کرد. ارز، خود موضوع مبادله است؛ اما نرخ ارز، قیمت آن در برابر پول ملی است. به

تعبیر دیگر، ارز دارایی پولی برون‌مرزی است و نرخ ارز نسبت مبادله آن با ریال. ارز با وجود آنکه در بازار خرید و فروش می‌شود، کالای متعارف نیست؛ زیرا بهای آن خود به صورت نسبت میان دو پول بیان می‌شود. در زبان روزمره و حتی در برخی مکاتبات تجاری، این دو گاه به جای یکدیگر به کار می‌روند، اما از منظر تحلیلی نباید خلط شوند. قانون‌گذار نیز این دو را از هم جدا دیده است: بند «پ» ماده ۱ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، ارز را تعریف می‌کند و بند «د» همان ماده، «بهای ارز» را به عنوان مفهومی مستقل مورد شناسایی قرار می‌دهد. این تفکیک از نظر عملی اهمیت اساسی دارد؛ زیرا دعوای مربوط به اصل مبلغ ارزی، با دعوای مربوط به نرخ تسعیر، زمان مؤثر در محاسبه، یا اختلاف بر سر نرخ خرید و فروش، یکسان نیست. بخش مهمی از نابسامانی در تنظیم دادخواست، دفاع بانکی و کارشناسی نیز از همین خلط آغاز می‌شود.

از منظر اقتصادی، ارز را همچنین نباید با هر دارایی خارجی یکی دانست. قانون بانک مرکزی در ماده ۵۷، هنگامی که از تغییرات ارزش خالص ذخایر بین‌المللی سخن می‌گوید، میان طلا، حق برداشت مخصوص، ارز و سایر دارایی‌های خارجی تفکیک می‌کند؛ همان‌گونه که در ماده ۴۴ همین قانون، «ارز» را از «اوراق مالی مبتنی بر ارز» جدا می‌سازد. این تفکیک، در اقتصاد نیز کاملاً معنادار است. ارز، خود پول خارجی یا طلب نقدشونده بر آن است؛ اما اوراق مبتنی بر ارز، ابزار مالی‌ای است که ارزش یا بازده آن با ارز ارتباط دارد و سایر دارایی‌های خارجی نیز ممکن است منشأ ارزی داشته باشند بی‌آنکه عین ارز محسوب شوند. بنابراین، قرار گرفتن یک دارایی در خارج از کشور، یا وابستگی ارزش آن به پول خارجی، به تنهایی برای ارزی تلقی کردن آن کافی نیست. این تمایز، در تحلیل ترازنامه، ارزیابی ریسک، صورت‌بندی خواسته و نیز تعیین موضوع کارشناسی اهمیت مستقیم دارد.

در سطح بنگاه، ارز بخشی از سرمایه در گردش خارجی و عنصر اصلی مدیریت نقدینگی بین‌المللی است. واردکننده با خرید یا تأمین ارز، در حقیقت امکان اجرای تعهد خرید خارجی خود را تحصیل می‌کند؛ صادرکننده با بازگرداندن

ارز، قدرت خرید حاصل از فروش خارجی را به چرخه اقتصادی داخلی منتقل می‌سازد؛ بانک نیز با فروش ارز، گشایش اعتبار یا کارسازی حواله، واسطه انتقال همین قدرت خرید است. از همین رو، اختلال در دسترسی به ارز فقط به معنای افزایش هزینه نیست؛ گاه به معنای توقف قرارداد اصلی، از دست رفتن مهلت حمل، برهم خوردن زنجیره تأمین، تعذر اجرای تعهد، یا ایجاد مسئولیت در برابر طرف خارجی است. این آثار، پیش از آنکه در لباس دعاوی حقوقی یا اداری ظاهر شوند، ریشه در ماهیت اقتصادی ارز دارند.

برای وکیل، قاضی و کارشناس رسمی، فهم این مفهوم اقتصادی یک ضرورت کاربردی است. وقتی خواهان مدعی عدم کارسازی ارز است، باید ابتدا معلوم شود موضوع دعوا عدم تحویل اسکناس بوده یا عدم انتقال وجه به ذی‌نفع خارجی. وقتی بانک به ایفای تعهد استناد می‌کند، باید روشن شود آیا صرف ثبت داخلی عملیات بانکی کافی است یا آنچه از نظر اقتصادی اهمیت دارد، تحقق دسترسی واقعی ذی‌نفع به قدرت خرید خارجی است. همین تمایز در خواسته‌نویسی نیز تعیین‌کننده است: الزام به تحویل اسکناس خارجی، الزام به کارسازی حواله و مطالبه معادل ریالی تعهد ارزی، سه وضعیت اقتصادی متفاوت‌اند و آثار دعوایی یکسانی ندارند. در کارشناسی نیز باید میان اصل مبلغ ارزی، هزینه انتقال، کارمزد، نرخ تبدیل و زمان مؤثر در ارزیابی فرق گذاشت. برای مثال، در پرونده‌ای که عدم انتقال به‌موقع ارز به فسخ خرید خارجی یا تحمیل هزینه‌هایی مانند دمو راژ انجامیده، زیان اقتصادی صرفاً به تفاوت نرخ ارز فروکاستنی نیست؛ زیرا موضوع، از دست رفتن امکان استفاده از قدرت خرید خارجی در زمان مقتضی است.

پس مفهوم اقتصادی ارز را می‌توان چنین خلاصه کرد: ارز، قدرت خریدی است که در قالب پول غیرملی یا حق فوری بر آن، در مبادلات و تعهدات فرامرزی به کار می‌آید و از طریق آن ارزش از یک نظام پولی به نظام پولی دیگر منتقل می‌شود. اسکناس خارجی تنها یکی از ظواهرات این پدیده است؛ نرخ ارز قیمت آن است نه خود آن؛ و هر دارایی خارجی نیز الزاماً ارز نیست. بر همین مبنا،

هرجا در مباحث بعدی این کتاب از ارز سخن می‌رود، مراد صرفاً وجه نقد خارجی نیست، بلکه مجموعه ابزارها و مطالبات نقدشونده‌ای است که قدرت خرید خارجی را در روابط تجاری، بانکی و تعهدی محقق می‌کند.

مفهوم حقوقی ارز

در حقوق ایران، «ارز» مفهومی صرفاً اقتصادی یا عرفی نیست، بلکه باید آن را از خلال شبکه‌ای از قواعد پولی، بانکی و انتظامی بازسازی کرد. صریح‌ترین تعریف تقنینی موجود در قوانین جاری در بند «پ» ماده ۱ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز آمده است که ارز را پول رایج کشورهای خارجی، اعم از اسکناس، مسکوکات، حوالجات ارزی و سایر اسناد مکتوب یا الکترونیکی دارای کاربرد در مبادلات مالی می‌شناسد. این تعریف، هرچند در متن یک قانون کیفری - تنظیمی آمده، برای تعیین قلمرو موضوعی ارز در حقوق ایران نقطه آغاز معتبری است؛ زیرا نشان می‌دهد آنچه در منطق تقنینی «ارز» نامیده می‌شود، نه هر مال باارزش، بلکه پول خارجی در صورت‌های قابل پرداخت، انتقال یا تسویه است.

از همین تعریف، دو نتیجه بنیادین به دست می‌آید. نخست آنکه ارز در منطق حقوقی ایران مقوله‌ای مستقل از «کالا» است؛ قانونگذار در همان ماده، کالا و ارز را جداگانه تعریف کرده و از ابتدا میان این دو موضوع تمایز نهاده است. دوم آنکه ارز به اسکناس خارجی فروکاسته نمی‌شود. تصریح به حوالجات ارزی و اسناد مکتوب یا الکترونیکی، مفهوم ارز را از قالب صرفاً عینی و فیزیکی خارج می‌کند و به آن ماهیتی کارکردی می‌بخشد. همین رویکرد در قانون بانک مرکزی نیز دیده می‌شود؛ جایی که ماده ۴۴ از «ارز» و «اوراق مالی مبتنی بر ارز» به‌طور جداگانه نام می‌برد و بدین‌سان روشن می‌سازد که هر ابزار مالی با مبنای ارزی، خودبه‌خود ارز نیست و نباید دایره مفهوم ارز را تا هر دارایی یا ابزار مالی ارزی مینا گسترش داد.

در سطح عملیات بانکی، این ماهیت کارکردی آشکارتر می‌شود. در رویه رسمی، حواله ارزی ماهیتاً دستور پرداخت است و در دستورالعمل معاملات بازار ارز تجاری نیز «کارسازی» به صدور دستور پرداخت تعبیر شده است. بنابراین در بخش مهمی از پرونده‌های بانکی و وارداتی، موضوع واقعی اختلاف نه تحویل

اسکناس خارجی، بلکه تحقق یا عدم تحقق یک انتقال یا دستور پرداخت ارزی است. این نکته برای تنظیم خواسته و تشخیص دلیل اهمیت عملی دارد؛ زیرا سند اثباتی ارز در این موارد معمولاً قبض اسکناس نیست، بلکه دستور پرداخت، تأیید کارسازی، اعلام دریافت، اسناد بانکی و داده‌های سامانه‌ای است.

با وجود این، ارز در حقوق ایران پول رسمی داخلی نیست. به موجب ماده ۵۸ قانون بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، واحد پول کشور ریال است، فقط پول رسمی‌ای که طبق قانون در جریان قرار گرفته رواج قانونی و قوه ابراء دارد، و اصل بر آن است که تسویه دیون با پول رایج کشور انجام شود. در نتیجه، ارز خارجی در قلمرو داخلی فاقد «رواج قانونی» و «قوه ابراء» به معنای خاص ماده ۵۸ است و نمی‌توان آن را از حیث آثار پولی با ریال یکی گرفت. با این حال، همان ماده راه را بر هرگونه ایفای تعهد غیرریالی مطلقاً نمی‌بندد؛ زیرا تصریح می‌کند هرگاه قانون شیوه دیگری مقرر کرده باشد یا طرفین با رعایت مقررات ترتیب دیگری توافق کرده باشند، همان ترتیب معتبر است. به علاوه، تبصره ۱ الحاقی همان ماده، برابری پول‌های خارجی نسبت به ریال و نرخ خرید و فروش ارز را در چارچوب نظام ارزی حاکم بر عهده بانک مرکزی قرار می‌دهد؛ بنابراین نسبت حقوقی ارز با ریال نیز در حقوق ایران از مجرای سازوکار رسمی و اعلامی بانک مرکزی فهم می‌شود، نه از رهگذر اراده خصوصی مطلق.

اهمیت این جمع‌بندی زمانی بیشتر می‌شود که به تحول تقنینی اخیر توجه شود. در دوره حاکمیت ماده ۲ قانون پولی و بانکی سابق، پاره‌ای استنباط‌ها و برخی آراء بر این مبنا شکل گرفته بود که پرداخت هر دین فقط با پول رایج کشور ممکن است و ترتیب مخالف، معتبر نیست. اما مواد ۱ تا ۱۷ قانون پولی و بانکی کشور، از جمله همان ماده ۲، به موجب قانون بانک مرکزی مصوب ۱۴۰۲ نسخ شده و نظام جدید در ماده ۵۸ همان قانون با بیان متفاوتی جایگزین گردیده است. از این رو، در تحلیل حقوق جاری، تمسک مجرد به آرای مبتنی بر قانون منسوخ، بدون ملاحظه این تحول تقنینی، نمی‌تواند برای وکیل، قاضی یا کارشناس کافی باشد و چه‌بسا نتیجه دعوا را منحرف کند.

مفهوم حقوقی ارز در نظام ایران، افزون بر بُعد خصوصی، یک بُعد حاکمیتی و تنظیم‌گرانه نیز دارد. قانون بانک مرکزی، نظام ارزی کشور را «شناور مدیریت‌شده» اعلام می‌کند و بانک مرکزی را متولی مدیریت بازار ارز می‌شناسد. در همین راستا، تبصره ۲ ماده ۷ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز نیز تعیین حدود و مقررات استفاده از ارز را بر عهده دولت گذاشته است. پس ارز در حقوق ایران صرفاً موضوع مبادله خصوصی نیست؛ موضوعی است که هویت حقوقی آن در درون نظم عمومی پولی و بانکی شکل می‌گیرد و اراده اشخاص تنها در همان چارچوب مجال اثرگذاری می‌یابد. این ویژگی، وجه تمایز اصلی ارز از بسیاری از اموال و دیون عادی است و علت آن را باید در کارکرد پولی، اثر مستقیم آن بر تراز پرداخت‌ها، ذخایر ارزی و ثبات بازار جست‌وجو کرد.

از حیث آثار عملی، مهم‌ترین نتیجه آن است که در هر دعوای ارزی باید پیش از ورود به ماهیت، معلوم شود موضوع پرونده دقیقاً چیست: عین ارز، حواله ارزی، حق دریافت ارز، یا صرفاً معادل ریالی آن. این تفکیک یک بحث نظری صرف نیست؛ در تعیین خواسته، بار اثبات، موضوع کارشناسی، نحوه رسیدگی بانکی و حتی شیوه انشای رأی اثر مستقیم دارد. رویه جدید نیز نشان می‌دهد که هرچا قانون یا ضرورت اجرایی، ریالی‌سازی مطالبه ارزی را اقتضا کند، این تبدیل یک اثر ثانوی و تابع ضابطه قانونی است، نه اینکه از آغاز، ماهیت ارزی رابطه را از بین ببرد؛ چنان‌که در مقررات بانکی از «برگشت عین ارز» و جداگانه از «پرداخت معادل ریالی» سخن گفته می‌شود و رأی وحدت رویه شماره ۸۶۱ نیز در مقام تعیین مبنای تسعیر مطالبات ارزی، زمان و نرخ قانونی تبدیل را مشخص کرده است. بر این مبنا، تعریف دقیق حقوقی ارز در نظام کنونی ایران آن است که ارز، پول رایج خارجی در قالب‌های مورد شناسایی قانون و مقررات ارزی است؛ موضوعی با کارکرد پرداخت و انتقال که در ایران پول رسمی داخلی محسوب نمی‌شود، اما می‌تواند در حدود قانون، موضوع تعهد، معامله، انتقال، استرداد و در صورت لزوم، تسعیر و تقویم قرار گیرد.

تمایز ارز از پول ملی

تمایز ارز از پول ملی در حقوق ایران، تمایزی صرفاً لفظی یا اقتصادی نیست، بلکه مرز میان دو نهاد متفاوت در نظام مالی و پولی کشور است. در استعمال قانونی غالب، ارز به پول رایج کشورهای خارجی و ابزارهای مرتبط با آن اطلاق می‌شود، حال آنکه مطابق بند الف ماده ۵۸ قانون بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، واحد پول جمهوری اسلامی ایران ریال است و اصلاح ۱۴۰۴/۰۸/۱۱ همین ماده نیز با تعیین نسبت ریال به «ریال جاری» و «قران»، همچنان وصف رسمی و ملی این واحد پول را تثبیت کرده است. بر این مبنا، ارز در حقوق ایران، پول خارجی شناسایی شده در نظم داخلی است، نه صورت دیگری از پول ملی.

قانونگذار این جدایی را در متون اصلی نیز حفظ کرده است. بند ۲۲ قسمت «الف» ماده ۴ قانون بانک مرکزی از «ورود و خروج ارز و پول رایج کشور» به عنوان دو موضوع مستقل برای نظارت یاد می‌کند و همین تفکیک تقنینی، از حیث تفسیر حقوقی بسیار مهم است. وقتی خود قانون، ارز و پول رایج کشور را در کنار هم اما جدا از یکدیگر می‌آورد، روشن است که ارز در نگاه حقوق موضوعه ایران مترادف پول ملی نیست، بلکه موضوعی متمایز است که به اعتبار شناسایی و تنظیم‌گری داخلی، امکان ورود به چرخه مبادلات را می‌یابد.

اثر بنیادی این تمایز در «رواج قانونی» و «قوه ابراء» ظاهر می‌شود. مطابق بند ۵۸ قانون بانک مرکزی، فقط پول رایجی که در جریان بوده یا طبق قانون انتشار می‌یابد، رواج قانونی دارد و به مبلغ اسمی، قوه ابراء پیدا می‌کند. بند ۳ همان ماده نیز اصل را بر این قرار می‌دهد که تسویه هر دین و بدهی با پول رایج کشور انجام شود، مگر آنکه قانون شیوه دیگری مقرر کرده یا بدهکار و بستانکار با رعایت مقررات، ترتیب دیگری داده باشند. نتیجه آن است که ارز، هرچند مال پولی و قابل تقویم است، به خودی خود در قلمرو داخلی ایران واجد همان اثر ابرائی پول ملی نیست. بنابراین اگر در قرارداد یا رابطه بانکی، موضوع تعهد دلار، یورو یا هر ارز دیگری قرار می‌گیرد، این امر فقط موضوع تعهد را ارزی می‌کند و آن ارز را به پول ملی یا دارای رواج قانونی داخلی



بدل نمی‌سازد. از حیث عملی، همین نکته ایجاب می‌کند که در تنظیم قرارداد، به‌صراحت روشن شود آیا تعهد به پرداخت عین ارز است، آیا ایفای ریالی جایگزین پذیرفته شده است، مبنای تسعیر چیست و مرجع اعلام نرخ کدام است؛ زیرا بخش مهمی از اختلافات بانکی و تجاری از همین ابهام آغاز می‌شود.

تمایز دیگر در جایگاه سنجش و ارزش‌گذاری است. پول ملی در حقوق داخلی، معیار پایه سنجش و تسویه است؛ اما ارز در نظام ایران همواره در نسبت با پول ملی فهم و اعلام می‌شود. تبصره ۱ الحاقی ماده ۵۸ قانون بانک مرکزی تصریح می‌کند که برابری پول‌های خارجی نسبت به ریال و نرخ خرید و فروش ارز توسط بانک مرکزی و در چهارچوب نظام ارزی حاکم محاسبه و اعلام می‌شود. ماده ۴۴ همان قانون نیز نظام ارزی کشور را «شناور مدیریت‌شده» اعلام کرده و بانک مرکزی را مکلف ساخته است بازار ارز را به‌گونه‌ای مدیریت کند که با حفظ ارزش پول ملی، نوسانات نرخ ارز کاهش یابد. پس در منطق حقوق عمومی ایران، ارز معیار مستقل حاکم بر روابط داخلی نیست؛ بلکه موضوعی تنظیم‌شده است که ارزش حقوقی آن از رهگذر نسبت‌سنجی با ریال و در چهارچوب سیاست ارزی رسمی تعیین می‌شود. این نکته در پرونده‌های وارداتی و بانکی اثر مستقیم دارد، زیرا در بحث تسعیر، وثیقه، مابه‌التفاوت، رفع تعهد و محاسبه بدهی، نقطه اتکای حقوقی، صرف برداشت عرفی از قیمت بازار نیست، بلکه سازوکار شناسایی‌شده در حقوق موضوعه است.

در قلمرو آیین دادرسی نیز قانونگذار میان پول ملی و ارز خلط نکرده است. بند ۱ ماده ۶۲ قانون آیین دادرسی مدنی میان «پول رایج ایران» و «پول خارجی» تفکیک می‌کند و در فرض مطالبه پول خارجی، بهای خواسته را به نرخ رسمی بانک مرکزی در تاریخ تقدیم دادخواست قابل ارزیابی می‌داند. اهمیت این حکم در آن است که از یک سو، امکان طرح دعوای ارزی را به رسمیت می‌شناسد و از سوی دیگر، نشان می‌دهد ارز در فرایند دادرسی، از حیث تقویم خواسته، تابع قواعدی متفاوت از پول ملی است. برای وکیل دادگستری، اثر عملی این حکم آن است که میان «موضوع واقعی تعهد» و «بهای خواسته از حیث هزینه دادرسی

و نصاب‌های شکلی «تفکیک کند. درج معادل ریالی در دادخواست، اصولاً برای تقویم و هزینه دادرسی است و نباید بی‌جهت به تبدیل ماهوی خواسته از ارز به ریال بینجامد، مگر آنکه خواهان از آغاز، مطالبه معادل ریالی را به عنوان خواسته اصلی انتخاب کرده باشد.

همین تمایز در آثار تبعی دین نیز خود را نشان می‌دهد. ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی خسارت تأخیر تأدیه را به دعاوی محدود کرده که موضوع آن دین و از نوع «وجه رایج» باشد. در نتیجه، دعاوی ارزی را نمی‌توان بی‌تأمل همانند دعاوی ریالی تلقی کرد و سازوکار جبرانی ویژه وجه رایج را به‌طور خودکار بر آن بار نمود. از حیث عملی، خواهان دعاوی ارزی اگر علاوه بر اصل ارز، جبران خسارت نیز می‌خواهد، باید مبنای حقوقی آن را دقیق انتخاب کند؛ گاه این مبنا شرط قراردادی است، گاه وجه‌التزام، و گاه قواعد عام مسئولیت قراردادی یا مقررات خاص بانکی. نادیده گرفتن تفاوت میان «دین ریالی» و «تعهد ارزی» در این مرحله، از خطاهای رایج در خواسته‌نویسی و لایحه‌پردازی است.

در برخی زمینه‌ها قانون برای اداره رابطه ناگزیر از تبدیل ارز به ریال است؛ اما این تبدیل، دلیل همسانی ارز و پول ملی نیست، بلکه دقیقاً نشانه تفاوت آن دو است. رأی وحدت رویه شماره ۸۶۱ هیأت عمومی دیوان عالی کشور درباره مطالبات ارزی بستانکاران ورشکسته، مبنای محاسبه و تسعیر این مطالبات را معادل ارزش ریالی ارز به نرخ روز اعلامی بانک مرکزی در زمان تصدیق مطالبات دانسته است. اهمیت این رأی در بحث حاضر آن است که نشان می‌دهد هرگاه نظام حقوقی برای طبقه‌بندی، توزیع یا اجرای جمعی دیون نیازمند مخرج مشترک باشد، ارز به حکم قانون و در تاریخ مؤثر معین به ریال تسعیر می‌شود؛ نه از آن رو که ذاتاً همان پول ملی است، بلکه چون سازوکار نهایی حقوق داخلی بر پایه پول ملی عمل می‌کند. برای قاضی و کارشناس رسمی، این نکته اهمیت بنیادین دارد: تاریخ مؤثر در تسعیر یک مسئله صرفاً حسابداری نیست، بلکه یک مسئله ماهوی و قانونی است که باید از متن قانون یا رأی لازم‌الاتباع استخراج شود.



שלום רב
שלום רב





حقوق تجارت خارجی امور گمرکی و تعهدات ارزی

ویژه قضات، وکلا، کارشناسان، ضابطین قضایی و بازرگانان

جلد پنجم: حقوق تعهدات ارزی (تعهدات ارزی صادراتی، دعاوی ارزی و صرافیه ها)

محمد مسعود یوسفی

(وکیل دادگستری، متخصص دعاوی ارزی، گمرکی و جرایم اقتصادی)



-----	سرشناسه:
-----	عنوان و نام پدیدآور:
دادبانان دانا، ۱۴۰۵	مشخصات نشر:
----- ص.	مشخصات ظاهری:
شابک جلد پنجم: ۶-۷-۱۹۵۵۱-۶۲۲-۹۷۸ و شابک دوره ۱-۲-۱۹۵۵۱-۶۲۲-۹۷۸	شابک:
فیپا	وضعیت فهرست نویسی:
-----	یادداشت:
-----	موضوع:
-----	موضوع:
-----	موضوع:
یوسفی، محمد مسعود ---- نویسنده	شناسه افزوده:
شورای گفتگوی دولت و بخش خصوصی	شناسه افزوده:
مرکز نوآوری و شتابدهی صادرات اتاق ایران	شناسه افزوده:
HD --/--	رده بندی کنگره:
---/--	رده بندی دیویی:
-----	شماره کتاب شناسی ملی:



شورای گفتگوی دولت و بخش خصوصی



مرکز نوآوری و شتابدهی صادرات اتاق ایران

دوره جامع و کاربردی حقوق تجارت خارجی؛ امور گمرکی و تعهدات ارزی (ویژه قضات، وکلا، کارشناسان، ضابطین قضایی و بازرگانان)	نام کتاب:
محمد مسعود یوسفی (وکیل دادگستری، متخصص دعاوی ارزی، گمرکی و جرایم اقتصادی)	نویسندگان:
شورای گفتگوی دولت و بخش خصوصی و مرکز نوآوری و شتابدهی صادرات اتاق ایران	با همکاری:
-----	ویراستار:
۱۰۰۰	شمارگان:
۲،۰۰۰،۰۰۰ تومان	قیمت:
اول؛ تابستان ۱۴۰۵	نوبت چاپ:
دادبانان دانا	انتشارات:

رِجَالٌ لَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ
الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ

مردانی که تجارت و داد و ستد آنان را از یاد خدا و برپا داشتن
نماز و پرداخت زکات باز نمی‌دارد، [و] پیوسته از روزی که دل‌ها و
دیده‌ها در آن زیر و رو می‌شود، می‌ترسند.

سوره نور-آیه ۳۷

تقدیم به فعالین کسب‌وکار این مرز و بوم، که همواره
این آیه شریفه سرلوحه کسب‌وکارشان بوده است.

فهرست مطالب



۱۷	◆ فصل بیست و سوم: ساختار حقوقی صادرات و تعهد ارزی صادراتی
۱۹	مبنای قانونی تعهد صادراتی
۱۹	تعریف تعهد ارزی صادراتی
۲۲	نسبت تعهد با ارزش پروانه صادراتی
۲۷	نقش بانک مرکزی، گمرک و سازمان توسعه تجارت
۳۲	جایگاه کارگروه
۳۷	گروه‌های صادرکنندگان
۳۷	گروه ۱۰۰ درصد
۴۲	گروه ۹۰ درصد
۴۵	امکان تغییر درصد به تشخیص کارگروه
۴۸	آثار گروه‌بندی بر روش رفع تعهد
۵۵	◆ فصل بیست و چهارم: روش‌های بازگشت ارز و رفع تعهد صادراتی
۵۷	روش‌های قانونی بازگشت ارز
۵۷	فروش حواله در سامانه مورد تأیید بانک مرکزی
۶۳	واردات در مقابل صادرات خود
۶۹	واگذاری ارز به دیگران
۷۶	تهاتر کالا به کالا
۸۲	فروش اسکناس
۸۷	بازپرداخت تسهیلات ارزی
۹۳	تأدیه دیون ارزی
۱۰۰	وضعیت‌های خاص
۱۰۰	ارز مازاد بر پروانه
۱۰۵	پیش‌دریافت ارزی
۱۱۰	مناطق آزاد و ویژه

۱۱۵	مرز نشینان و پبله‌وران
۱۲۲	سرمایه‌گذاری خارجی
۱۲۹	ورود موقت برای پردازش
۱۳۶	فرایند رفع تعهد صادراتی
۱۳۶	داده‌های سامانه‌ای
۱۴۲	شناسایی عملیات بانکی
۱۵۲	اعمال رفع تعهد در سامانه
۱۵۶	اعتراض به عدم شناسایی رفع تعهد
۱۶۳	♦ فصل بیست و پنجم: مهلت‌ها، تمدیدها و استثناهای صادرات
۱۶۵	مهلت پایه و جداول زمانی
۱۶۵	چهار ماه پایه
۱۶۸	جداول خاص به تفکیک کالا و مقصد
۱۷۳	سررسید تعهد
۱۷۸	تمدید و استثنا
۱۷۸	تمدید مهلت توسط کارگروه
۱۸۳	تمدیدهای عمومی دولت
۱۹۰	قوه قاهره
۱۹۴	استثنای موضوعی و بخشی
۲۰۱	دعای مهلت در صادرات
۲۰۱	دعای احتساب مهلت
۲۱۱	دعای اعمال تمدید
۲۱۹	دعای ابطال آثار انقضای مهلت
۲۲۵	دفاع مبتنی بر قوه قاهره
۲۳۳	♦ فصل بیست و ششم: اختلافات ارزشی، هزینه‌های تحریم و هزینه‌های قابل پذیرش
۲۳۵	اختلاف در ارزش کالای صادراتی

۲۳۵	ارزش پروانه صادراتی
۲۴۰	بیش‌اظهاری ارزش
۲۴۶	اختلاف کارشناسی صادقانه و تقلب
۲۵۲	ارزش در ورود موقت و ارزش افزوده
۲۵۷	هزینه‌های صادراتی
۲۵۷	هزینه‌های بازاریابی و فروش
۲۶۳	هزینه‌های سرمایه‌گذاری خارجی
۲۶۸	هزینه‌های اتلاف
۲۷۱	هزینه‌های حمل، انتقال و کارمزد
۲۷۶	هزینه‌های ناشی از تحریم
۲۷۹	پذیرش یا عدم پذیرش هزینه‌ها
۲۷۹	نقش سازمان توسعه تجارت
۲۸۴	نقش کارگروه
۲۸۸	ادله لازم برای پذیرش هزینه
۲۹۳	تمایز هزینه ارزی و هزینه مالیاتی
۲۹۷	دعای مربوط به رد هزینه‌ها
۳۰۵	♦ فصل بیست و هفتم: دعاوی، ضمانت‌اجراها و جرایم صادراتی
۳۰۷	دعای اداری رفع تعهد صادراتی
۳۰۷	اعتراض به عدم شناسایی روش بازگشت
۳۱۴	اعتراض به درصد تعهد
۳۲۱	اعتراض به داده سامانه‌ای
۳۳۰	اعتراض به رد هزینه‌ها
۳۳۷	اعتراض به ارزش پروانه
۳۴۴	ضمانت‌اجراها
۳۴۴	محدودیت‌های بانکی و تجاری

۳۵۲	آثار مالیاتی
۳۵۷	محرومیت از مشوق‌ها
۳۶۳	ارجاع به کارگروه و مراجع نظارتی
۳۶۸	جرایم و عناوین شدیدتر
۳۶۸	عدم رفع تعهد ارزی و تبصره ۷
۳۷۳	اسناد خلاف واقع
۳۷۷	بیش‌اظهاری و مغایرت کالا
۳۸۲	حبس، جزای نقدی و ابطال کارت
۳۸۶	فن دفاع در پرونده‌های صادراتی
۳۹۷	♦ فصل بیست و هشتم: مسئولیت مدنی و قراردادی در روابط ارزی
۳۹۹	مبانی مسئولیت
۳۹۹	مسئولیت قراردادی
۴۰۵	مسئولیت قهری
۴۱۱	رابطه میان قرارداد و مقررات آمره
۴۱۷	نقش شروط قراردادی
۴۲۴	انواع خسارت
۴۲۴	اصل ارز
۴۳۰	تفاوت نرخ ارز
۴۳۷	خسارت تأخیر
۴۴۱	هزینه‌های تبعی
۴۴۸	عدم‌النفع و تقویت فرصت
۴۵۲	مسئولیت اشخاص
۴۵۲	واردکننده
۴۵۸	صادرکننده
۴۶۷	بانک و مؤسسه اعتباری

۴۷۶	صرافی و واسطه
۴۸۳	مدیران و اشخاص ثالث
۴۹۱	♦ فصل بیست و نهم: دعاوی ارزی در محاکم حقوقی
۴۹۳	اقسام دعاوی
۴۹۳	مطالبه ارز
۵۰۰	مطالبه معادل ریالی
۵۰۶	الزام به ایفای تعهد ارزی
۵۱۲	استرداد وجه
۵۱۶	مطالبه خسارت
۵۲۱	تشریفات و ادله
۵۲۱	صلاحیت
۵۲۷	خواسته‌نویسی
۵۳۵	ادله بانکی، تجاری و گمرکی
۵۴۶	داده‌های سامانه‌ای
۵۵۵	کارشناسی
۵۶۱	تأمین خواسته و دستور موقت
۵۶۸	اجرای احکام ارزی
۵۶۸	اجرای حکم به عین ارز
۵۷۲	اجرای حکم به معادل ریالی
۵۷۷	زمان مؤثر در تسعیر
۵۸۲	اشکالات اجرایی
۵۹۳	فصل سی‌ام: دعاوی ارزی در دیوان عدالت اداری
۵۹۵	صلاحیت دیوان
۵۹۵	تصمیمات بانک مرکزی
۵۹۹	تصمیمات بانک عامل

۶۰۲	تصمیمات وزارت صمت و سازمان توسعه تجارت
۶۰۵	تصمیمات گمرک
۶۰۸	بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌ها
۶۱۳	انواع دعاوی
۶۱۳	ابطال مقررہ
۶۲۰	اعتراض به تصمیم موردی
۶۲۵	الزام به انجام وظیفه قانونی
۶۳۰	دعای خسارت اداری
۶۳۵	دستور موقت
۶۴۰	مبانی استدلال در دیوان
۶۴۰	خروج از حدود اختیار
۶۴۶	مغایرت با قانون
۶۵۲	نقض حقوق مکتسبه
۶۵۸	منع عطف به ماسبق
۶۶۶	اعتماد مشروع و امنیت حقوقی
۶۷۷	♦ فصل سی و یکم: پرونده‌های کیفری و تعزیراتی ارزی
۶۷۹	مرجع و ساختار رسیدگی
۶۷۹	سازمان تعزیرات حکومتی
۶۸۴	دادسرا و دادگاه کیفری
۶۸۹	رابطه با دیوان عدالت اداری
۶۹۴	رابطه با دعاوی حقوقی
۶۹۹	جرایم و تخلفات ارزی
۶۹۹	قاچاق ارز
۷۰۵	عدم رفع تعهد ارزی
۷۱۰	اسناد خلاف واقع

۷۱۶	تحصیل ارز از طریق متقلبانه
۷۲۰	عناوین مرتبط
۷۲۷	ادله، کارشناسی و دفاع
۷۲۷	اسناد بانکی
۷۳۴	اسناد گمرکی
۷۴۱	داده‌های سامانه‌ای
۷۵۲	نظریه کارشناسی
۷۵۸	دفاع مبتنی بر فقدان عنصر قانونی
۷۶۵	دفاع مبتنی بر فقدان سوءنیت
۷۷۴	دفاع مبتنی بر قوه قاهره
۷۸۳	♦ فصل سی و دوم: ماهیت عملیات تراستی و جایگاه آن در حقوق ارزی
۷۸۵	مفهوم تراستی در عرف تجاری ایران
۷۸۵	تراستی به مثابه واقعیت عملی
۷۸۸	تفاوت تراستی با تراست در حقوق تطبیقی
۷۹۱	نسبت تراستی با تحریم و محدودیت بانکی
۷۹۶	تحلیل ماهیت حقوقی تراستی
۷۹۶	تراستی به مثابه وکالت
۸۰۲	تراستی به مثابه نمایندگی
۸۰۷	تراستی به مثابه حق العمل کاری
۸۱۰	تراستی به مثابه قرارداد نامعین
۸۱۷	تراستی به مثابه تعهد به وسیله یا نتیجه
۸۲۱	نسبت تراستی با نظم عمومی ارزی
۸۲۱	تراستی و مجوزهای ارزی
۸۲۶	تراستی و بازگشت ارز
۸۳۲	تراستی و تشریفات قانونی حواله

۸۴۰	تراستی و خطر تعارض با قانون
۸۳۵	♦ فصل سی و سوم: فرایند عملیات تراستی و شیوه‌های جابه‌جایی ارز
۸۴۷	فرایند پایه عملیات تراستی
۸۴۷	نقش ذی‌نفع اصلی
۸۵۴	نقش شرکت یا شخص واسطه
۸۶۲	نقش کشور ثالث
۸۶۷	نقش اسناد و رسیدها
۸۷۴	شیوه‌های عملیاتی تراستی
۸۷۴	انتقال حساب به حساب
۸۸۰	تسویه شبکه‌ای و تهاتری
۸۸۶	شرکت پوششی یا نماینده ظاهری
۸۹۰	واگذاری ارز صادرکننده به تراستی
۸۹۷	تراستی در واردات و صادرات
۹۰۳	اسناد و ادله در عملیات تراستی
۹۰۳	قرارداد
۹۱۱	دستور پرداخت
۹۱۸	رسید انتقال
۹۲۸	مکاتبات الکترونیکی
۹۳۴	صورتحساب‌ها و اینویس‌ها
۹۴۱	تأییدیه دریافت
۹۴۹	♦ فصل سی و چهارم: ریسک‌ها، اختلافات و دعاوی تراستی
۹۵۱	ریسک‌های عملیاتی و حقوقی
۹۵۱	ریسک هویت و صلاحیت واسطه
۹۵۷	ریسک فقدان سند
۹۶۴	ریسک انقطاع زنجیره سببیت

۹۷۲	ریسک تعارض با مقررات آمره
۹۷۸	ریسک چند مرجعی شدن دعوا
۹۸۳	دعاوی حقوقی تراستی
۹۸۳	مطالبه وجه
۹۹۱	استرداد وجوه
۹۹۸	الزام به انتقال ارز
۱۰۰۶	مطالبه خسارت
۱۰۱۴	فسخ یا بطلان قرارداد تراستی
۱۰۲۲	دعاوی اداری تراستی
۱۰۲۲	اثر تراستی بر رفع تعهد وارداتی
۱۰۲۹	اثر تراستی بر رفع تعهد صادراتی
۱۰۳۴	اعتراض به عدم پذیرش اسناد تراستی
۱۰۴۱	اثر تراستی بر داده‌های سامانه‌ای
۱۰۴۹	♦ فصل سی و پنجم: جرایم، تعزیرات و فن دفاع در پرونده‌های تراستی
۱۰۵۱	عناوین مجرمانه محتمل
۱۰۵۱	قاچاق ارز
۱۰۶۱	کلاهبرداری
۱۰۶۷	خیانت در امانت
۱۰۷۲	استفاده از سند خلاف واقع
۱۰۸۰	تحصیل مال نامشروع
۱۰۸۷	اخلال اقتصادی در فروض کلان
۱۰۹۲	چالش‌های رسیدگی برای وکلا، قضات، ضابطان و کارشناسان
۱۰۹۲	توصیف صحیح رابطه
۱۰۹۹	ردیابی پول و سند
۱۱۰۷	تفکیک اختلاف خصوصی از عنوان کیفری
۱۱۱۳	چالش‌های بین‌المللی و ادله خارجی

۱۱۲۱	نقش کارشناسی تخصصی
۱۱۲۸	فن دفاع در پرونده‌های تراستی
۱۱۲۸	دفاع مبتنی بر عملیات واقعی
۱۱۳۴	دفاع مبتنی بر فقدان عنصر قانونی
۱۱۴۲	دفاع مبتنی بر فقدان سوءنیت
۱۱۵۰	دفاع مبتنی بر نقش واسطه و عامل ثالث
۱۱۵۷	دفاع مبتنی بر نقص در ادله و انتساب
۱۱۶۶	دفاع در پرونده‌های بازگشت ارز و نفتی
۱۱۷۵	فصل سی و ششم: تحریم، قوه قاهره و دشواری اجرای تعهدات ارزی
۱۱۷۷	مفهوم تحریم در روابط ارزی
۱۱۸۲	اثر تحریم بر انتقال ارز
۱۱۸۸	تحریم و قوه قاهره
۱۱۹۲	تحریم و مسئولیت قراردادی
۱۲۰۱	تحریم و دفاع در دعاوی ارزی
۱۲۰۹	فصل سی و هفتم: تنظیم قراردادهای ارزی و پیشگیری از دعاوا
۱۲۱۱	بندهای ضروری قرارداد ارزی
۱۲۲۳	شرط پرداخت ارزی
۱۲۳۰	شرط تعدیل نرخ
۱۲۳۴	شرط فورس‌ماژور و تحریم
۱۲۳۹	شرط وجه التزام
۱۲۵۰	شرط دآوری و حل اختلاف
۱۲۵۷	شرط‌های ویژه در عملیات تراستی
۱۲۶۴	چک‌لیست قراردادنویسی برای واردکنندگان و صادرکنندگان
۱۲۷۵	کتابخانه منابع



فصل بیست و سوم

ساختار حقوقی صادرات و

تعهد ارزی صادراتی



◆ فصل بیست و سوم: ساختار حقوقی صادرات و تعهد ارزی صادراتی

مبنای قانونی تعهد صادراتی

تعریف تعهد ارزی صادراتی

در حقوق امروز ایران، تعهد ارزی صادراتی دیگر صرفاً یک عنوان اداری یا اصطلاحی برخاسته از بخشنامه‌های اجرایی نیست، بلکه تکلیفی با مبنای قانونی صریح است. پس از الحاق تبصره ۶ به بند «ح» ماده ۲ مکرر قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز در سال ۱۴۰۰، کلیه صادرکنندگان کالا به خارج از کشور مکلف شدند ارز مندرج در پروانه گمرکی یا معادل ارزی آن به سایر ارزها را در چارچوب‌های مورد قبول بانک مرکزی بازگردانند؛ آیین‌نامه اجرایی این تبصره نیز که در سال ۱۴۰۳ اصلاح شد، تعهد ارزی صادراتی را به‌مثابه میزان ارزی تعریف کرده است که تا سقف صددرصد ارزش ارزی پروانه‌های صادراتی کالاها را در بر می‌گیرد و صادرکننده باید آن را بازگرداند. بنابراین، تعریف دقیق این نهاد در وضع موجود، الزام قانونی صادرکننده به بازگرداندن نسبت مقرر از ارزش ارزی مندرج در پروانه‌های صادراتی کالا به چرخه اقتصادی کشور است.

از حیث قلمرو، هرچند ماده ۱ قانون مقررات صادرات و واردات قواعد صادرات را نسبت به کلیه صادرکنندگان جاری می‌داند، مفهوم عملی صادرات در این مبحث باید از قانون امور گمرکی اخذ شود؛ زیرا قانون اخیر «صدور قطعی» را رویه‌ای

می‌شناسد که بر مبنای آن کالای داخلی برای فروش یا مصرف از کشور خارج می‌شود و آیین‌نامه اجرایی تبصره مزبور نیز صادرکننده را شخصی می‌داند که وفق پروانه صادراتی گمرک، نسبت به صادرات کالا اقدام کرده است. در نتیجه، تعریف عام این فصل ناظر به صادرات قطعی کالا و پروانه گمرکی مربوط به آن است، نه هر نوع دریافتی ارزی یا هر رابطه اقتصادی برون‌مرزی. از همین رو، کالای صدور قطعی بازگشتی موضوع ماده ۶۵ قانون امور گمرکی در شمار وضعیت‌های خاص قرار می‌گیرد و نباید با صادرات قطعی مولد تعهد ارزی خلط شود.

مخاطب ابتدایی این تکلیف نیز، در سطح مقرراتی، همان شخص حقیقی یا حقوقی است که صادرات بر پایه پروانه گمرکی به نام او تحقق یافته است. این نکته از جهت تعیین سمت در دعوا، انتخاب خوانده، تشخیص بار اثبات و ارزیابی مسئولیت اشخاص اهمیت تعیین‌کننده دارد؛ زیرا در روابط پیچیده‌ای مانند صادرات از طریق عامل، شرکت وابسته یا ساختارهای چندلایه، ممکن است میان متعهد مقرراتی و ذی‌نفع اقتصادی نهایی تفکیک پدید آید، اما نقطه شروع شناسایی متعهد برای مرجع اداری، قضایی و کارشناسی، شخص معرفی‌شده در پروانه صادراتی است. روابط داخلی اشخاص می‌تواند منشأ رجوع خصوصی یا دعوای جبران خسارت باشد، ولی اصل وجود تعهد ارزی صادراتی از همان پروانه و از حکم قانون آغاز می‌شود.

موضوع این تعهد، از نظر ماهوی، تعهدی ارزی است نه ریالی. قانون از «ارز مندرج در پروانه گمرکی یا معادل ارزی آن به سایر ارزها» سخن گفته و آیین‌نامه نیز از «میزان ارز معادل» یاد کرده است. نتیجه آن است که نظام حقوقی، معادل‌سازی در میان ارزهای خارجی را می‌پذیرد، اما اصل تعهد را از ابتدا به دین ریالی فرو نمی‌کاهد. بنابراین، هرچند در مرحله ضمانت‌اجرا، جریمه‌ها و آثار مالی ممکن است بر پایه نرخ‌های اعلامی بانک مرکزی محاسبه شوند، این امر ماهیت اولیه تعهد را تغییر نمی‌دهد. در تنظیم دادخواست، لایحه دفاعیه یا نظریه کارشناسی، خلط میان اصل دین ارزی و ضمانت‌اجرای ریالی آن از خطاهای رایج و اثرگذار است.

از سوی دیگر، تعبیر «حداکثر صددرصد» در تعریف آیین‌نامه‌ای باید همراه با متن قانون خوانده شود. قانون، تعیین میزان تعهد را به آیین‌نامه سپرده، اما حداقل آن را کمتر از شصت درصد ارزش ارزی صادرات ندانسته است. آیین‌نامه فعلی نیز تعهد را در مقام تعریف تا سقف صددرصد بیان می‌کند، ولی در مقام اجرا برای برخی گروه‌های صادراتی صددرصد و برای برخی دیگر نوددرصد ارزش پروانه صادراتی را مقرر ساخته و حتی امکان تعدیل محدود این درصد را نیز پیش‌بینی کرده است. پس از نظر تحلیلی، «تعهد ارزی صادراتی» با «تمام ارزش هر پروانه صادراتی» مترادف نیست؛ آنچه ثابت است پیوند تعهد با ارزش ارزی پروانه است و آنچه متغیر می‌ماند، درصد الزام در حدود قانون است. به همین دلیل، بحث گروه‌بندی صادرکنندگان و آثار آن بر میزان تعهد، ادامه منطقی همین تعریف است، نه جزئی از خود تعریف.

مفهوم «بازگشت» نیز باید حقوقی فهمیده شود، نه صرفاً عرفی. در مدل تقنینی کنونی، بازگشت ارز منحصر در فروش آن به بانک مرکزی نیست؛ قانون، فروش به بانک مرکزی، فروش به سایر اشخاص با تأیید بانک مرکزی، استفاده برای تأمین ارز واردات کالای خود و بازپرداخت بدهی تسهیلات ارزی را نیز در زمره طرق ایفای تعهد شناخته و آیین‌نامه از بازگشت ارز حاصل از صادرات به چرخه اقتصادی کشور از طریق روش‌های مصرح سخن گفته است. بر این مبنا، اصل تعهد یک چیز است، روش اجرای آن چیز دیگر، و شناسایی رفع تعهد در سامانه‌ها مرحله‌ای دیگر. در نتیجه، رد یا پذیرش یک شیوه خاص، خودبه‌خود به معنای نفی یا اثبات اصل تعهد نیست و هر سه سطح باید در رسیدگی‌های اداری و قضایی از یکدیگر تفکیک شوند.

نسبت این تعهد با ارزش پروانه صادراتی نیز در همین نقطه روشن می‌شود. مبنای ابتدایی سنجش تعهد، ارزش ارزی مندرج در پروانه صادراتی است، نه سود واقعی صادرکننده، نه مانده خالص پس از هزینه‌ها، و نه صرفاً مبلغی که در روابط خصوصی نهایتاً از خریدار خارجی وصول می‌شود. اتصال این تعهد به معافیت‌های مالیاتی و مشوق‌های صادراتی نیز مؤید آن است که با یک نهاد صرفاً قراردادی

یا بانکی روبه‌رو نیستیم، بلکه با تکلیفی از سنخ نظم عمومی اقتصادی مواجهیم که قانون، برخورداری از امتیازات صادراتی را به تناسب ایفای آن منوط کرده است. البته اینکه در چه مواردی میان ارزش مندرج در پروانه، وضعیت‌های خاص، هزینه‌های قابل پذیرش یا مقررات استثنایی باید جمع یا ترجیح به عمل آید، بحث مستقلی است و نباید در تعریف ادغام شود. در این قسمت، همین اندازه باید تثبیت شود که تعهد ارزی صادراتی در حقوق ایران، دینی عمومی و آمره است که بر محور ارزش ارزی پروانه صادراتی شکل می‌گیرد و سپس در قالب‌های قانونی رفع تعهد ارزی مورد سنجش و احراز قرار می‌گیرد.

برآیند این ملاحظات آن است که تعهد ارزی صادراتی در حقوق ایران، نه صرفاً یک تعهد بانکی و نه صرفاً انعکاس قرارداد فروش خارجی، بلکه تکلیف قانونی صادرکننده مندرج در پروانه صادراتی است به اینکه نسبت مقرر از ارزش ارزی ناشی از صدور قطعی کالا را، که در وضع موجود سقف آن تا صددرصد تعیین شده است، از طریق راه‌های مورد قبول بانک مرکزی به چرخه اقتصادی کشور بازگرداند. هر تحلیلی که این مفهوم را به مطالبه ریالی ساده، اختلاف خصوصی میان طرفین قرارداد خارجی، یا صرف اختلاف سامانه‌ای تقلیل دهد، از ساختار تقنینی حاکم فاصله می‌گیرد و در عمل نیز به خطا در خواسته‌نویسی، تشخیص مسئول، ارزیابی ادله و انشای رأی می‌انجامد.

نسبت تعهد با ارزش پروانه صادراتی

در نظام فعلی حقوق ایران، نسبت تعهد ارزی صادراتی با ارزش پروانه صادراتی، نسبت یک تکلیف عمومی با معیار رسمی سنجش آن است. تعهد از قانون به وجود می‌آید، اما میزان آن از سند رسمی گمرکی صادرات خوانده می‌شود. ازاین‌رو، نه قرارداد خصوصی فروش خارجی به‌تنهایی، نه مبلغی که صادرکننده مدعی وصول آن از خریدار خارجی است، و نه محاسبات داخلی بنگاه، هیچ‌یک مستقلاً جایگزین ارزش ارزی مندرج در پروانه صادراتی نمی‌شوند. آنچه در روابط عمومی ارزی کشور مبنای محاسبه قرار می‌گیرد، ارزشی است که در تشریفات گمرکی احراز و در پروانه صادراتی منعکس شده است.



مبنای این نتیجه در هم‌نشینی سه لایه مقرراتی دیده می‌شود. مطابق تبصره ۶ بند «ح» ماده ۲ مکرر قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، صادرکننده مکلف است ارزش مندرج در پروانه گمرکی یا معادل ارزی آن به سایر ارزها را در چارچوب‌های مقرر بازگرداند. آیین‌نامه اجرایی همان تبصره نیز تعهد ارزی صادراتی را میزان ارزش معادل حداکثر صددرصد ارزش ارزی پروانه‌های صادراتی دانسته و در ماده ۸، درصدهای تعهد را بر مبنای ارزش مندرج در پروانه صادراتی تعیین کرده است. از سوی دیگر، ماده ۱۶ قانون امور گمرکی و ماده ۲۲ آیین‌نامه اجرایی آن، ضابطه تشکیل این ارزش را بیان می‌کنند. به این ترتیب، زنجیره حقوقی روشن است: ارزش‌گذاری گمرکی، صدور پروانه صادراتی، و سپس سنجش تعهد ارزی بر همان مبنا. تغییر «پروانه گمرکی» در تبصره یادشده نیز در بستر صادرات، به همان پروانه صادراتی شناخته‌شده در قانون امور گمرکی بازمی‌گردد؛ چنان‌که ماده ۱۱۷ قانون اخیر از پروانه صادراتی به‌عنوان سند مثبت گمرکی نام می‌برد.

ارزش پروانه صادراتی صرفاً بازتاب عدد مندرج در توافق خصوصی طرفین نیست. به موجب ماده ۱۶ قانون امور گمرکی، ارزش گمرکی کالای صدور عبارت است از قیمت فروش کالا برای صدور، به‌علاوه هزینه بیمه، باربری، حمل و نقل و سایر هزینه‌هایی که تا خروج از قلمرو گمرکی به کالا تعلق می‌گیرد. اگر اسناد ارائه نشود یا ارزش اظهارشده به دلایل مستند نامتناسب باشد، گمرک مکلف است ارزش را با استعلام از مراجع ذی‌ربط و بر پایه قیمت عمده‌فروشی کالا در بازار داخلی، به‌علاوه هزینه‌های متعلقه تا خروج از قلمرو گمرکی، تعیین کند. آیین‌نامه اجرایی قانون امور گمرکی نیز تصریح دارد که هزینه‌های بعد از خروج از قلمرو گمرکی، از قبیل کرایه حمل و بیمه باربری پس از خروج، جزو ارزش گمرکی کالای صدور نیست. نتیجه عملی آن است که ارزش پروانه صادراتی نه الزاماً برابر با رقم خام مندرج در سیاهه تجاری است و نه لزوماً معادل خالص وجوهی که بعداً به دست صادرکننده می‌رسد. این ارزش، یک مفهوم حقوقی و گمرکی است؛ نه صرفاً یک داده حسابداری یا قراردادی.

اهمیت این تمایز زمانی آشکارتر می‌شود که تبصره ماده ۱۶ قانون امور گمرکی را در نظر بگیریم. قانون‌گذار تصریح کرده است که تشخیص نامتناسب بودن ارزش، مانع صدور کالا نیست و گمرک می‌تواند با اخذ تعهد، رسیدگی به ارزش را به بعد از صدور موکول کند. بنابراین، در بعضی پرونده‌ها عددی که نهایتاً مبنای تعهد ارزی قرار می‌گیرد، از رهگذر رسیدگی تکمیلی گمرک تثبیت می‌شود، نه صرفاً بر اساس اظهار اولیه صادرکننده. از همین جاست که اعتراض به ارزش صادراتی، صرفاً اعتراض به یک مؤلفه فنی در پرونده گمرکی نیست. به موجب ماده ۲۳ آیین‌نامه اجرایی قانون امور گمرکی، ارزش تعیین‌شده از سوی گمرک قابل اعتراض است، و این اعتراض در واقع متوجه یکی از ارکان تعیین میزان تعهد ارزی نیز هست. به همین جهت، بیش‌اظهاری یا کم‌اظهاری ارزش صادراتی که به قصد تحصیل تسهیلات یا مزایای غیرقانونی انجام شود، به موجب تبصره ماده ۱۰۷ قانون امور گمرکی، صرفاً یک بی‌دقتی حسابداری تلقی نمی‌شود. افزون بر آن، ماده ۱۳ آیین‌نامه اجرایی تبصره ۶ بند «ح» ماده ۲ مکرر نیز برخورداری از معافیت‌های مالیاتی - جز مالیات بر ارزش افزوده - و مشوق‌ها و جوایز صادراتی را متناسب با میزان ایفای همین تعهد قرار داده است. پس تثبیت یا اصلاح ارزش پروانه صادراتی فقط اثر ارزی ندارد؛ بر وضع مالیاتی و تشویقی صادرکننده نیز اثر مستقیم می‌گذارد.

با این وصف، آنچه در نظام فعلی تغییر می‌کند معمولاً «درصد تعهد» است، نه «اصل پیوند تعهد با ارزش پروانه». قانون، کف تعهد را کمتر از شصت درصد ارزش ارزی صادرات نمی‌پذیرد، اما آیین‌نامه اجرایی در وضع موجود برای برخی صادرکنندگان، تعهد را معادل صد درصد و برای سایر صادرکنندگان معادل نود درصد ارزش پروانه صادراتی قرار داده و امکان تعدیل محدود این درصد را نیز در موارد خاص پیش‌بینی کرده است. بنابراین، همواره باید میان «پایه محاسبه» و «ضریب محاسبه» تفکیک کرد. پایه محاسبه، ارزش رسمی مندرج در پروانه صادراتی است؛ ضریب محاسبه، درصدی است که مقررات برای گروه یا کالای مورد نظر تعیین می‌کند. خلط این دو، در دعاوی اداری و بانکی خطای رایجی است: گاه صادرکننده



در حقیقت به ارزش‌گذاری گمرکی معترض است، اما دعوا را صرفاً در قالب اختلاف بر سر درصد تعهد یا نحوه شناسایی رفع تعهد طرح می‌کند؛ و گاه برعکس، اختلاف مربوط به گروه‌بندی یا درصد قانونی است، اما به اشتباه در پوشش اعتراض به ارزش پروانه عرضه می‌شود.

از حیث انتساب تعهد نیز قانون‌گذار به پروانه صادراتی وزن تعیین‌کننده داده است. آیین‌نامه، صادرکننده را شخص حقیقی یا حقوقی‌ای می‌داند که وفق پروانه صادراتی گمرک اقدام به صادرات کرده است. بر این مبنا، مخاطب مستقیم تعهد در سطح عمومی و مقرراتی همان شخص مندرج در پروانه است. بنابراین، استفاده از حق‌العامل کار، واسطه صادراتی، عامل فروش، یا هر ترتیب خصوصی دیگر، مادام که در مدارک رسمی و سامانه‌ای منعکس و از سوی مرجع صلاحیت‌دار شناسایی نشده باشد، اثر خودکار در جابه‌جایی مخاطب اصلی تعهد ندارد. این نکته در عمل برای تنظیم قراردادهای صادراتی و نیز برای دفاع در پرونده‌های ناشی از واگذاری منافع صادرات یا صادرات به نام غیر، بسیار مهم است؛ زیرا رابطه خصوصی می‌تواند مبنای رجوع داخلی میان اشخاص باشد، اما لزوماً جایگاه صادرکننده را در برابر حاکمیت و سامانه‌های رسمی تغییر نمی‌دهد.

از همین مبنا، چند اثر عملی دیگر نیز به دست می‌آید. اگر صادرکننده مدعی باشد که مبلغی کمتر از ارزش مندرج در پروانه وصول کرده است، این ادعا به‌خودی‌خود میزان تعهد قانونی او را کاهش نمی‌دهد. کسر ناشی از تخفیف‌های پس از معامله، تعدیل‌های قراردادی، کارمزدها، هزینه‌های انتقال، محدودیت‌های ناشی از تحریم، تأخیر یا نکول خریدار خارجی، تا زمانی که به اصلاح رسمی ارزش پروانه یا اعمال یک استثنای قانونی خاص نینجامیده باشد، در منطق حقوق عمومی ارزی، جانشین ارزش رسمی پروانه نمی‌شود. در نقطه مقابل، قانون و آیین‌نامه هر دو از «معادل ارزی آن به سایر ارزها» سخن گفته‌اند؛ پس ایفای تعهد الزاماً مقید به عین همان نوع ارز مندرج در پروانه نیست و آنچه در مرکز ثقل تعهد قرار دارد، برابری ارزشی است، نه لزوماً جنس همان ارز. به بیان دقیق‌تر، نسبت تعهد با پروانه، نسبیتی ارزی - ارزشی است: عدد تعهد از ارزش ارزی پروانه استخراج می‌شود، اما ایفای آن می‌تواند با معادل همان ارزش در ارز دیگر واقع شود.

با این حال، نباید پنداشت که در همه فروض، تمام ارزش هر پروانه صادراتی عیناً و بی‌کاستی موضوع تعهد است. در مواردی که قانون یا آیین‌نامه، اصل صادرات را از شمول تعهد ارزی خارج کرده است، اساساً بحث از سنجش تعهد بر پایه ارزش پروانه منتفی می‌شود. در مقابل، صادرات کالا از مناطق آزاد تجاری - صنعتی و مناطق ویژه اقتصادی به خارج از کشور، به موجب ماده ۱۷ آیین‌نامه اجرایی تبصره ۶ بند «ح» ماده ۲ مکرر، اصولاً مشمول ایفای تعهد ارزی است و گمرک با همکاری سازمان مناطق مکلف به صدور پروانه صادراتی برای آن است؛ پس همان رابطه میان تعهد و ارزش پروانه در این قلمرو نیز برقرار می‌ماند. مهم‌تر از همه، در صادرات ناشی از ورود موقت برای پردازش، تبصره ۲ الحاقی ماده ۲۴ آیین‌نامه اجرایی قانون مقررات صادرات و واردات مصوب ۲۰/۳/۱۴۰۳، رفع تعهد را صرفاً به میزان ارزش افزوده کالای صادراتی نسبت به ماده اولیه وارداتی شناخته و محاسبه آن را به صورت سامانه‌ای بر عهده گمرک نهاده است. ماده ۲۲ الحاقی آیین‌نامه اجرایی تبصره ۶ بند «ح» ماده ۲ مکرر نیز رفع تعهد این دسته از صادرات را تابع ترتیب خاص تعیین‌شده از سوی کارگروه دانسته است. در نتیجه، در این رژیم خاص، تمام ارزش ظاهری مندرج در پروانه لزوماً معادل موضوع تعهد نیست. همچنین مقررات ناظر به ارزش مازاد بر پروانه صادراتی نشان می‌دهد که مازاد بازگشتی، مقوله‌ای جدا از حداقل تعهد الزامی است و نباید با مبنای تکلیف خلط شود.

در رسیدگی قضایی، اداری و کارشناسی، تمایز میان «اختلاف در مبنای تعهد» و «اختلاف در ایفای تعهد» حیاتی است. اختلاف نخست ناظر به ارزش‌گذاری گمرکی، صدور یا اصلاح پروانه، قلمرو استثنائات، و ضریب قانونی قابل اعمال است. اختلاف دوم ناظر به شناسایی عملیات بازگشت ارزش، احتساب روش‌های مجاز، و انعکاس صحیح آن در سامانه‌های رسمی است. در نظریه کارشناسی نیز ترتیب درست همین است: ابتدا باید ارزش رسمی پروانه صادراتی و هر اصلاح بعدی آن احراز شود؛ سپس درصد تعهد قانونی بر آن اعمال گردد؛ و آنگاه عملیات بازگشت ارزش قابل شناسایی از آن کسر شود. وارونه کردن این ترتیب، به‌ویژه در پرونده‌هایی که صادرکننده به

مبلغ وصولی واقعی، هزینه‌های انتقال، یا دشواری‌های تحریم استناد می‌کند، نتیجه کارشناسی و نهایتاً رأی را از مبنای قانونی دور می‌سازد. در این گونه پرونده‌ها، اسناد بانکی، حواله‌ها، رسیدهای وصول، مکاتبات خریدار خارجی و صورت حساب‌های تجاری، هرچند برای اثبات واقعیت معاملات یا برای توجیه اعتراض اهمیت فراوان دارند، تا زمانی که به اصلاح رسمی مبنای گمرکی نینجامیده‌اند، جایگزین معیار رسمی محاسبه نمی‌شوند.

برآیند مقررات آن است که پروانه صادراتی در حقوق ارزی ایران صرفاً سندی دال بر انجام تشریفات خروج نیست، بلکه معیار رسمی اندازه‌گیری تعهد ارزی است. تا زمانی که این معیار از مجرای صلاحیت‌دار اصلاح نشده باشد، اصل بر آن است که همان ارزش ثبت‌شده در پروانه، پایه محاسبه تعهد، سنجش میزان ایفای آن، و برخورداری متناسب از معافیت‌ها و مشوق‌های صادراتی باشد. از این رو، هر دعوایی که به ظاهر درباره رفع تعهد ارزی اقامه می‌شود، باید پیش از هر چیز از این زاویه دیده شود که آیا مبنای رسمی ارزش، یعنی همان پروانه صادراتی و ارزش مندرج در آن، صحیحاً شکل گرفته، صحیحاً در سامانه‌ها منعکس شده، و در صورت اعتراض، از راه درست مورد رسیدگی و اصلاح قرار گرفته است یا نه.

نقش بانک مرکزی، گمرک و سازمان توسعه تجارت

در حقوق فعلی ایران، تعهد ارزی صادراتی دیگر یک الزام صرفاً اداری یا برآمده از بخشنامه‌های پراکنده نیست، بلکه مبنای مستقیم آن در تبصره ۶ بند ح ماده ۲ مکرر قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز قرار دارد. قانون‌گذار در همین متن، هم اصل تکلیف را مقرر کرده، هم موضوع آن را به ارز مندرج در پروانه گمرکی یا معادل ارزی آن پیوند داده، هم مسیرهای کلی ایفای تعهد را شناسایی کرده، و هم تهیه آیین‌نامه اجرایی را به بانک مرکزی با همکاری وزارت صنعت، معدن و تجارت سپرده است. از این رو، سلسله‌مراتب این حوزه روشن است: منبع مولد اصل تعهد، قانون است؛ آیین‌نامه اجرایی، نحوه اعمال و هماهنگی نهادی را تنظیم می‌کند؛ و بخشنامه‌ها و تصمیمات اجرایی، فقط در حدود قانون و آیین‌نامه اعتبار دارند، نه بیش از آن.

از حیث نسبت قواعد نیز باید میان منبع ایجاد تعهد و منبع تعیین مبنای آن تفکیک کرد. قانون امور گمرکی، قانون عام در باب تشریفات صدور و ارزش گذاری کالای صادراتی است و بر پایه ماده ۱۶، ارزش گمرکی کالای صدور را بر اساس سیاهه و اسناد تسلیمی صادرکننده و در صورت لزوم با تشخیص مستند گمرک سامان می دهد؛ در مقابل، تبصره ۶ بند ح ماده ۲ مکرر قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، قانون خاص و متأخر در باب الزام به بازگشت ارز صادراتی است. نتیجه عملی این نسبت آن است که تعهد ارزی صادراتی از نظر منبع الزام، ارزی و تنظیم گرانه است، اما از نظر مبنای سنجش، بر داده ای استوار می شود که در پروانه صادراتی گمرک متجلی می گردد. به همین سبب نیز آیین نامه اجرایی، تعهد ارزی صادراتی را به میزان ارز معادل حداکثر صد درصد ارزش ارزی پروانه های صادراتی تعریف کرده است. پس هر نزاعی که به ارزش پروانه یا اصالت و اصلاح آن بازگردد، مستقیماً بر کم و کیف تعهد ارزی نیز اثر می گذارد.

در این ساختار، بانک مرکزی رکن اصلی تنظیم گری ارزی است. قانون بانک مرکزی نظام ارزی کشور را «شناور مدیریت شده» شناخته و مدیریت بازار ارز و مداخله در آن را بر عهده بانک مرکزی نهاده است. همین جایگاه کلان در قانون خاص تعهد صادراتی نیز تکرار شده است: صادرکننده اصلاً مکلف به فروش ارز به بانک مرکزی یا اقدام بر اساس تأیید آن است و آیین نامه اجرایی نیز با پیشنهاد بانک مرکزی تنظیم شده است. افزون بر این، در سازوکار اجرایی بازگشت ارز، ریاست کارگروه با معاون ارزی رئیس کل بانک مرکزی است و دبیرخانه آن نیز در بانک مرکزی استقرار دارد. بنابراین، بانک مرکزی در این حوزه یک بازیگر هم عرض با دیگر دستگاه ها نیست، بلکه محور تنظیم گری، شناسایی مجاری مجاز ایفای تعهد و مرجع محوری تشخیص بازگشت ارز در سامانه های مورد تأیید است.

اقتدار بانک مرکزی در این حوزه البته به معنای اختیار نامحدود نیست. آیین نامه به این بانک اجازه داده است که در چهارچوب قانون و پس از تصویب در کارگروه، سازوکار و نسبت های برخی روش های بازگشت ارز را تغییر دهد و در اجرای همان چارچوب از ترتیبات اجرایی خاص استفاده کند، اما این اختیار،